تا روز قیامت **نقل است** که روزی امیرالمؤمنین حضرت عثمان ابن عفان رضی الله تعالی عنه
باصحاب خود ملاقات کرد و گفت که امروز پرسید که از کجا می آئی اصحاب گفتند که بفرمایند که از کجا می
آیند گفت بر در بهشت ایستاده بودم و حال آنکه زیر ناودان کعبه ایستاده بود و دعا میکرد **و هم**
آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده است که نزدیک رکن یمانی دری از درهای بهشت است و هیچ احدی
دعا نکند نزدیک حجر الاسود مگر آنکه خدا تعالی دعای او را مستجاب فرماید و میان رکن یمانی و حجر الاسود
روضه ایست از ریاض بهشت **و هم** آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود هر کس که در مکه معظمه بمیرد در
حالتی که احرام حج یا عمره بسته باشد برانگیزاند او را خدا تعالی روز قیامت بی حساب بی عذاب و
گویند در آی در بهشت از هر دری که خواهی **و هم** آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود هر کس که ماه
رمضان روزه دارد در مکه بدهد خدا تعالی او را ثواب صد هزار ماه که در غیر مکه روزه دارد و یک رکعت
نماز در مسجد الحرام برابری میکند بصد هزار رکعت که در غیر آن مسجد گزارد و اگر بجماعت گزارد یکی بصد
هزار و پانصد نماز محسوب است چنانچه بیست و پنج هزار نوبت باشد و هر کس که یک روز در مکه بیمار شود حرام
گرداند خدا تعالی تن او را از آتش دوزخ و هر کس که یکروز صبر کند بر گرمای مکه تا یکساعت دور گرداند
خدا تعالی تن او را از آتش دوزخ هزار ساله راه و نزدیک گرداند به بهشت دویست ساله راه **و هم**
آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده اند که مکه و مدینه مردمان را پاک میکنند از گناه چنانچه پاک میگرداند کوره آهن
آهن را **و هم** آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود هر کس که صبر میکند بر سختی مکروهات مکه مگر رسول خدایم
نزد حق سبحانه و تعالی شفاعت او خواهم کرد در روز قیامت و بدانید که اهل مکه خاصان خدااند و
همسایگان خانه او نیند و بهترین وادیها وادی حضرت ابراهیم است علیه السلام که عبارت از مکه
است و هر کس که نماز گزارد در حجر یا برابر کعبه از گناهان پاک شود و بهترین بقعه‌های نزدیک
خدا تعالی کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام و ملتزم و بهترین چاهها چاه زمزم است و نظر کردن
بسوی زمزم امان است از نفاق و هر کس که آب زمزم بخورد به نیتی که خواهد مراد یابد **و هم**
آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که مومن نظر کند بسوی کعبه از برای گناهان گذشته و آینده

مگر آنکه او آمرزیده شود در روز قیامت و در امان خدا تعالی باشد و فرمود هر کس که دو رکعت نماز گزارد
در مسجد الحرام بنویسد خدا تعالی برای هر رکعت او دو هزار و پانصد نماز و هم آنحضرت صلی الله علیه
وسلم فرمود آنکسانی که حج و عمره میکنند گروه خدایند و هرچه خواهند بدهد خدا تعالی ایشان را و دعای ایشان
اجابت کند و آنچه نفقه کنند در راه حج عوض بدهد خدا تعالی بهر درمی هزار درم قسم بآن خدائی که نفس ابوالقاسم
بید قدرت اوست که هیچ تهلیل و تکبیری نیست که حاجیان گویند الا که همه ایشان بموافقت ایشان
تهلیل و تکبیر گویند حتی زمین هم و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که از عمره تا عمره کفارت
گناهان است و حج پسندیده را جزا نیست الا بهشت پرسیدند که حج پسندیده کدام است فرمودند آنکه مردم را
طعام دهند و بر هر که رسند سلام کنند و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که آنچه حاجیان در راه
حج نفقه میکنند عوض دهد خدا تعالی ایشان را پیش از مرگ هزار چندان و بآن خدای که نفس محمد بید قدرت
اوست که بهر در [illegible] آیت
و هم فرمود آ [illegible] نماز
است نزد خدا تعالی از عبادت یکساله که در غیر مکه باشد از روزه و نماز شب و رکوع و سجود و هم
حضرت پیغامبر صلی الله علیه وسلم فرمود هر که بنشیند رو بکعبه کرده یکساعت خاصه برای خدا
و رسول خدا و برای تعظیم کعبه بدهد حق جل و علا او را مثل ثواب کسی که حج گزارده باشد
و عمره آورده و جهاد کرده و اسپ در راه خدا تعالی دوانیده باشد از برای جهاد و روزه داشته
باشد و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که خدا تعالی اول نظر رحمت باهل که میکند بر کاو طواف
یا در نماز یا در مسجد بینند و یا روی بکعبه کرده بیامرزد او را ملایکه گویند باقی نماند مگر جماعتی که در خواب اند
حق سبحانه تعالی فرماید که ایشان را نیز داخل آمرزیدگان کنند و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم
فرمود هر که دریابد ماه رمضان را در مکه و تمام ماه روزه دارد و نماز تراویح و نماز شب گزارد
آنچه که تواند خدا تعالی از برای وی ثواب صد هزار ماه رمضان که در غیر مکه باشد بدهد و او را بعدد
هر روزی آزادی مغفرتی و شفاعتی و بعدد هر روزی درجه در بهشت و بعدد هر روزی ثواب

بنده آزاد کنده و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که در مکه بودن سعادت است بیرون
رفتن از آن شقاوت بدانکه این حدیث نزد اکثر علما محدثین موضوع است بر تقدیر صحت در ورود
دی معنی آنست که اگر کسی را آنجا قدرت مکه معظمه میسر شود و آداب آن مکان قدسی آستان نتواند
نگاه داشت سعادت است و اگر باختیار خود و طلب دنیا و حظ نفس بی ضرورت می برآید ایشان شقاوت
است والا والله تعالی اعلم و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود هر که طواف کند کعبه را
هفت نوبت در روز تابستان در گرمای تحت سر برهنه بوده و در هر نوبت که بحجر الاسود رسد
و او را بوسه دهد چنانکه ایذا بکس نرساند و سخن دنیا نگوید بکرد ذکر حق تعالی بعد هر قدمی که نهد و دارد
هفتاد هزار حسنه او را نویسند و بلند گردانند برای او هفتاد هزار حسنات و محو کنند از نامهٔ
اعمال او هفتاد هزار سیئات و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که فضیلت حاجی پیاده
بر حاجی سوار همچون فضیلت ماه شب چهارده بر دیگر ستارها و هم آنحضرت صلی الله علیه و
سلم فرمود که حاجی سواره را بهر گامی که نهد و بر دارد هفتصد هزار حسنات حرم است پرسیدند
که یا رسول الله حسنات حرم کدام است فرمود که حسنه بصد هزار حسنه است و هم آنحضرت
صلی الله علیه وسلم فرمود اگر فرشتگان کسی را مصافحه کنند هر آینه نمازیان را یا کسی را که با مادر
و پدر نکوئی کرده باشد یا کسی را که گرد کعبه طواف کند و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که
گرد کعبه گریه هفتاد هزار ملک اند که آمرزش میخواهند برای کسی که طواف کند و هم آنحضرت
صلی الله علیه وسلم فرمود که طواف کعبه کردن در آمدن است در رحمت خدا تعالی بدرستیکه
خدا تعالی مباهات میکند بر طواف کنندگان کعبه بر ملائک و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم
فرمود که حج کسی که مقبول شده باشد او را اذن شفاعت چهار صد تن است از هر که خواهد اهل بیت
او و از مسلمانان و بیک روایت هر چند که خواهد حق سبحانه و تعالی بخشد و هم آنحضرت صلی
الله علیه وسلم فرمود که عمره ماه رمضان برابری میکند با حجی و بروایتی برابری میکند با حجی که با
من گزارند و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود هر که در حرم مکه بمیرد همچنان است که در آسمان

چهارم مرده باشند وهرکه در حرم مدینه بمیرد همچنان است که در آسمان اول مرده باشد وهم آنحضرت
صلی الله علیه وسلم فرمود که اطراف حجون وبقیع را بگیرند ودر روز قیامت در بهشت افشانند حجون گورستان
مکه است ومشهور است بمعلا وبقیع گورستان مدینه است . وهم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود
که برانگیزانند خدا تعالی از گورستان مکه هفتاد هزار شهید که بی حساب درآیند در بهشت وروهای
ایشان همچون شب چهارده باشد وهریک هفتاد نفر را شفاعت کنند پرسیدند یا رسول الله ایشان
چه کسانند فرمود که ایشان غربا باشند وهم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که هرکه بخانه کعبه درآید
در رحمت خدا تعالی درآمده باشد وچون بیرون آید آمرزیده بیرون آمده باشد وهم آنحضرت
صلی الله علیه وسلم فرمود که نیست هیچ عمل فاضل تر از حج پسندیده وفرمود هرکه حج گزارد وذکر
فسق نکرده وفحش نگفته وحرام نخورده باشد همچنان باشد که از مادر این زمان زاییده باشد بیگناه
وهم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستیکه خدا تعالی هر روز صد وبست رحمت برای
خانه کعبه میفرستد شصت از برای طواف کنندگان در کعبه وچهل برای نمازگزارندگان وبست
برای نشینندگان روی کعبه ونظر کردن بکعبه عبادت است وهم آنحضرت صلی الله علیه وسلم
فرمود جهادی که خرد وبزرگ ضعیفان ونسوان بتوانند کرد حج وعمره است وفرمود که هرکه
صبر کند بر گرمای مکه ساعتی از روزی صد ساله راه دوزخ از وی دور گشته وهرکه یکروز بیمار
شود در مکه بنویسد خدا تعالی از برای او عمل صالح که میکند در غیر مکه عبادت شصت ساله وهم
آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که حجر الاسود یمین خدا تعالی است در زمین که مصافحه میکنند با آن
بانند با همچنان باشد که شما با برادران مومن مصافحه میکنید وهرکه بیعت رسول صلی الله علیه وسلم در نیافته
پس از آن دست بحجر الاسود برساند بدرستیکه بیعت با خدای ورسول خدا صلی الله علیه وسلم کرده باشد
وهم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که حجر الاسود ومقام ابراهیم علیه السلام بیایند در
روز قیامت وهریک بزرگی مثل کوه ابوقبیس باشد وهریک از ایشان را چشمها وزبان باشد گواهی
دهند بآنانی که ایشانرا دریافته اند وبعهد ابراهیم علیه السلام وفا کرده اند در روزی که ایشانرا بحج خوانده

است و هم آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که هر که حج کند از برای مادر و پدر خود نویسند از برای او حج
[illegible] شد و هم فرمود
[illegible] تعالی برای
[illegible] باقی نمانده در
روی زمین چیزی از بهشت مگر حجر الاسود و مقام ابراهیم علیه السلام و اگر نه آن بودی که مشرکان
و زنان جاهلیت آنها را بدستان خود مساس کرده بودندی هیچ بیماری از روی طلب شفا مس نکردی مگر آنکه آن
بیمار شفا یافتی و هم آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که طواف این بیت بسیار کنید پیش از آنکه حایل شود میان
شما و میان کعبه یعنی گویا که من می بینم مردی را که آدم سر است و پاکیج خانه کعبه را نشسته و بر یک یک
سنگ او را فرود که هر که دو رکعت نماز در مسجد الحرام بگزارد بهتر از آن است که هزار رکعت در مسجد من گزارده
باشد یعنی در مسجد مدینه و یک رکعت نماز در مسجد من فاضل تر است از هزار رکعت در غیر آن و هم آنحضرت صلی الله
علیه و سلم فرمود که زیارت کرده باشد مرا در حیات من کسی که زیارت کند قبر مرا برابر است اگر زیارت کند
من بعد از او را چه اجر است هر آینه بیاید نیز زیارت قبر من عزیز گوهران یعنی تبرک و هم خواجه ابو الطفیل و خواجه حسن بصری
رضی الله عنه میفرماید که نمیدانم هیچ شهری بر روی زمین که هر عمل خیری که در وی کنند یکی را صد هزار ثواب نویسند غیر از مکه
مبارکه و نیز نمیدانم هیچ شهری بر روی زمین که در وی شراب ابرار و مصلای انبیا باشد غیر از مکه معظمه زیرا که
ابن عباس رضی الله تعالی عنهما فرمود که شراب ابرار زمزم است و مصلای اخیار زیر ناودان و نمیدانم هیچ
شهری را بر روی زمین که حق سبحانه و تعالی پیغمبر خود را امر کرده باشد که فلان موضع را جای نماز خود کن الا مکه را
آنجا که فرمود واتخذوا من مقام ابراهیم مصلی و نمیدانم هیچ شهری را بر روی زمین که بمجرد نظر کردن عبادت
نویسند یعنی اگر نماز گزارد یا طواف کند الا مکه معظمه و نمیدانم هیچ شهری را بر روی زمین که طاعتی
نکنند در وی که اجر صد برسد الا مکه و افطار در وی یکبار افضل است از روزه یکساله و جای خواب کردن در وی
بهتر است از نماز شب در غیر او و نمیدانم هیچ شهری را بر روی زمین که برخیزند در روز قیامت از انبیا
و صدیقان و ابرار و فقها و علما و صلحا و اخیار از مردان و زنان ایشان جمله رستگاران باشند

روز قیامت از عذاب خدا تعالی الا در مکه و نمیدانم هیچ شهری را بر روی زمین که دعا که فرود آید
در وی از روح و راحت الا مکه و نمیدانم هیچ شهری را بر روی زمین که مستجاب شود دعا الا مکه
که در پانزده موضع در مکه و حوالی او که دعا مستجاب میشود اول چون نظر بکعبه افتد دوم نزدیک حجر الاسود
سوم در ملتزم چهارم در زیر ناودان کعبه پنجم نزدیک رکن یمانی ششم میان رکن حجر الاسود و مقام
ابراهیم علیه السلام هفتم اندرون خانه کعبه هشتم پس مقام ابراهیم علیه السلام نهم در حطیم دهم در سعی چاه
زمزم یازدهم در صفا دوازدهم در مروه سیزدهم در منا نزدیک جمرات ثلث چهاردهم در مزدلفه پانزدهم
در عرفات و امام المشائخ حضرت خواجه حسن بصری رحمة الله علیه میگوید که غنیمت دارید این موضع را که محل
اجابت دعاست بکنید در دعا تضرع و چون از مکه بیرون روید از برکت این موضع محروم نماید و نمیدانم
هیچ شهری را بسوی زمین که همه انبیا مرسل و پیغامبران و ملائکه علیهم الصلوة والسلام بسوی او آمده اند
الا مکه و نمیدانم هیچ شهری را بر روی زمین که درهای بهشت بسوی او گشاده شوند تا روز قیامت الا یکی
در نزدیک باب کعبه است و یکی در نزدیک ناودان کعبه و یک نزدیک حجر الاسود و یک نزدیک رکن
یمانی و یک نزدیک صفا و یک نزدیک مروه و یک نزدیک چاه زمزم و یک در درون خانه کعبه و هیچ احد
در خانه کعبه در نیاید الا برحمت حق تعالی و بیرون نرود الا بمغفرت حق جل و علا و هم آنحضرت صلی
الله علیه و سلم فرمود هر که استطاعت دارد که در مکه یا در مدینه اقامت کند و هم آنجا بمیرد اول کسیکه
شفاعت او کنم منم در روز قیامت و رستگار باشد از عذاب خدا تعالی و بر وی نه حساب باشد
نه عقاب و هم آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که سفر مکنید الا بسوی سه مسجد اول مسجد الحرام
دوم مسجد من یعنی مسجد مدینه سوم مسجد اقصی که یک نماز در مسجد الحرام برابری میکند بصد هزار نماز جای
دیگر و در مسجد مدینه بهزار نماز جای دیگر و در مسجد اقصی برابری میکند بپانصد نماز جای دیگر و فرمود صلی الله
علیه و سلم که هر که یک نظر بکعبه کند گناهان او را بیامرزند اگرچه بعدد کف دریا و ریگ بیابان باشد و چون
روز عرفه شود و خلق در موقف عرفات حاضر شوند رحمت خدا تعالی بخلق نزدیک شود و باسمان
دنیا آمده و بعد از آن درهای آسمان بگشایند پس مباهات کند خدای عزوجل بحاجیان بر فرشتگان خود

پس بفرماید بنگرید بندگان مرا که بعبادت من آمده اند ژولیده موی و گرد آلوده روی از راههای دور
بامید مغفرت ما آمده اند بدرستیکه من همه ایشان را بیامرزیدم وندا کند باز گردید ای بندگان من همه آمرزیده
و گناهان شما را عفو کردم مگر آنکه خواهید شفاعت کنید اگرچه گناهان بشمار ریگ بیابان و کف دریا
و بعدد ستارهای آسمان و بعدد قطرهای باران باشد همه را آمرزیدم بدرستیکه من ارحم الراحمین
ام و رحمت من بهمه چیز رسیده و رسول صلی الله علیه وسلم فرموده هر که حج اسلام گزارد
همه گناهان او آمرزیده شود پس از آن فرشته بیاید و دست میان دو شانه نهد و گوید
که ای بنده نیک بخت کار را از سر گیر که کار گذشته تو بکفایت شود و گویند گناهی بزرگتر از آن
نیست که چون بنده از عرفات باز گردد گناهان او عفو کرده باز گوید که آمرزیده نشده باشم
و خدا تعالی را یک نوع رحمت هست که چون بر زمین آید ده جزو میشود نه جزو نصیب اهل مکه
و یک جزو نصیب اهل تمام عالم **بدانکه** فضایل حج و عمره و بزرگی حرم از حساب بیرون است
که کتابها بر کلان از فضائل او پر است و در آن هیچ شکی نیست و شک کننده محروم است
اخلاص و عقیده و لقمه حلال و نیت نیک در کار است تا نتیجه عمل ظاهر شود و بنیاد این عمل است و
در نتیجه عمل باید که دل حاضر و قلب خاشع بنده را نگاه دارد نتیجه را امیدوار باید بود ان الله
لا یضیع اجر المحسنین والسلام علی من اتبع الهدی بسم الله الرحمن الرحیم
بدانکه در صحف آدم علیه السلام سورتی نازل شد که ترجمه آن اینست که منم آن خدایم
که مکه را بیافریدم و کعبه را باضافت بیتی مشرف ساختم پس ساکنان مکه همسایگان من
باشند و مکه را باهل آسمان و زمین معمور دارم تا آنکه هر روز هفتاد هزار فرشته را بفرستم که طواف
بیت المعمور کنند و بر زمین آیند و طواف کعبه مکرمه کنند و از آنجا بزیارت مرقد سرور عالم صلی الله
علیه وسلم روند و ایشان باز نیایند و همچنان هر روز هفتاد هزار دیگر فرستم و در ایام حج
هزار حاجی بیایند و اگر از آدمیان آن تعداد نباشد از ملائکه نفر فرستم تا آن عدد را کمال کنند
و چون فوج فوج با موی ژولیده و روی گرد آلوده تکبیر گویان با خروش تلبیه و تسبیح

بکه آیند و بنیت خالص و اعتقاد درست از خانهای خود دید آیند پس ایشان به زیارت من آمده اند و
بضیافت رسیده اند و بجناب کبریائی من نزول کرده اند پس دشتاکرام من واجب است که
ایشان را با جر جزیل و ثواب جمیل و عطیات وافر و کرامات متکاثره مخصوص و محظوظ کردانم
و سیئات ایشان را محو سازم و درجات ایشان را بلند کردانم ای جبرئیل آنکه اول عمارت کعبه را بدست
پسر تو ابراهیم خلیل باتمام رسانم و ابراهیم را بطفیل این خانه کرامات علیه و عطیات سنیه بخشم
بعد وی باولاد وی از رحمت خود معمور دارم و در آخر الامر کو به سلطنه و بدبه نبوت پسر تو
محمد را از مکه طالع سازم و تا قیامت بامامت او اینجا ندوا این شهر را معمور دارم و این فرزند ترا
خاتم النبیین کردانم پس هر که در موسم حج خواهد که مراد یابد بداند که من نزدیک جماعت قصد ام
که موی پریشان و روی گرد آلوده دارند و نذرها خویش را ایفا میکنند و روهای خود را
متوجه من ساخته اند و در مناسک نورالدین ملا عبدالحق دهلوی که از کبار محدثین و متاخرین است علیه
الرحمة مذکور است که احادیث در فضیلت حج مطلقا و ترغیب دران بسیار واقع شده است چنانچه
در بخاری و مسلم واقع شده که هر که حج کرد برای خدا و رفث و فسق نکرد پاک کردد از گناه چنانکه
امروز گویا از مادر خود زاده و نیز در حدیث بخاری و مسلم مذکور است که عمره تا عمره دیگر کفارت
گناهان است از آنچه که واقع است در میان از گناهان و حج مبرور نیست جزای او مگر بهشت و
نیز آمده است که عمره در رمضان برابر است با حج و در بعض روایت آمده است که حجی که همراه پیغمبر کند
صلی الله علیه وسلم و در حدیث امام ترمذی از امیر المومنین علی کرم الله وجهه آمده که گفت پیغمبر
صلی الله علیه وسلم هر که مالک شود زاد و راحله را که برساند او را به بیت الله و حج نکرد و تفاوت
نمیکند که بمیرد یهودی و یا نصرانی و این غایت تغلیظ و تشدید و وعید است بترک حج و اشارت
است با آنکه ترک وی چه نحوست نهایت و کفران نعمت است و تخصیص یهودی و نصرانی از جهت
آن باشد که ایشان اهل ملت اند و کتابهای خدا تعالی میخوانند و بدان عمل میکنند بخلاف کفار دیگر
و امام دارمی نیز این حدیث را آورده از ابی امامه رضی الله تعالی عنهما این لفظ هر که منع نکند او را

از حج حاجت ظاهر یا سلطان جابر یا مرض حابس پس بمیرد و حج نگزارد برابر است که یهودی
بمیرد یا نصرانی و در حدیثی که ابی داؤد و ابن ماجه از ام سلمه رضی الله تعالی عنها آمده است که گفت
شنیدیم از رسول صلی الله علیه وسلم که گفت هر که احرام بندد بحج یا عمره از مسجد الاقصی بسوی مسجد
الحرام آمرزیده شود مر او را از انچه پیش ازین کرده از گناهان و انچه پس ازین کند ابو داؤد و اخرج
از ابن عباس رضی الله تعالی عنهما آورده که گفت رسول صلی الله علیه وسلم هر که خواهد که حج
کند باید که شتابی کند و بیهقی از ابی هریره رضی الله تعالی عنه آورده اند که گفت رسول صلی
الله علیه وسلم هر که بر آید برای حج یا عمره یا برای غزا پس بمیرد در راه بنویسد خدا تعالی برای
او اجر غازی و حاجی و معتمر و در بعض روایات زیاده کرده هر سالی یعنی هر سالی برای او
حج و غزا و عمره نویسند قطوبی له انتهی و در زاد الحج آورده است که در حدیث قدسی آمده است
که ای بنده ترا صحت دادم و معیشت با بر تو فراخ کردم بر تو پنج سال بگذشت که سوی من
میل نکردی از نصیبت بی برکت و رحمت الحل من نا امید شدی بدانکه ازین حدیث دلیل کرده اند
بعضی که بعد از پنج سال فرض است حج باز عود میکند یعنی بعد از هر پنج سال حج کردن لازم
است والله تعالی اعلم و هم در حدیث فرمود که هر کس مالک شود توشه و مرکب را که برساند
او را به بیت الله و حج نکند ضرورت حج نکرده باشد پس نیست هیچ حجت بر وی اگر بمیرد یهودی
یا نصرانی و هم در حدیث بلفظ دیگر آمده است که هر که بمیرد و حج نیاورده باشد و باز نداشته
باشد او را از حج آوردن بیماری و سلطان جابر و نه عذر بحاجت برابر است اینکه او یهودی
بمیرد یا ترسا و هم در حدیث آمده است که هر که حج نکند و صیت هم نکند بحج حق سبحانه قبول
نکند روز قیامت هیچ عمل او را و در روایت کند ابن عباس رضی الله تعالی عنهما
هر که را مال بود و استطاعت حج دارد و حج نیاورد و بران حال بمیرد در آید در آتش دوزخ
در آید در آتش دوزخ در آید در آتش دوزخ بلکه و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که حجی که بسبب
حضرت او نباشد کفارت گناه هفتاد ساله میشود پس حج مقبول را ثواب بحساب است

امام محمد بن حسن النقاش المفسر میان ساخته حج و گفته که در مکه معظمه پانزده جای است که دعا ما در آن جایها مستجاب میگردد و قبولیت دعا را از برای هر مکانی وقتی معین کرده شده چنانچه اکثر از آن مذکور میگردد و اینست جای مقام ابراهیم علیه السلام و تحت المیزاب وقت سحر نزد رکن یمانی وقت نماز فجر و نزد حجر الاسود نصف النهار و نزد ملتزم نصف اللیل ... ... و آیات
و دو ستون اول وقت ز ... ...
خدیجه کبری رضی الله عنها ...
وقت زوال و در دروازه الخیزران که قریب صفا است بین العشائین و در منا شب چهاردهم ماه و در مسجد الخیف که مسجد حضرت اسمعیل علیه السلام است و در مشعر الحرام در مزدلفه قبل از طلوع آفتاب و در عرفات و در موضعی که تحت السدره میگویند وقت زوال و در موقف جانب چپ جبل الرحمه وقت غروب و در مسجد السحر که مقابل مسجد بیعت است روز چهارشنبه و در مسجد [illegible] روز یکشنبه و در غار جبل ثور و در مسجد بیعت که قریب منا است جانب دست چپ رونده و در غار مرسلات که آنجا سوره والمرسلات نازل شده است و آن غار پهلوی مسجد خیف است و نیز در مقاره فتح در زمین که صخره عائشه میگویند رضی الله عنها و عنده تا مسعد النبی صلی الله علیه و سلم قبل النبوة والدعا رموکد فیها و رباط [illegible] و بالای جبل ابی قبیس وقت ظهر و فی روایت حرا و نیز مطلقا و نزد قبر حضرت خدیجه کبری رضی الله تعالی عنها و نزد قبر سفیان ابن عیینه و قبر شیخ فضیل بن عیاض و قبر امام عبد الکریم ابن هوازن القشیری و قبر شیخ ابو الحسن الشیولی و قبر عبد الله الحسن بن ابی عمید و صاحب المقام ای مقام ابراهیم علیه السلام اواخر روز رحمهم رضی الله تعالی عنهم اجمعین باید دانست که در قبولیت دعا شکی نیست در دنیا و در آخرت البته البته نتیجه او ظاهر خواهد شد حق تعالی حکیم کریم است اگر در دنیا مصلحت بنده نباشد در آخرت قبول دعا او را خواهد ساخت انشاء الله تعالی رب العالمین بفضله و کرمه

تمام شد

دانستن اوقات استجابت دعوات در ایام هفته که معلوم اند اینست روز شنبه روز یکشنبه

روز دوشنبه روز سه شنبه روز چهارشنبه روز پنجشنبه روز جمعه باید که از صلوات
ایام مذکوره غافل نشود که بفضل الهی بمقصد برسد فوائد دوازده کلمه روایت میکنند
عبدالله ابن عباس رضی الله تعالی عنه از حضرت رسالت پناه صلوات الله تعالی علیه
والسلام که فرمود این دوازده کلمات منتخب است از توریت و انجیل و زبور و فرقان
باید که هر مؤمنی که این را بر ورق کاغذ بنویسد و هر روز بر آن نظر کنند و بر آن عمل نماید
برگزیده حضرت خدا تعالی باشد **کلمه اول** حضرت حق سبحانه و تعالی فرماید ای فرزند
آدم غم روزی مخور زیرا دام که خزینه رحمت و نعمت من پر است و خزینه من هرگز خالی نشود
کلمه دوم ای فرزند آدم از سلاطین جبار و امرا کبار مترس زیرا دام که سلطنت من علی الدوام
باقی است **کلمه سوم** ای فرزند آدم با کسی انس و محبت مگیر و از کسی چیزی مطلب با دام
که مرا یابی و هرگاه که مرا طلب کنی بیابی **کلمه چهارم** ای فرزند آدم همه چیز را از برای تو آفریدم
و ترا از برای خود پس خود را بر دیگران خوار مکن **کلمه پنجم** ای فرزند آدم همچنان من از
تو عمل فردا نمی طلبم تو نیز از من روزی فردا مطلب بزرگی همیشه گوید تا توانی نخوری غم
فردا امروز چون بفردا برسی روزی فردا برسد **کلمه ششم** ای فرزند آدم چنانچه
از پیدا کردن هفت آسمانها و هفت زمین ما عاجز نیامده ام از پیدا کردن تو و رزق رسانیدن
تو عاجز نیایم و ترا روزی بلا شک میسازم **کلمه هفتم** ای فرزند آدم همچنانکه روزی ترا فوت
نمیسازم تو عبادت مرا نیز فوت مکن و مخالفت در امر من مکن **کلمه هشتم** ای فرزند آدم آنچه
قسمت تو کرده ام بدان راضی باش و از هوای نفس شیطانی دل خود را از وسوسه با محترم
کلمه نهم ای فرزند آدم من محب توام و تو محب من باش و همیشه از غم عشق و محبت من
خالی مباش **کلمه دهم** ای فرزند آدم از قهر من ایمن مباش تا از پل صراط نگذری و پایی در بهشت
نه نهی **کلمه یازدهم** ای فرزند آدم در غضب مشوی بر من برای مصلحت نفس خویش را غضب
نمیکنی بر نفس خود جهت حصول رضای من **کلمه دوازدهم** ای فرزند آدم اگر قسمت

من راضی شوی نفس خود را برهانی از عذاب من و اگر بدان راضی نشوی دیو نفس را بر تو
گمارم تا ترا چون وحشیان در بیابان ها دوانیده باشد بعزت و جلال من که نیابی مگر آنچه
ترا او تقدیر کرده ام ط

تمام شد

حضرت اسماعیل ذبیح الله علیه السلام بن حضرت بی بی هاجره و حضرت اسحق نبی الله علیه السلام بن بی بی ساره

بست و پنج مواعظ و نصیحت از صحف حضرت ابراهیم خلیل الله علیه السلام

منقول است کعب احبار رضی الله تعالی عنه میگوید که در صحف ابراهیم علیه السلام مرقوم است
مهلا مهلا یا ابن آدم فان الرزق مقسوم والحریص محروم والبخیل مذموم والحسود
مغموم والدنیا لا تدوم والرزاق هو الحی القیوم نصیحت دوم ای پسر آدم بسبب
رنج شنوده ام از تو نماز و خدمت روز بروز و تو نیز از من راضی باش برزق روز بروز
نصیحت سوم ای پسر آدم پیش فرست آنچه در دست خود داری برای آنروز که در پیش
داری نصیحت چهارم ای پسر آدم شکرگذاری کن کسی را که در باره تو انعام فرموده و
انعام کن در حق آنکه شکرگذاری تو نموده نصیحت پنجم ای پسر آدم همه عمر در طلب دنیا فانی
کردی پس طلب آخرت کی خواهی کرد نصیحت ششم ای پسر آدم بدرستیکه آفریده ام برای تو بهای
تو پوشی که عبارت از پلک است تا چون چیز نادیدنی در پیش نظر تو در آید فی الحال چشم خود را از آن
بپوشانی و همچنین از برای زبان تو طبقه از لبان تو ترتیب کرده ام تا چون سخنی ناگفتنی باشد از آن
لب بندی نصیحت هفتم ای پسر آدم از آنها مباش که طلب دنیا کنند بطول امل و آرزوی عقبی
نزد بقلیل عمل سخن ایشان موافق عابدان بود و فا ما عمل ایشان مطابق منافقان باشد اگر عطا یابند
قناعت نکنند و اگر مرادی از ایشان باز دارند صبر نکنند پس اگر معامله تو بر آن سوال کند در ترا ابتلا
گرفتار گردانم که همه عالمیان از تو تجربه بردارند نصیحت هشتم ای پسر آدم هر که ترا دوست میدارد برای

خود دوست میدارد و نیکو کند نعمت من که من ترا برای تو دوست میدارم زنهار که خود را
من ای شاب تحمل و در تا نازی نصیحت نهم ای پسر بنی آدم هر که دوست بود و خلاق آنچه
و در حق عیوب تو و در دیگری عیوب مردم تو بهمواره چشم از عیوب خود بپوشد و بر ختم و چشم بر عیوب
خلایق نه بدست از انصاف است نصیحت دهم ای بنی آدم هر که کلمهٔ لا اله الا الله بگوید
به بهشت در آید مگر کسی که با این چندین عمل دیگر جمع کند یکی تواضع تمام در درگاه من دوم خود را بگذارند
میان نفس خود را از محرمات باز دارد سیم برای من دختر بار در جوار خود جا دهد و با فقرا سوا
[illegible]
[illegible]
[illegible]
آدم اگر بهشت را دوست میداری خدای جل و علا طاعت را دوست میدارد تو عمل کن بآنچه دوست
است یعنی طاعت تا در آرم ترا در آنچه دوست است یعنی در بهشت و اگر تو مکروه میداری دوزخ را
خدای تعالی نیز مکروه میدارد معصیت را پس تو ترک کن مکروه مرا یعنی عصیان تا من نگاه دارم
ترا از مکروه تو یعنی دوزخ نصیحت بیستم ای پسر آدم از شبهات اجتناب نمای تا مرا بشناسی
از گسستگی بپرهیز تا ما را ببینی و خود را برای من فارغ بساز تا بمن واصل شوی نصیحت چهارم سکر
پسر آدم اگر برای بهشت آن مقدار عمل کنند که از برای دنیا کنند خداوند سبحانه او را بحساب در بهشت برد
و اگر قناعت کند بآنچه خداوند تعالی بوی داده او را از کل خلایق مستغنی فرماید و اگر ترک حرام کند
دین خود را خالص گرداند و اگر ترک ورع کند از جملهٔ صدیقان شود نصیحت پانزدهم ای پسر آدم
هر چه داری از محتاجان باز مگیر تا من نیز باز ندارم از تو آنچه دارم و گرامی دار مهمان مرا چنانچه
من گرامی میدارم مهمان ترا ابراهیم علیه السلام عرض کرد خداوندا مهمان تو کیست تا او را گرامی
دارم وحی آمد که هر فقیری و حقیری که نزد تو آید بدانکه مهمان من است نصیحت شانزدهم ای پسر آدم
همه شما خطا کارانید و من همه غفران بمن باز گردید پس توبه کن تا من بیامرزم و باک ندارم

نصیحت هفدهم ای پسر آدم مرا یاد کن چون غضب بر تو مستولی گردد تا ترا یاد کنم برحمت خود
در وقتی که غضب من ظهور کند نصیحت هجدهم ای پسر آدم هرگاه از من راضی شوی بقلیلی از رزق
من نیز راضی شوم از وی بقلیلی از عمل نصیحت نوزدهم ای پسر آدم سه چیز است یکی خاصهٔ از
من و یکی خاصه از آن تو و یکی از آن میان من و تو آنکه خاصهٔ منست روح است در بدن تو و آنکه خاصه
توست عمل توست و آنکه میان من و توست از تو دعا و از من اجابت پس تنها محجوب نگردانی دعا
خود را از من بلقمه حرام نصیحت بیستم ای پسر آدم بآنقدر که میل میکند دل تو بدنیا بیرون کنم محبت خود را
از دل تو و بآن مقدار که حرص کنی در دنیا بیرون برم حلاوت ایمان را از سینهٔ تو ای پسر آدم
ترا برای آن نیافریدم که تو دنیا جمع کنی بلکه برای عبادت خود آفریدم و برای آنکه باز داری دعوت
مظلومان را از درگاه من بدرستیکه دعای مظلوم را اجابت میکنم و اگر چند فرصتی در میان افتد
نصیحت بیست و یکم ای پسر آدم روز نو نشود مگر آنکه برای تو رزق نو بفرستم و در برابر آن فرشتگان
من از تو عمل ناپسندیده بجناب من بیارند روزی من میخوری و عصیان می ورزی و با وجود این دعا
میکنی اجابت میکنم و هر چه میطلبی عطا میدهم و ترا به بهشت میخوانم و اجابت نمیکنی نصیحت بیست و دوم
ای پسر آدم تقرب جوئی تو با من بانفل و جوار من بدست آر بعمارت مساجد و رضای من بطلب
بهمنشینی با علما و دروغ گو را بکلی ترک کن تا ملائکهٔ من بمصافحهٔ تو تقرب جویند و غیبت را بگذار تا بهشت
من بتو مشتاق شود و مرا بعد نماز بامداد و نماز دیگر ساعتی یاد کن تا ما بین این دو وقت از برای
تو کفایت کنم نصیحت بیست و سوم ای پسر آدم از دعا ملول مشو که من از اجابت ملول نمیشوم و چند
در معاصی اسراف کرده باشی نومید مباشی از رحمت من فَاِنَّ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ ای پسر آدم
بی سوال و طلب ثواب ایمانی بفضل خود کرامت کردم پس چگونه بخیلی کنم با تو به بهشت با وجود سوال
و طلب نصیحت بیست و چهارم ای پسر آدم به پیوند با کسی که از تو ببرد و عطا ده با آنکه ترا محروم کند و سخن
کن با کسی که از تو زبان باز گیرد و نصیحت کن هر که درباره تو خیانت کند و عفو کن هر که درباره تو ظلم
کند و نکوئی کن با هر که با تو بدی کند تا از جملهٔ سابقان باشی بجنت و از زمرهٔ قاریشان بجنت و

ترا این ساعات ثواب هفتاد پیغامبر کرامت کنم نصیحت بیست و نهم یا ابن آدم الرحیل الرحیل تزود
فان السفر بعید وخففت فان العقبة کاد واخلص العمل فان الدیان بصیر و گویند این
نصیحت آخرین بود از نصایح صحف ابراهیم علیه السّلام و روایت است که ابراهیم علیه السلام
از حضرت حق سبحانه تعالی سوال کرد که خداوندا چیست جزای آن بنده که خسارهٔ او جز به
از ترس تو تر شود حق تعالی جواب فرمود که ای ابراهیم جزای او مغفرت من و رحمت من و رضوان من و
سوال کرد که خداوندا چیست جزای آنکس که متکفل یتیمی و بیوه بود فرمود ای خلیل من جزای او آنکه
اورا درمیان عرش خود جا دهم در روز قیامت ابراهیم گفت رَبَّنَا لَکَ الْحَمْدُ لَکَ الْحَمْدُ

تمام شد

ذکر عمر مهتر ابراهیم خلیل الله علیه السّلام و اخذ میثاق از مهتر اسمعیل علیه السلام و سپردن او تابوت سکینه با آنحضرت

بدانکه عمر حضرت ابراهیم علیه السلام بمذهب اهل کتاب صد و هفتاد و پنج سال بود و در معارف قتیبه
دویست سال تعیین نموده و در اخبار الزمان مسعودی صد و نود و پنج سال نوشته و علمای تواریخ
قول مسعودی را ترجیح داده اند و علمای حدیث بر دویست سال اتفاق کرده اند والله اعلم [illegible]
گویند که چون عمر ابراهیم علیه السلام آخر رسید تابوت سکینه را که از آدم علیه السلام بآنحضرت رسیده
و آن تابوتی بود که بعد هر پیغمبری خانه از زبرجد سبز در وی ترتیب بود و آخر خانه حضرت
محمد رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم در آنخانه دیباجه بود و حمرا بر روی صورت آنحضرت کشیده
و از راست آن صورت کهلی بر قوم ساخته و آن صورت صدیق اکبر بود رضی الله تعالی عنه و بر پیشانی
وی نوشته که اول کسی که دائرهٔ تصدیق این پیغمبر برگزیدهٔ حق نهاد او باشد و از یسار روی صورت
فاروق اعظم رضی الله عنه ثبت کرده و بر پیشانی وی نوشته که در دینداری چون آهن محکم بود و از ظا

لاثخان نابذ رشید واز عقب آن صورت ذی النورین عثمان منقش کرده وبر پیشانی وی نوشته
که این اسم خلفا راشدین است واز مقابل آن صورت علی رضی الله عنهم اجمعین رقم زده
و شمشیر برهنه بر دوش وی نهاده و بر پیشانی او نوشته که او شیر حمله کننده است که هرگز
گریزان نشود و خدا تعالی و رسول و را دوست وا زید و نیز او خدا و رسول او را دوست
دارد و در حوالی خلفا صور اصحاب از مهاجر و انصار کشیده بعد از ان ابراهیم علیه السلام
آن را طلبیده اولاد خود را گفت تا نظر دران صور انبیا کردند و دانستند که همه انبیا از صلب حضرت
اسحق پیغمبر علیه السلام خواهند بود الا محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم که او از صلب اسمعیل علیه
السلام خواهد بود و آنگاه اسمعیل را گفت که مرا فرموده اند که از میان اولاد خود عهد و میثاق
از تو فراگیرم تا این نور محمدی وضع نکنی الا مطهرات بنکاح و ادر ابکوه ثبیر برد و آنجا ابر پاره
سفید ظاهر شد و مشک خالص بر ایشان بیارید و عهد و میثاق از اسمعیل فرا گرفت و عهدنامه
معهود از وی بستد و تابوت سکینه و یرا سپرد و بجانب قدس مراجعت فرمود و درانجا
دعوت حق را اجابت فرمود و در بعض روایات توثیق این عهد بعد اتمام بنا کعبه
کریمه ایراد یافته والله اعلم روزی ابراهیم بطلب ضیف بیرون آمده در صحرا پیری دید ضعیف
که پیاده یا میرود و جمازه برای ظلب و عادت معهود بفرستاد تا او را سوار نزد آنحضرت حاضر کردند
و آنحضرت طعام طلبیدند که بهم بخورند آن پیر لقمه از ان برداشت تا در دهان برد گاهی بسوی
چشم پیر فرو گاهی بسوی گوش و چون در دهان فرو بردی استراح از دبر بیرون رفتی
و حضرت ابراهیم با حضرت حق تعالی عهدی بسته بود که تا فوت خود را از حضرت خداوندی
مسئلت نکند پیک مرگ بسر وقت او نرسد بعد از انکه این پیر را برین حال دید از وی پرسید
که ای پیر بچه سبب باین منوال ضعیف گشته او گفت بسبب کبر سن گفت عمر تو چه مقدار
است آن پیر مقدار عمر خود دو سال زیاده از عمر ابراهیم بیان کرد پس آنحضرت با خود
گفت که تا دو سال دیگر احوال من نیز باینمنوال خواهد شد و آن پیر گفت آری

ابراهیم گفت خداوندا جان من قبض فرمای پیش از آنکه این مجبر شعت جیلا
شود پس پیر وفات کرد و بحکم رب تعالی قبض روح آنحضرت صلوات الله علیه فرمود
و آن پیر ملک الموت بود بدیدار اسلام و آنحضرت را در فرزند مجبرون
نزدیک بی بی ساره خاتون مدفون کردند گنبذ ایشان در الیس با نام خلیل رحمة
الله علیه

الحمد لله والمنة که ترجمه فارسی رساله غزالی خواجه حسن بصری رحمة الله علیه
در مطبع مصطفائی بتاریخ بست و پنجم محرم سنه ۱۲۶۰ هجری محمد مصطفی خان خلف صاحب
محمد روشن خان عفا عنهما المنان بطبع نموده

بسم اللہ الرحمن الرحیم

سب تعریف اس مالک کے واسطے لایق ہی کہ
جسنے ہمارے ہدایت کے واسطے خاتم النبی صلی اللہ
علیہ وسلم کو بھیجا اور ہمکو کفر کے غار سے نکالنے کے لیے
اپنا کلام پاک قرآن ہمپر نازل فرمایا اور اپنے وعدے
موجب جو قدیم کتابون مین فرمایا تھا نور احمدی سے
کعبہ کو نورانی اور روشن فرمایا اور آخری زمانے مین
جو اپنے گھر کے پہاڑ کا ذرہ اونچا کرنیکا وعدہ فرمایا تھا

اسکو پورا کیا اور ایک عالم کو توفیق دی کہ اس گھر کے
طواف اور اسکے مذہب بہتر بیان کرنے کے لئے سوار اور
پیادے دوڑے جیسے بشارت الٰہی نبیوں کی سچی
ہوئی اور کفار اور مشرکین کی گردن نیچی اور ہزار
ہزار درود بے شمار اس رسول مقبول پر جنہوں نے
کعبہ کو آباد کیا اور احکام و ارکان حج کے صاف صاف
بیان فرمایا اور انکے اولاد اور اصحاب اور ازواج پر
جنکے وسیلے سے ہم تک قران وحدیث پہنچا بعد حمد
و نعت کے جاننا چاہیے کہ مشکوٰۃ شریف میں لکھا ہے
روایت ہے ابن عمر رضی اللہ عنہ سے کہ حضرت
رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم نے فرمایا ہے کہ بنایا گیا
ہے اسلام اوپر پانچ چیز کے پہلا گواہی دینا اس بات کا
کہ کوئی معبود نہیں سوائے خدا کے اور محمد رسول خدا کے
ہیں دوسرا نماز پڑھنا تیسرا زکوٰۃ دینا چوتھا حج کرنا
پانچواں روزہ رمضان کا رکھنا پس جب معلوم ہوا

کہ پانچ چیز رکن اسلام کے ہین تب ہر مسلمانکو ضرور ہوا
کہ احکام ان پانچ چیز کے جانین اور چونکہ احکام اُنکے زبان
عربی مین ہین عوام بیچارے محروم رہے ہین اور
ہر مسئلہ کو عالم سے پوچھنا دشوار ہی اور اکثر کتابین
زبان ہندی مین مسائل ایمان اور نماز اور روزہ کے
تصنیف ہوئین ہین لیکن ابتک کوئی کتاب احکام مین
حج کے زبان ہندی مین تصنیف نہین کی گئی لہذا سطے
بندہ خیر خواہ عبد الغنی شب و روز اس فکر مین رہتا تھا
کہ کوئی کتاب بیان مین ارکان و احکام حج کے لکھی جاوے
اسمین خدا کے فضل سے ایک رسالہ مختصر فارسی زبان
مین جسمین مسائل ضروری احکام اور ارکان حج کے بخوبی
بیان مین تصنیف کیا ہوا حضرت مولانا شاہ عبد العزیز
محدث دہلوی قدس سرہ العزیز کا کہ جب کسی شخص
کو حج کے لئے بھیجا تھا اُسکے واسطے مختصر کرکے ضروری
مسائل حج کے لکھدیا تھا سو وہ رسالہ اس خاکسار کے

• • •

اصحاب نے اس پر خواہ مخواہ حق اسکے بنا کر اسکو اردو
زبان میں ترجمہ کرے کہ ہر ایک مسلمان بھائیوں کے کام
آوے نت اس رسالہ کو ترجمہ کرکے مولوی کرامت علی
صاحب جونپوری کے حضرت کو دکھایا تو انہوں نے اسکو
اول سے آخر تک دیکھا اور جہاں اصلاح طلب تھا
وہاں اصلاح فرمایا اور اصل رسالہ میں بعضے مقام جو کئی
بسبب غلطی کاتب کے پڑھے نہ گئے اور دوسرا نسخہ
اس رسالہ کا بہم نہ پہنچا کہ اس عبارت کو صحیح کریں
اسواسطے اس مقام میں شرح وقایہ اور جامع الرموز
اور در المختار وغیرہ کتب فقہ سے ترجمہ کیا اور نام
اسکا ارکان الحج رکھا * * * مصنف
رحمہ اللہ تعالی جو صورت کے ذکر کی تو
اسواسطے کہ جسکے لئے یہ رسالہ لکھا تھا وہ کشتی راہ
سے جانیوالا تھا اسیطرح ہر ایک ملک کا آدمی اپنے
اپنے ملک کے میقات سے احرام باندھے اور میقات

* • *

اُس مقام کو کہتے ہین جسکا شارع نے حد باندھ رکھی ہی کہ
جب وہان پہنچے تو بغیر احرام باندھے وہان سے مکے کے
طرف آگے نہ بڑھے اور میقات یعنی احرام باندھنے کا
مقام مدینے والونکے لئے ذوالحلیفہ ہی اور عراق والونکے
لئے ذات عرق ہی اور شام والون کے لئے جحفہ ہی اور
نجد والونکے لئے قرن اور یمن والونکے لئے یلملم ہی اور یہی
میقات ہند والون کا بھی ہی غرض یہ کہ جس شخص کی
راہ جس میقات کے طرف سے ہووے اُسکا میقات ہی
اور میقات سے بغیر احرام باندھے مکے کے جانیوالے کو گذرنا
حرام ہی اور میقات کے پہلے احرام باندھنا درست
ہی اور جو لوگ میقات اور مکے کے بیچ کے رہنے والے ہین
اُنکو بغیر احرام باندھے مکے کے طرف جانا درست ہی اُنکا
میقات حرم کے باہر ہی اور حج کے مہینے جنکے تین کہلاتے ہین
شوال اور ذی القعدہ اور دس روز ذی الحجہ کے اللہ
تعالی سب مسلمانان کو توفیق اپنے خاص گھر کے زیارت کا

عطا فرماوے آمین یا رب العالمین

ابتدا ہے ترجمہ رسالہ مولانا عبد العزیز مغفور کا

بسم اللہ الرحمن الرحیم

جانو تم کہ جو شخص ارادہ حج بیت اللہ و عمرہ کا کرے اور
یورپ کی راہ سے جہاز میں بیٹھکر مکہ معظمہ کی طرف
روانہ ہووے تب پھر جب وہ شخص یلملم کے مقابل
پہنچے وہاں سے احرام باندھے اور نام اسکا احرام کا
چار طرح پر ہے اول فقط احرام حج کا باندھنا جسکو افراد
کہتے ہیں دوسرے احرام عمرہ کا باندھنا پھر مکہ معظمہ
تک پہنچ کر ارکان عمرہ کے حج کے مہینوں میں ادا کرکے
احرام کھولنا تب پھر احرام حج کا باندھ کر حج کو ادا کرنا
اس قسم کو تمتع کہتے ہیں تیسرے احرام عمرہ کا حج کے
مہینوں کے سوا اور دنوں میں باندھکے ارکان عمرہ
کے ادا کرکے احرام کھول ڈالنا چوتھے وہ کہ میقات میں
یا میقات کے مقابل میں پہنچ کے احرام حج اور عمرہ کے

دونوں کا ساتھ ہی باندھنا اور اس صورت میں کہ
مکہ معظمہ میں پہنچ کر ارکان عمرے کے ادا کرے اور احرام
نہ کھولے بلکہ محرم رہے پھر حج کے دن آوین تب
ارکان حج کے ادا کر کے احرام کھولے اس قسم کو قران
کہتے ہین اور یہہ نزدیک امام اعظم رحمۃ اللہ علیہ کے
تمتع اور افراد سے افضل اور بہتر ہی پھر جب چار
قسم احرام کے معلوم ہوئے تب جانا چاہیئے کہ جب
ارادہ احرام باندھنے کا کرے تب ہاتھ اور پاؤن کے
ناخن ترشواوے اور بغل اور ناف کے نیچے کے بال دور
کرے اور لب کے بال جو بڑھ گئی ہون تو ان سے چھوٹا
کرے اور اگر عادت سر مونڈانے کی رکھتا ہو تو سر مونڈاوے
اور نہین تو سر مین کنگھی کرکے اور اگر جورو یا لونڈی ساتھ
ہو تو ان سے صحبت کرے اور خوشبوئی کا استعمال کرے کہ
احرام کے وقت ان چیزون کا کرنا مستحب اور بہتر ہی
اور یہہ چیزین واجبات اور ضروریات احرام مین سے

نہیں ہین بہتر وضو کرے اور غسل کرنا واجب ہی اور نہ ہو
اوپر چادر جو یا کپڑہ پاک و صاف ہو نئی ہو یا
دھوئی ہوئی ہے اور دو رکعت نماز نفل کی ادا کرے بعد
اسکے اگر قصد قران کا رکھتا ہو تو اسطرح نیت کرے
اللهم اني اريد الحج والعمرة فيسرهما لي وتقبلهما مني
یعنی ای خدا تحقیق ارادہ کرتا ہون مین حج اور عمرے کو
بس آسان کر ان دونون کو واسطے میرے اور قبول
کر ان دونون کو مجھسے اور اگر قصد تمتع کا رکھتا ہو یون کہے
اللهم اني اريد العمرة فيسرها لي وتقبلها مني اور اگر قصد
افراد کا رکھتا ہو تو یون کہے اللهم اني اريد الحج فيسره لي و
تقبله مني بعد اسکے تلبیہ کہے اور الفاظ تلبیہ کے یہ ہین
لبيك اللهم لبيك لبيك لا شريك لك لبيك ان الحمد والنعمة
لك والملك لا شريك لك اس قدر الفاظ سے کم نہ کہے
اور اگر اس سے زیادہ کہے تو مضائقہ نہین اور صورت
نیت سے حج یا عمرے کے تمام کرنا ہے احرام اسکا نام

نہ پہنے اور باندھے عمامہ کی کمر میں مضائقہ نہیں اور اُسی
میں سے یہ ہی کہ اپنی عورت سے جماع نہ کرے اور
جس چیز سے کہ خواہش جماع کی ہوتی ہے پرہیز کرے
مثل بوسہ لینا اور شہوت سے ہاتھ لگانے بدن چھونا
اور اُسی میں سے یہ ہی کہ ذکر جماع کا اور شہوت
بھری باتیں مرد عورتوں کے درمیان پر نہ لاوے اور
اُسی میں سے یہ ہی کہ کوئی برا کام کرے اور کسی کے
ساتھ لڑائی اور جھگڑا نہ کرے اور اُسی میں سے یہ ہی کہ
خشکی کا شکار نہ کرے یہاں تک کہ کسی شکار کو سوا اس کے شکار کا
پتا بھی نہ دیوے اور شکار کو اشارہ سے بھی نہ بتاوے اور
شکار کرنے والے کی کسی طرح مدد نہ کرے اور دریائی شکار
جیسا کہ مچھلی ہی روا ہے اور اُسی میں سے یہ ہی کہ
خوشبوئی نہ لگاوے اور اُسی میں سے یہ ہی کہ ناخن اور
سر اور ڈاڑھی کے بال بلکہ سارے بدن کے بال دور کرے
نہ مونڈھا کے نہ کترا کے اور اُسی میں سے یہ ہی کہ سر اور

ڈاڑہی کے بالو نکو گل خیرو و غیرہ سے ندو ہوویے اور
اسی مین سے یہہ ہی کہ اپنے منہہ اور سر کو کبہی چیز سے
نہ ڈہانپے اور احرام کی حالت مین کئی جانوروں کا قتل
کرنا روا ہی اُن کے قتل سے یہ صدقہ دینا ہوگا اور نہ دم
واجب ہوگا اور دم کہتے ہین قربانی کو اور وہ جانور یہہ
ہین کوا اور چیلہ اور سانپ اور بچہو اور چوہا اور کلنی
اور کچہوا اور بہیریا اور گیدڑ اور پتنگہ اور کہی اور
چیونٹی اور گرگٹ اور برنی اور پسو اور بہڑ اور مچہر
اور جانور پہاڑ کہانیوالا اور جتنے ایذا دینے والے جانور
ہین فرض حج مین چار ہین پہلے احرام دوسرے عرفات
مین عرفے کے روز زوال کے بعد سے عید الضحی کے فجر تک
وقوف کرنا یعنی ٹہرنا اگرچہ ایک ساعت ہو تیسرے
طواف زیارت کرا سکا کرنا عید کے روز مین بہتر ہی اور
اسکا تاخیر کرنا قربانی کے دنون سے موجب دم کا ہی
چوتہے ترتیب کو نگاہ رکہنے ان کامون مین یعنے اول احرام

یا لمرھنا بطور اسکے ذ توقف کرنا حرم شریف مین بعد آنیکے
عرفات و رمی جمرات کرنا مزدلفہ کا ان چار دنون میں سے
وقت ہو دونو مع را دا کیوا اور ظہر مین کی پیراہن ذالدینا تہیں
اول وقوف عرفہ کا نہین ذوالحجہ نویں ذیحجہ کو چلنا
منیٰ اور مزدلفہ کے درمیان میں تیسرے کنکریان پھینکنی
چوتھے آفاقی یعنی باہر کے لوگ سوا اونکے شہر مکہ آدمی کو
طواف وداع یعنی طواف رخصت کا کرنا پانچوین
حرمت بال مونڈن کلو منڈوانا یا کتروانا چھٹے احرام میقات
سے باندھنا سنت موافق اور شروع کرنا طواف مین یعنی حجر
اسود [illegible] آفتاب [illegible] ساتھوین [illegible]
کرنا طواف کا حجر اسود سے [illegible]
[illegible] جانا [illegible] شروع کرنا طواف کا وقت
[illegible] طواف [illegible]
کرنا [illegible] طواف کرنا [illegible]
طواف [illegible]

اوڑ زمرد کے واسطے نمازون فرض ہمنا آپ کا چھپانا *
بیر و ھین سعی صفا سے شروع کرنی * چو دھین جسکا عذر نہوا سکو صفا اور مروہ مین پیادہ پا سعی کرنی
* پندرھوین ذبح کرنا بکری کا اور جوا ماند بکری کے ہی
قران کرنے والے اور تمتع کرنے والے کو * سولہوین ہر سات پھیرے طواف کے بعد دو رکعت نماز ادا کرنی *
سترھوین ترتیب کا نگاہ رکھنا درمیان ان کنکریان پھینکنے
اور سر منڈانے اور ذبح کرنے اور طواف زیارت کرنے
کے اسطور پر کہ پہلا کنکری پھینکنے بعد اسکے ذبح کرے بعد
اسکے سر منڈاوے بعد اسکے طواف زیارت کرے *
اٹھارھوین طواف زیارت کا ایام نحر مین کرنا یعنی روز
عید الضحی کے اور دو روز اسکے بعد * انیسوین طواف
کرنا اسطور پر کہ حطیم اندر طواف کے آجاوے یعنی طواف
کرنا پیچھے سے حطیم کے طواف مین داخل ہو جاوے
* بیسوین بعد طواف کرنے کے صفا اور مروہ مین سعی

کرنی * اکیسواں مسئلہ معنی اور وقت نفس میں ترمیمہ ا نا یعنی
حرم میں اور ایام حج میں برمنتہ ا ا * بائیسواں مسئلہ واجبات
ممنوعات ہے مثل جماع وغیرہ کے بعد وقوف عرفہ کے
بھی اور اُسکے سوا باقی سب سنت اور مستحب اور
آداب ہیں ظاہر یہہ کہ جو چیز کہ اُسکے ترک سے دم لازم آتا ہی
وہ واجب ہی اور دم اُن تین چیزوں میں = یا ایک کو
کہتے ہیں معنے اوسکے کوئی دنبہ یا اور بکری سہ برس کی دنبے
میں داخل ہی اور دنبہ ہر دم میں کفایت کرتا ہی لیکن
دو چیزوں میں نہیں ایک یہہ کہ طواف فرض کو ناپاکی کی
حالت میں کیا دوسرے یہہ کہ بعد وقوف عرفہ کے جماع کیا
ہو ان دو چیزوں میں دنبہ کافی نہیں ہی بلکہ گائے یا اونٹ
ذبح کرنا چاہیے اور گوشت ہدی کا جو قران اور تمتع کے
واسطے ہووے کھانا جایز ہی بلکہ مستحب ہی اور گوشت
قربانی کے اور گوشت ہدی نفل کا بھی کھانا جایز ہی اور
اُسکے سوا اور ہدی کا گوشت اپنے تئیں کھانا درست

نہین ہی اگر قران اور تمتع کے ہدی سے عاجز ہو تو اس صورت مین دس روزہ لازم ہوتا ہی تین روزہ قبل ایام قربانی کے باینطرح پر کہ آخر روز عرفہ کے روز پرے اور سات روز حج سے فراغت ہونے کے بعد جہان چاہے رکھہ لیا اور اگر پہلے عمرہ سے آنے کے ہدی پر قادر ہو تو اس صورت مین اسپر ہدی لازم ہی اور اس صورت مین ہدی کے بدلے مین روزہ نہین ہوگا اور ہدی کہتے ہین قربانی کے جانور اونٹ گاے بکری کو جو کعبہ تک نہ پہنچاکے ذبح کیئے جاتے ہین * جب مکہ معظمہ مین داخل ہونیکا ارادہ کرے تب غسل کرے اور یہہ غسل مستحب ہی اور مکہ معظمہ کی بلندی کی طرف ہے کہ اسی طرف ذی طوی ہی اور معلا بھی جو مقبرہ مکہ کا ہی اسیطرف سے داخل ہوے اور داخل ہونے کے واسطے دن بہتر ہی رات سے اور جسوقت کہ شہر مکہ مین داخل ہوا اسباب اپنا جہان رکھنا منظور ہو وہان رکھنے کے بعد پہلے

مسجد الحرام میں جاوے اور مستحب ہی کہ مسجد الحرام
میں آنے کے وقت تلبیہ کہے اور دروازہ بنی شیبہ کی
طرف سے کہ اسکو باب السلام بھی کہتے ہیں مسجد میں
داخل ہو اور جب بیت اللہ نظر آوے تب تکبیر اور
تہلیل یعنے اللہ اکبر اللہ اکبر لا الہ الا اللہ کہے اور جب
مسجد حرام میں داخل ہو تو اس حالت سے کہ عاجزی اور
انکساری کرتا ہوا اور اپنے تئیں ذلیل سمجھتا ہوا اور
کعبہ کی بزرگی کو ملاحظہ کرتا ہوا اور دعا پڑھتا ہوا دل اور
رحمت کے داخل ہو اور طواف عمرہ کا اور طواف قدوم
کا کہ قادمین اور مفرد اور مکہ کے سوا اور شہر والوں کے
واسطے سنت ہی بجالاوے اسطور پر کہ پہلے حجر اسود کے
سامنے ہووے اور تہلیل اور تکبیر پڑھے اور حجر اسود کے
چومتے وقت دونوں ہاتھوں کو اٹھاوے جیسا کہ تکبیر
تحریمہ کے وقت اٹھاتے ہیں اور حجر کو بوسہ دیوے
بشرطیکہ کسی کو رنج نہ پہنچاوے اور اگر بسبب بھیڑ کے اور

مجمع خلایق کے حجر اسود کو چوم نہ سکے تو حجر تک ہاتھ پہنچا کر
ہاتھ کو چومے اور اگر یہ بھی ممکن نہو تو دوسری چیز کو مثل
عصا وغیرہ کے حجر اسود سے لگا کر اسی چیز کو چومے
اور اگر یہ بھی ممکن نہو تو حجر کے برابر آکے حجر کی طرف
منہ کرکے اور تکبیر اور تہلیل اور حمد اور درود کہے اور
طواف اضطباع کے ساتھ کرے یعنی اپنی چادر کو داہنی
بغل کے نیچے سے نکال کے بائیں کندھے پر ڈالے اور
اسی شکل سے سات مرتبہ حطیم سمیت طواف کرے
یعنی حطیم کو بھی طواف میں لے لے پہلے تین مرتبہ طواف میں
رمل کیا کرے یعنی جلدی کے ساتھ چلے اور دونوں
مونڈھوں کو چلتے وقت ہلا دے اور جب حجر اسود کے
برابر گذرے تو اسی طرح سے جو پہلے مذکور ہوا بجا لاوے
یعنی استلام کرے اور تکبیر اور تہلیل اور درود پڑھے
اور طواف کا ختم بھی حجر چومنے پر کرے اور رکن
یمانی کو جو مقابل میں حجر اسود کے ہاتھ بوسہ دینا بہتر ہے اور

بعد طواف کے دو رکعتیں نماز ادا کرے کہ یہ دو رکعتیں
حنفیوں کے نزدیک واجب ہیں اور ان دونوں رکعتوں کو
نزدیک مقام ابراہیم کے پڑھے اور اگر بسبب بھیڑ کے
اس جگہ ممکن نہ ہو تو جس جگہ کہ مسجد میں چاہے پڑھے
اول رکعت میں بعد فاتحہ کے قل یا ایہا الکافرون اور
دوسری رکعت میں قل ہو اللہ پڑھے اور بعد نماز کے دعا
کرے اور اپنی حاجت طلب کر لے اور چاہ زمزم پر
جاوے اس کا پانی پیوے بعد پھر مقام ملتزم پر
آوے اور حجر اسود کو چومے اور بعد اس کے درود پڑھے
مفرد کو بہتر ہے کہ بعد طواف زیارت کے صفا اور
مروہ میں سعی کرے اور اگر چاہے بعد طواف قدوم کے جو
آفاقی کے لیے سنت ہے سعی کر لے تو جائز ہے اور
مسجد حرام سے باب الصفا کی طرف آوے اور صفا کے
اوپر اس قدر چڑھ جاوے کہ کعبہ شریف اسکو نظر پڑے
اور بیت اللہ کی طرف منہ کرے اور دونوں ہاتھوں کو آسمان کی -

طرف اُٹھا کر جو چاہے سو دعا کرے تکبیر اور تہلیل اور تحمید اور درود بجا لاوے پھر مروہ کی طرف اُتر آوے اور اپنے طور پر چلنے لگے جب بطن وادی میں پہنچے تو میل اخضر سے دوسرے میل تک سعی کرے یعنے خوب تیز چلے اور مروہ پر آوے اور قبلہ رخ کھڑا ہو کر تحمید اور تہلیل اور ثنا اور درود بجا لاوے اور تکبیر اور دونوں کا اُٹھانا جیسا کہ صفا پر کیا تھا یہاں بھی کرے اسی طرح سات مرتبہ آوے اور جاوے آور پھیرا چلانا شروع کرے صفا سے اور ختم کرے مروہ پر اور سعی میں شرط یہ ہی کہ بعد طواف کے ادا کی جاوے اگر قبل طواف کے سعی کی تو پھر دوبارہ سعی کرنا لازم ہی اور اس سعی کے واسطے طہارت ضرور نہیں ہی اگر ساتھ طہارت کے ادا کرے تو بہتر اور اولی ہی بلکہ اسیطرح وقوف عرفہ اور مزدلفہ اور رمی جمار یعنے کنکری پھینکنے کے واسطے بھی طہارت شرط نہیں ہی طواف کے لیے طہارت ضروری ہی اور حالت طواف اور

یعنی منی میں رات کو رہے اور صبح کو عرفات جاوے لیکن جب فراغت
ہو چکا مکہ سے احرام میں جا کر و وہیں کعبہ سے ... زمزم پئے اور پھر
نماز ... بعد چلے کی المعظمہ میں اقامت کرے
اور طواف نفل جس قدر چاہے ادا کرے اگر احرام کھولنے
چکا ہو تو دوبارہ یعنی آٹھویں تاریخ کو اپنی جگہ سے
احرام حج کا باندھے اور دو رکعت ... اگر امام خطبہ
پڑھے اور اس میں احکام حج کے مثل منی کو جانے اور
عرفات میں وقوف کرنے یعنی ٹھہرنے اور
مزدلفہ ... رمی ... ذبح کرنے اور طواف
کرنے اور ... احکام بیان کرے
تو اسکو سننا بہتر ہے اور اسی طرح عرفہ کے روز عرفات
میں ... جو کچھ خطبہ میں بیان کرے اسکا سننا
بہتر ہے ... تمام حج کو ... احکام حج کے
بیان ہوتے ہیں ... اور ...

آفتاب نکلے بعد لین آوے اور اگر ظہر پڑھکر آیا تو
پھر بھی بلا شبہ ہی اور عرفات کی رات کو منا مین
کاٹے اور عرفہ کے فجر کی نماز فجر کی نماز پڑھکر
وقت پڑھکر عرفات کی طرف جاوے اور اگر آٹھوین
تاریخ کو منا مین آوے یعنی کسی وقت آوے بعد
فجر اور طلوع ہونے آفتاب کا خیال رکھے اور عرفہ کے
روز عرفات مین جا وے یعنی کسی وقت جاوے اُس
روز فجر کی نماز منا مین پڑھکے عرفات کی طرف جانے
کا خیال نہ رکھے تو جایز ہی لیکن خلاف سنت کے ہی اور
عرفات مین جہان چاہے اُترے سوائے بطن عرنہ کے اور
اُترنا نزدیک جبل رحمت کے افضل اور بہتر ہی اور
اُس روز مین بعد اُترنے کے غسل کرنا سنت ہی اور
اُس جگہہ یعنی عرفات مین وقوف کرنا یعنی ٹھہرنا فرض ہی
بے اُسکے حج نہین ادا ہوتا اور امام کا خطبہ سنے اور
امام کے ساتھ بشرط اجرام کے نماز ظہر اور عصر کی

اور کثرت سے کہنا پڑھے اور استغفار اور تہلیل اور تحمید اور تکبیر اور درود اور ساتھ عاجزی اور انکساری اور اخلاص کے بہت سا پڑھے اور اپنی حاجت طلب کرے۔ پھر آفتاب ڈوبتے وقت امام کے ساتھ مزدلفہ میں آوے اور راہ میں استغفار اور تلبیہ اور اسی کی ذکر اور حمد اور صلوٰۃ بہت سا کرتا رہے اور مزدلفہ میں آکر امام کے ساتھ نماز مغرب اور عشاکی اکٹھا پڑھے اور عشاکی نماز کے بعد اسی جگہ رات کاٹے اور اسی جگہ رہنا واجب ہے اور مستحب ہے کہ رات بھر نماز اور تلاوت قرآن اور ذکر اور دعا میں جاگتا رہے اور فجر ہوتے ہی تاریکی میں فجر کی نماز ادا کرلے اور جس جگہ چاہے مزدلفہ میں وقوف کرے مگر وادی محسر میں نہ وقوف کرے اور اگر اس وادی میں گذر ہو تو چاہئے کہ تیزی کے ساتھ نکل جاوے اور بعد فجر کے مزدلفہ میں وقوف کرے یہاں تک کہ اسفار ہو جاوے یعنی خوب صبح روشن

زیارت کرتا رہے اور رات کو منا میں رہا کرے اور
یوم النحر کے دوسرے روز تینوں جمرات کو کنکری مارے
پہلے اُس جمرہ کو جو مسجد خیف کے متصل ہی سات
کنکری مارے بعد اُسکے اُس جمرہ کو جو اُسکے پاس ہی
جسکا جمرہ وسطی کہتے ہیں بعد اُسکے جمرہ عقبہ کو اور
ہر کنکری مارتے وقت تکبیر کہا کرے پہلے کی طرح
تیسرے روز بھی تینوں جمرات کو کنکری مارے
سات سات کنکریوں سے اور چوتھے روز اگر وہاں رہے
تو اُسپر تینوں جمرات کی رمی لازم ہوا اور اگر کوچ کیا تو
چوتھے روز کا کنکری مارنا ساقط ہوا لیکن کنکری مارنے کا
وقت اِن تینوں دنوں میں زوال کے بعد ہی لیکن
چوتھے روز اگر قبل زوال اور بعد طلوع فجر کے کنکری مارا
تو جائز ہی اگرچہ مستحب اور مسنون بعد زوال کے ہی
اور دوسرے اور تیسرے روز قبل زوال کے کنکری
مارنا جائز نہیں ہی اور مستحب ہی کہ کنکری چھوٹی

سو واجب ہے بڑی نہو اور ریگ ہو اور کنکری جمرات کے
پاس سے نہ لے بلکہ مزدلفہ یا راہ میں سے لے آوے اور
کنکری سیدھے ہاتھ اور انگلیوں میں لیکر پھینکے اور کنکری پھینکنے
وقت جمرات سے پانچ ہاتھ سے کم فرق نہو اگر زیادہ
ہو تو مضائقہ نہیں ہے اور جو کنکری پھینکنا کہ اسکے بعد
کنکری پھینکنا ہے بتاو دیا پھینکے اور جو کنکری پھینکنا
کہ اسکے بعد کنکری پھینکنا نہیں ہے بتا دیا اور سواری
اسمیں برابر ہے اور وادی میں کھڑا ہو کر اوپر کی طرف کو
کنکری پھینکے اور کنکری پھینکتے وقت منا کو داہنی طرف
اور کعبہ کو بائیں طرف رکھے اور اسی شکل پر کنکری
پھینکے اور اگر کنکری جمرات سے دور پڑی تو وہ پھینکنا
درست نہیں بلکہ چاہیے کہ کنکری جمرہ کے پاس یا اسکے
اوپر پڑے اور اپنے ہاتھ سے کنکری مارے ہر کنکری
کو جدا جدا پھینکے اور اگر مٹھی میں سب کو لیکر ایک
ہی بار پھینک دیا تو جائز ہے اور ان افعال کے بعد وادی

ہمت تب امین آ کر ایک دو ساعت ٹھہر کر کہ بیٹھوا نفل
ہزار کے واسطے تعمیر مقبلت کے طواف کے واسطے جارہے
ہا گرکہ ہے تو تمام مطور ہوا اور نہیں تو کہ ذرہ مقت میں جاکر
دو ا ں آ کر مقت کر کے ہو وہیں طواف کے واجب نہیں اور
طواس طواف کے بیں رمل کا ر سعی نہیں ہے اور تعمیر طواف کے
کے چاہ زمزم پر آ کر بالٹی بھر کر پانی پیوے کچھ نار کرے
اور کچھ مال تعمیر کا سر ریت کی طرف کا کرے اور باقی
آنکھ کا اپنے منہ کا اور سر اور بدن پر بھی ڈالا اور پھر
چلے اسعد کی طرف ہو وے اگر ہو سکے تو امر زوا نفل ہو
را وہ اگر کعبہ کے اندر داخل ہونا تمکین نہ ہو تو اس کے آستانہ
کو اور مکان ملتزم کو بوسہ دے اور اپنے سینہ اور منہ کو
ملتزم کو لگیے اور ملتزم سے اپنے سب لپٹا دے اور رکھ
نگے پر دونوں کو پکڑ کر بہت سا گریہ و زاری کرے اور اس وقت
معنی اکیہنر اور تہلیل اور درود پڑھے اشغال اور اذکار
یاد رہے اور تلاوت میں مشغول رہے اور ملتزم کا جاہیے

کہ اللہ تعالی سے مانگے اور اپنے منھ کو کعبہ کی طرف
کئے ہوئے آخر سے باہر آوے اسکے بعد جہان چاہے
جاوے ۔ عمرہ سنت ہی واجب نہین ہی اور ایک
سال مین کئی بار ادا ہو سکتا ہی اور اُسکا وقت
تمام سال ہی مگر حج کے ایام مین مکروہ ہی اور
حج کا ایام عرفہ کا روز اور نحر کا روز اور ایام تشریق
ہی اور یہ عمرہ جو مکروہ ہی تو غیر قارن کے لئے اور
عمرہ کا رکن احرام اور طواف ہی اور واجبات عمرہ کے
دو چیز ہین ایک تو سعی کرنا صفا اور مروہ مین دوسرے
منڈانا یا بالون کو کترانا اور شرطین عمرہ کی مثل
شرطین حج کے ہین اور سنت اور آداب عمرہ کے مثل
سنت اور آداب حج کے ہین ۔ احکام جنایات کے
جنایت کا معنے گناہ ہی اور یہان مراد ہی اُنکاموں سے
کہ جنکا کرنا محرم کو منع ہی سوا احکام جنایت کے یہ
ہین سنو اگر محرم نے پورے ایک عضو مین استعمال

تو اس صورت میں محرم پر لازم نہیں کہ ان تابعوں
جیسے دن میں ایک بار کے بجائے دو سیر اجوری ذبح کرے
تاکہ جس کا بچہ کو نہیں ملا ج کھانا پانی سے ہر مسکین لیکو
آدھی آدھی صاع دانہ ہیں دے دے یا ہر ایک مسکین کا
جدا جدا روزہ رکھے اور اگر محرم نے کہیں جانور کو
ہاتھ کا ٹیکا یا کسی شکاری کو دکھایا جس کو شکار دیکھا یا ہو
اس صورت میں بھی مع الاثم یعنی وہ کار ہے الٰہی
کفارہ کی اوقت ہی جو شکار کے بار بچے کے مع
تجھے ایسا قیمت جو ہوں گے ہر کسی ذبح کرے
یا اس قیمت کے کھانا خرید کر مسکین کو
آدھی آدھی صاع دے یا ایک ایک صاع کے بدلے
یا جو خیرات دے یا ہر مسکین کے کھانے کے بدلے
ایک روزہ رکھے اور زبان سے جو بات ہے شخص
سے کرے اور جو شخص جا
شخص اپنی خواہش سے کرے اور جب

کوئی زیادہ بہت سی جنایت کر ڈالے تب برابر ہین
اگر محرم نے بہت سی خوشبو کھالیا تو اسپر دم
لازم ہوا اور خوشبو کے سونگھنے اور خوشبودار پھول
اور خوشبودار میوہ کے سونگھنے سے محرم پر کچھ
نہین لازم ہوتا مگر ایسا کام کرنا نہی اور جوئین کے
مارنے مین تھوڑی ہین اسنا کہ ایک کف دست برابر خیرات
کرڈالے مگر اس جگہ ہر ہیئت مین ہی کہ جب اپنے بدن یا
کپڑے سے مین یعنی کپڑے کے مارا ہو اور اگر زمین سے پکڑ
کے مارا ہو تو کچھ واجب نہین ہوتا کپڑے کو دھوپ مین
ڈالدو یا اس نیت پر کہ جوئیان مرجاوین تو اگر ایسا کیا
اور بہت جوئیان مرین تو اسپر آدہی صاع گیہون
خیرات کرنی لازم ہوتی اور اگر دھوپ مین کپڑا
خشک ہونے کو رکھا ہو نہ اس نیت سے کہ جوئیان مرین
اور جوئیان مرین تو اسپر کچھ واجب نہین ہوتا فقط

٭ تمام شد ٭

یہہ رسالہ مختصر جو بہت ہی فوائد دینی و اخروی سے ایسا کہ
کسی نے اب تک نہیں چھاپا تھا اور فی الواقع ایسا رسالہ کہ
جس میں ارکان و احکام حج کے بخوبی مشرح و مبین ہوں
کمیاب بلکہ ہی ہے ہزار شکر و احسان اس خدا ے قادر مطلق کا
کہ اس خاکسار بے مقدار عبد الغنی کے نسخے بڑی سعی و تلاش سے
رسالہ برکات الحج جو تالیفات حضرت سراج الاولیا شاہ عبد العزیز
محدث و مفسر دہلوی رح کے ہیں بہم پہنچا کر اپنے اہتمام
اور امداد و تصحیح سے محقق فاضل فقیہ کامل کاشف
دقایق معقول و منقول واقف غوامض معانی و اصول
مولوی محمد وحید صاحب مدرس مدرسہ کلکتہ کے اور
فاضل بے نظیر معین دین حضرت بشیر و نذیر جناب
مولوی بشیر الدین صاحب کے بسنہ ۱۲۵۹ الہجری میں
محمدی چھاپا خانے میں چھپوایا

* *

من مات ولم یحج فلیمت ان شاء یہودیا وان شاء نصرانیا

پچیسوین تاریخ جمادی الاخرہ کی



محمد حسین اور ولی محمد کی اہتمام مین چھپا ہوا

بسم اللہ الرحمن الرحیم

اَلْحَمْدُ لِلّٰہِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَالصَّلٰوۃُ وَالسَّلَامُ عَلٰی خَیْرِ خَلْقِہٖ مُحَمَّدٍ وَّاٰلِہٖ اَجْمَعِیْنَ

امابعد یہ رسالہ ہی آداب الحرمین اسمین مسائل ضروری حج کی اور زیارت مدینہ منورہ کی اردو مین صاف صاف بیان ہی شرح وقایہ اور در المختار وغیرہ سی بندہ عاجز **خرم علی** نی بموجب فرمایش سید میرک جان شاہ لکھنوی کی ۱۲۴۹؁ ہجری مین مرتب کیا حق تعالی مسلمین کو اسی فائدہ بخشی آمین **مقدمہ** صحیح بخاری اور مسلم مین ابوہریرہؓ سی روایت ہی کہ حضرتؐ نی فرمایا کہ ایک عمرہ دوسری عمری تک درمیانی گناہونکو مٹاتا ہی اور مقبول حج کا تو سوای بہشت کی کوئی بدلا نہین اور صحیح مسلم مین ابوہریرہؓ روایت ہی کہ حضرتؐ نی فرمایا کہ جو بیت اللہ مین آیا اسطرح کہ نہ اوسنی عورت سی صحبت کی اور نہ گناہ کیا تو ایسا بیگناہ ہو جاتا ہی جیسی کہ اوسکو اوسکی ماں نی جنا اور صحیح مسلم مین عمرو بن عاصؓ سی روایت ہی کہ حضرتؐ نی فرمایا کہ اسلام اگلی گناہونکو ڈھاتا ہی اور ہجرت اگلی گناہونکو ڈھاتی ہی اور حج اگلی گناہونکو

جاتا ہی **باب** پہلا حج مین اسمین چند فصلین ہین **فصل** حج فرض ہی جو اوسکو نمانی وہ کافر ہی
حج اوس مسلمان عاقل بالغ پر فرض ہی جو آزاد اور تندرست اور مقدور والا ہو یعنی آتی جاتی
اہل وعیال کی خرچ کی سوای اوسکی پاس خرچ اور سواری میسر ہو اور راہ مین امن ہو اور
عورت پر اوسوقت فرض ہی کہ اوسکی ساتہہ خاوند یا محرم ہو تمام عمر بہر مین ایکبار حج فوراً فرض
ہی یعنی مقدور ہوکر سستی کرنا سخت گناہ ہی **فرائض حج** حج مین تین چیزین فرض ہین ایک
احرام دوسرے وقوف عرفہ یعنی عرفی کی دن عرفات مین ٹہرنا اگرچہ ایک ساعت ہی ہو
تیسرے طواف الزیارۃ ان تین سی اگر کوئی ترک ہو تو حج نہو **واجبات حج** وقوف مزدلفہ
یعنی وہان کا ٹہرنا اور سعی صفا مروہ کی درمیان دوڑنا اور کنکریان مارنا اور طواف الصدر یعنی طواف
رخصت مسافر کو کرنا اور سر منڈوانا یا بال کترانا اور میقات سی احرام باندہنا اور عرفات مین غروب تک
ٹہرنا اور طواف حجر اسود سی شروع کرنا اور طواف داہنی طرف سی کرنا اور طواف پیادہ
کرنا اگر عذر نہو اور طواف مین باطہارت ہونا لیکن اکثر اسکو سنت کہتی ہین اور طواف مین ستر
عورت کرنا اور صفا مروہ کی دوڑ صفا سی شروع کرنا اور اوس دوڑ مین پیادہ پا ہونا اگر عذر
نہو اور قران اور تمتع کرنیوالی کو ایک بکری ذبح کرنا اور سات بار طواف کرکی دو رکعت پڑہنا
اور کنکریان مارنی اور سر منڈانی اور ذبح مین ترتیب کرنا یعنی قربانی کی دن اول کنکریان مارے
پہر ذبح کری پہر سر منڈاوی اور طواف الزیارۃ قربانی کی دنون مین کرنا اور طواف بیت اللہ
کا معہ حطیم کی کرنا اور قاعدہ واجب پہچاننی کا یہہ ہی کہ جسکی ترک کرنی سی ذبح کرنا لازم ہو وہ
واجب ہی چنانچہ اسکی تفصیل آگی مذکور ہوگی فرض واجب کی سوای جو کام ہی سو سنت ہی یا ادب
جیسی خرچ مین کشایش کرنا اور طہارت سی رہنا اور زبان کو گالی اور غیبت سی روکنا اور
ماباپ اور پیر اور ضامن سی اجازت سفر کی لینا اور مسجد مین دو رکعت پڑہ کی دوستون سی رخصت

اونسی قصور معاف کروانا اپنی حقمین دعا منگوانا جمعہ رات کی دن سفر کرنا چلنیکی وقت کچہہ خیرات
دینا **فصل** حج کی ایام شوال اور ذیقعدہ اور عشرہ ذیحجہ ہیں ان ہی دنونسی پہلی احرام باندہنا مکروہ
اور عمرہ کرنا سنت مؤکدہ ہی تیرہ یہہ کہ احرام سی طواف اور سعی ادا کری اور تمام سال درست
ہی مگر عرفہ سی تیرہوین تاریخ تک مکروہ تحریمی ہی اور مواقیت احرام کی پانچ ہیں یعنی وہ مکان جہانکی
مکہ جانیوالی کو دون احرام کی جانا درست نہیں مدینہ والوکا میقات ذوالحلیفہ ہی اور عراق والو
ذات عرق اور شام والوکا جحفہ اور نجد والوکا قرن اور یمن والوکا یلملم ہندوستانکی لوگ
بہی یلملم سی احرام باندہتی ہیں انکا نونسی احرام کی تاخیر کرنا حرام ہی لیکن تقدیم درست ہی اور
مکہ والی حج کا احرام حرم سی کریں اور عمرہ کا احرام تنعیم سی **فصل** احرام کا طریقہ یہہ ہی کہ وضو
کری اور اگر غسل کری تو مستحب ہی اور سر منڈانا مونچہہ کترانا ناخن کاٹنا یا کی لینا بہی مستحب اور کر
[illegible]

انی ارید الحج فیسرہ لی وتقبلہ منی بعد حج کی نیت پڑہکر اسطرح لبیک کہی لبیک اللهم
لبیک لبیک لا شریک لک لبیک ان الحمد والنعمۃ لک والملک لا شریک
لک یعنی میں حاضر ہون ایک اوندمین حاضر ہون میں حاضر ہون تیری حضور مین کوئی تیرا شریک
نہیں ہی حاضر ہون مقرر سب تعریفین اور نعمتین تیری ہی ہیں اور بادشاہی تیری ہی ہی کوئی
تیرا شریک نہیں اس لبیک سی کوئی لفظ کم کرنا درست نہیں اور اگر زیادہ کچہہ کہی تو درست ہی جب
نیت کرکی لبیک کہا تو محرم ہو گیا سو اسکو بچانا چاہیی جماع سی اور عورتون کی روبرو جماع کی بات
چیت سی اور گناہ سی اور بیہودہ باتون سی اور جہگڑنی سی اور شکار مارنی اور شکار کی طرف
اشارہ کری کسیکو شکار بتلانی سی لیکن دریا کا شکار درست ہی اور نہ خوشبو لگاوی اور نہ تیل

اور منہہ کو اور سر کو نہ چہپاوی اور داڑہی اور سر کو خطمی سی نہ دہووی اور تمام بدن کی بال
نہ مونڈی نہ کترے نہ اوکہاڑی اور کرتہ اور پایجامہ اور قبا اور پگڑی اور موزی اور رنگین
خوشبودار کپڑی کو نہ پہنی لیکن حمام کرنا اور گہر اور عماری کی سایہ مین ہونا درست ہی اور
روپیی ہوئی ہمیانی کو کمر پر باندہنا جائز ہی اسیطرح ہتہیار باندہنا انگوٹہی پہننا فصد لینا مرہم
پٹی کرنا بلی خوشبو کا سرمہ لگانا سر اور بدن کو کہجانا اسطرح سی کہ بال نہ ٹوٹی نہ جون جہڑے
تو درست ہی محرم کو چاہیی کہ ہمیشہ لبیک کہا کری جب نماز پڑہی اور جب بلندی پر چڑہی اور
جب پستی مین اُتری اور جب سوار اور پیادونسی ملی اور جب فجر ہووے **فصل** جب مکہ مین داخل

[illegible]

سیدہا حجر اسود کی طرف جاوی اور اللہ اکبر کہی اور کلمہ پڑہی اور نماز کیطرح رفع الیدین
کری یعنی دونون ہاتہہ اوٹہائی اور حجر اسود کو ہتہیلی سی ملی یا چومی بشرطیکہ کسیکو تکلیف
نہ دی اور نہین تو کسی چیز سی اوسکو چہولی پہر اوسکو چومی اور اگر کثرت ہجوم سی یہہ بہی نہو سکے
تو حجر اسود کی سامنی ہوکر اللہ اکبر کہی اور کلمہ پڑہی اور حمد خدا کری اور درود پڑہی پہر طواف القدوم
شروع کری کہ مسافر کو سنت ہی اسطرح کہ حجر اسود سی اپنی داہنی طرف کو جدہر بیت اللہ کا دروازہ
ہی طواف شروع کری اسطور سی کہ اپنی چادر کو داہنی بغل کی نیچی سی نکال کر بائین مونڈہی پر ڈال کی
بیت اللہ کا معہ حطیم کی طواف کری سات بار اور اول تین طوافون مین وڑی اکڑ کی دونون
مونڈہی ہلاوی جیسی لڑنی والی صف جنگ مین چلتی ہین اور جب طواف مین حجر اسود پاس آوے
تو اوسی طرح کری یعنی اوسکو ہاتہہ لگاوی یا چومی اور طواف مین رکن یمانی کو چہونا مستحب ہی اور
طواف ختم کری حجر اسود کو چوم کر یا چہو کر پہر دوگانہ طواف کا مقام ابراہیم کی پاس یا کہین اور

حرم میں ادا کری کہ یہ نماز سات طواف کی بعد واجب ہی پہر نماز کی بعد حجر اسود کو چومی پہر
مسجد سی باہر نکلی اور صفا پر چڑہی اور بیت اللہ کے سامنی ہو کر اللہ اکبر اور کلمہ کہی اور درود پڑہی اور جو
دل چاہی سو دعا کری اور رفع الیدین کری پہر مروہ کو چلی راہ میں دو سبز میناروں کے درمیان
دوڑی جب مروہ پر چڑہی تو جو صفا پر کر چکا سو وہان بہی کری اسطرح سات بار کری صفا سی
شروع کری مروہ پر ختم کری مستحب ہے کہ اسکی بعد مسجد الحرام میں جا کر دو رکعت نماز پڑہی پہر مکی
میں جا کر رہی احرام باندہی اور نفل طواف کیا کری جتنا اسکا جی چاہی مسافر کی حق میں نفل نماز
سی نفل طواف بیت اللہ کا افضل ہی **فصل** ذی الحجہ کی ساتوین تاریخ امام خطبہ پڑہی اور منا کا جانا
اور عرفات کی نماز اور وہان کا ٹہرنا اور پہرنا لوگونکو تعلیم کری پہر نوین تاریخ عرفات میں اور
گیارہوین تاریخ منا میں خطبہ پڑہی اور احکام تعلیم کری پہر آٹہوین تاریخ فجر کی نماز کی بعد مکہ
سی منا کو جاوی اور رات اور دن وہان رہی پہر عرفی کی فجر کو آفتاب نکلی عرفات میں
جاوی سوای بطن عرنہ کی تمام عرفات ٹہرنی کا مقام ہی پہر جب آفتاب ڈہلی تو امام دو خطبی
جمعہ کی طرح پڑہی اور احکام تعلیم کری اور ظہر کی وقت ظہر اور عصر کی نماز ملا کر پڑہاوی ایک
اذان اور دو اقامت سی لیکن بدون امام اور احرام کی ظہر اور عصر ملانا درست نہیں پہر غسل
کر کی ٹہرنی کی مقام میں جا کر ٹہری اور امام اونٹ پر سوار جبل رحمت پاس قبلہ رو پکار کر دعا

عشا کی وقت پڑہی مغرب کی نماز راہ میں یا عرفات میں پڑہنا درست نہیں پہر رات کو
رہی فجر کو اول وقت تاریکی میں نماز پڑہی پہر وہان ٹہری اور دعا کری کہ واجب ہے

کہی اور کلمہ پڑہی اور لبیک کہی اور درود پڑہی پہر جب صبح کی سفیدی خوب ظاہر ہو جاوی تو
منا مین آوی اور جمرۃ العقبہ کو نالی کی اندر سی سات کنکریان ماری اوسی مارنا کنکری اور
ہر کنکری کی ساتہہ اللہ اکبر کہی اور پہلی کنکر سی لبیک کہنا موقوف کری پہر اگر چاہی تو ذبح کری
پہر سر کی بال کترائی یا منڈاوی لیکن منڈانا افضل ہی اسوقت سی ہر چیز حلال ہو گئی لیکن عورت
سی صحبت درست نہین پہر منا کی دنون مین یعنی دسوین گیارہوین بارہوین جب چاہی تو مکی مین
طواف الزیارۃ کی واسطی آوی لیکن دسوین تاریخ طواف کرنا افضل ہی سات بار طواف کری
اگر طواف القدوم مین اکڑ چکا ہو اور صفا مروہ کی درمیان دوڑ چکا ہو تو اب نہ دوڑی اور اگر
طواف القدوم نہ کیا ہو تو ضرور اکڑی اور دوڑی پہر طواف الزیارۃ کر کی منا مین آوی پہر
گیارہوین تاریخ تینون جگہہ کنکریان ماری اول خیف کی مسجد پاس جو جمرہ ہی اوسی قریب پہر جمرۃ الوسطی
کو سات سات بار کنکریان ماری اور ہر کنکری پر اللہ اکبر کہی اور پہلی اور دوسری مقام پہ
کنکریان مار کی ٹہرا رہی اتنی دیر جتنی دیر مین سورۃ بقر ختم ہو سو وہان اللہ اکبر کہی اور کلمہ پڑہی
اور خدا کا شکر کری اور درود پڑہی اور دعا مانگی لیکن دسوین تاریخ اور تیرہوین تاریخ کنکریان
مار کی توقف نکری پہر بارہوین تاریخ اور تیرہوین تاریخ اسطرح کری اگر تیرہوین تاریخ وہان
رہی کہ یہہ مستحب ہی اور اگر تیرہوین تاریخ دوپہر ڈہلنی سی پہلی کنکریان ماری تو بہی درست ہے اور یہہ
بہی درست ہی کہ تیرہوین تاریخ کو فجر ہونی کی قبل منا سی کوچ کری اور اگر صبح ہو گئی تو کنکریان
مارنا واجب ہو گیا پہر جب مکہ مین آوی تو سنت ہی کہ اول محصب مین اتری اگرچہ ایک گہڑی
ساعت پہر جب مکہ سی سفر کا ارادہ کری تو طواف الصدر یعنی رخصت کا طواف کری سات بار اور
نہ اکڑی نہ دوڑی پہر زمزم کا پانی پئی اور بیت اللہ کا آستانہ چومی اور اپنا سینہ اور منہہ ملتزم
مین لگاوی ملتزم اوس مکان کا نام ہی جو حجر اسود اور دروازی کی درمیان مین ہی اور بیت اللہ

کی پردون سی چہٹی فریادی کیطرح آور خوب کوشش سی دعا کری اور زمزم کی آور پہلی قدم چلی ابتدا
کو دیکہتی ہوئی مسجد الحرام سی باہر نکلی آور عورت بہی مرد کی طرح کری لیکن سر کو نہ کہولی حرت
منہ کہولی رہی اور لبیک پکار کی نہ کہی اور دو سبز مینار کی اندر نہ دوڑی اور سر کو نہ منڈاوی
بلکہ تہوری بال کترو والی اور سیا کپڑا اوسکو درست ہی آور ہجوم مین حجر اسود پاس جاوی آور
حیض کے حالت مین سب کری لیکن طواف نکری **فصل قران** تمتع سی افضل ہی سوا اسکی کہ پیغمبر خدا
صلی اللہ علیہ وسلم نی قران ہی کیا تہا اور اسواسطی کہ اوسمین مشقت بہی زیادہ ہی قران یہہ ہی کہ حج
اور عمرہ کی میقات سی ساتہہ نیت کری یعنی دو رکعت احرام کی بعد یون کہی کہ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُرِیْدُ
الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ فَیَسِّرْهُمَا لِیْ وَتَقَبَّلْهُمَا مِنِّیْ پہر لبیک کہی اور جب مکہ مین پہنچی تو عمرہ کا طواف
کری اول تین بار طواف مین اکڑی اور چہٹی اور صفا اور مروہ کی درمیان دوڑی جسطرح کی طواف
القدوم مین مذکور ہو چکا لیکن سر نہ منڈاوی پہر طواف کی بعد احرام باندہی رہی اور حج کی ایام مین
حج کری جو قران کری وہ طواف القدوم نکری کہ مکروہ ہی اور دسوین تاریخ کنکر پہینکی بعد قربانی کی
قربانی کری اور اگر مقدور نہو تو ساتوین آٹہوین نوین ذیحج کی روزی رکہی اور سات روزی ایام تشریق کی بعد
رکہی اگر پہلی تین روزی نہ رکہی تو اوسپر ذبح کرنا لازم ہو گیا اور اگر بدون عمرہ کی عرفات کا وقوف
کری تو عمرہ باطل ہو گیا اوسکی قضا کری آور عمرہ چہوڑنی کی بدلی ذبح کری آور تمتع افضل ہی کیونکہ
حج سی تمتع کا یہہ طریق ہی کہ میقات سی حج کی ایام مین عمرہ کی نیت سی احرام کری اور عمرہ کا
طواف و سعی کرکی سر منڈاوی یا بال کتراوی آور اول طواف سی لبیک کہنا موقوف کری پہر
آٹہوین تاریخ ذیحجہ کی آوی حج کا احرام کری مفرد کیطرح یعنی نری حج کرنی والی کیطرح لیکن اسکو
لازم ہی کہ طواف الزیارة مین تین طواف مین اکڑی اور چہپٹی اور صفا مروہ کی اندر دوڑی
اور دسوین تاریخ ذبح کری آور اگر عاجز ہو تو قران والی کی طرح روزی رکہی **فصل جنایات**

یعنی

یعنی قصور کی کفارے کا بیان اگر احرام والا کسی عضو کو خوشبو لگاوے یا سر پر مہندی کا خضاب کرے یا
یا تیل لگاوے یا سیا کپڑا پہنے یا ایکدن بھر سر چھپا رکھے یا چوتھائی سر یا ایک بغل یا ناف کے نیچے کے
بال منڈاوے یا ناخن کاٹے دونوں ہاتھوں کے یا دونوں پاؤں کے یا ایک ہاتھ ایک پاؤں کے ایک
مجلس میں یا طواف القدوم یا طواف الصدر ناپاکی کی حالت میں کرے یا امام سے پہلے عرفات
[illegible]

کسی عبادت میں تقدیم یا تاخیر کرے جیسے کنکریاں مارنے سے پہلے سر کو منڈاوے تو اوسپر ذبح کرنا واجب
ہوا خواہ بکری ذبح کرے خواہ گائے اور اگر عضو سے کم میں خوشبو لگاوے یا سر کو ڈھانکے یا سیا کپڑا ایک
دن سے کم پہنے یا چوتھائی سر سے کم منڈاوے یا پانچ انگلیوں سے کم کے ناخون تراشے یا کسی اور محرم یا حلال
کا سر مونڈے یا طواف القدوم بے وضو کرے یا طواف الصدر میں تین شوط کرے یا تین مقام سے
کسی مقام کی کنکریاں مارنا ترک کرے تو نصف صاع گیہوں صدقہ دیوے اور اگر بیماری کے سبب یا کسی
اور عذر سے خوشبو دار چیز لگاوے یا چوتھائی سر کو منڈاوے تو ذبح کرے یا تین صاع گیہوں چھ فقیروں کو
دیوے یا تین روزے رکھے اور اگر قبل وقوف عرفات کے جماع کرے تو حج باطل ہوا ذبح کرے اور دوسرے
سال اوسکو قضا کرے اور اگر احرام والا شکار کرے یا کسیکو شکار بتلاوے قصدا یا سہوا تو اوسپر اوسکا
بدلا ہے خواہ شکار کا جانور دریا کا ہو خواہ جنگل کا اور اوسکا بدلا یہ ہے کہ جو وہاں کے دو عادل اوسکی قیمت
اٹکل کریں پھر اوس قیمت کا جانور مول لیکر مکہ میں ذبح کرے خواہ گیہوں کو صدقہ دیوے ہر مسکین کو
نصف صاع اور اگر شکار کو زخمی کرے یا اوسکی رونگٹیں نوچے یا اوسکا عضو کاٹے تو بقدر نقصان
کے کفارہ دیوے اور اگر جانور کے پر اوکھاڑے یا اوسکے پانوں کاٹے تو اوسکی قیمت دیوے اور اگر انڈا
توڑے تو اوسکی قیمت دیوے اور اگر انڈا توڑنے سے مردہ بچہ نکلے تو زندہ بچے کی قیمت دیوے اور اگر حرم کے

گھاس کاٹی یا لودر درخت کہ جو کسیکی ملک میں نہیں کاٹی تو اوسکی قیمت دیوی اور اگر خشک ہو تو کچھ
مضائقہ نہیں اور گھاس کو نہ چراوی۔ کاٹی ہمراہ حرم کا کانٹا درست ہی اور اگر جوں ماری یا کپڑا دھوپ
کی نیت سے دھوپ میں ڈالی کہ جوں مر جاوی یا ٹڈی کو ماری تو کچھ صدقہ دیوی جتنا اوسکا جی چاہی
اور اگر کوا اور چیل اور بچھو اور سانپ اور چوہا اور باؤلا کتا ماری تو کچھ مضائقہ نہیں اور پسو اور کیڑا اور
چیچڑی اور مکھی اور درندہ جانور جو حملہ کری تو اوسکا مارنا درست ہی اور محرم کو درست ہی کہ گائی اور بکری
اور اونٹ اور پالو مرغی اور بطخ کو ذبح کری اور اگر غیر محرم نی شکار کیا ہو اور اوسکی اشارت نہ کی تو محرم کو
اوسکا گوشت کھانا درست ہی **فصل** اگر احرام باندھ کی بیماری کے سبب یا دشمن کے خوف سے حج کو نہ کر سکی تو
اپنی طرف سے کسی کے ساتھ قربانی مکہ میں روانہ کری اور ذبح کا دن مقرر کر دیوی اگر ہری حج کی
نیت کی ہو تو ایک قربانی اور اگر قران کی نیت کی ہو تو دو قربانی بھیجی جس دن قربانی ذبح ہووی
اپنا احرام اوتاری اور اگر قربانی بھیجی اور گھر لوٹ آوی اور احرام باندھی رہ سکی تو بھی درست ہے
پھر جو سال آئندہ میں قضا کری اور اگر قربانی روانہ کرنی کی بعد صحت پاوی یا خوف دور ہو تو حج کو روانہ
ہووی **فصل مواضع قبول دعا کی** اندر اور ملتزم اور حجر اسود اور طواف اور صفا مروہ کی دوڑ
میں اور زمزم اور مقام ابراہیم اور اول کعبہ پر نظر پڑنی میں اور رکن یمانی اور حطیم اور میزاب رحمت
تلی اور منا میں جو دہویں رات کی آدھی رات میں اور عرفات اور مزدلفہ کی قیام میں دعا مقبول ہو
تی ان سبکا بیان القصد دعا کری **فصل** سفر السعادت میں ہی کہ جو حضرت صلی اللہ علیہ وسلم کی نظر
بیت اللہ پر پڑتی تو رفع الیدین کرتی اور اللہ اکبر کہتی اور یہ پڑھتی اَللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ
السَّلَامُ حَيِّنَا رَبَّنَا بِالسَّلَامِ رَبِّ زِدْ هٰذَا الْبَيْتَ تَشْرِيفًا وَتَعْظِيمًا وَتَكْرِيمًا وَمَهَابَةً وَزِدْ
مَنْ حَجَّهُ وَاعْتَمَرَهُ تَكْرِيمًا وَتَشْرِيفًا وَتَعْظِيمًا وَبِرًّا اور رکن یمانی اور حجر اسود کی بیچ
میں یہ دعا پڑھی رَبَّنَا اٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَّفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَّقِنَا عَذَابَ النَّارِ رَبَّنَا

انسہ

ابراہیم کی پاس یہہ آیت پڑہی وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ اِبْرَاهِيْمَ مُصَلًّى اور صفا کی نزدیک آیت
پڑہی اِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللّٰهِ اور جب صفا پر چڑہی تو اللہ اکبر کہی اور یوں فرمائی
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِيْكَ لَهٗ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
وَحْدَهٗ صَدَقَ وَعْدَهٗ وَنَصَرَ عَبْدَهٗ وَهَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهٗ اور وہاں یہہ دعا فرماتے
اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْئَلُكَ مُوْجِبَاتِ رَحْمَتِكَ وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَالْغَنِيْمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَالسَّلَامَةَ
مِنْ كُلِّ اِثْمٍ لَا تَدَعْ لِيْ ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهٗ وَلَا هَمًّا اِلَّا فَرَّجْتَهٗ وَلَا كَرْبًا اِلَّا كَشَفْتَهٗ وَلَا حَاجَةً اِلَّا
قَضَيْتَهَا اور عرفات میں ہاتھہ اوٹھا کر عاجز مسکین کیطرح یہہ دعا فرمائی اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذِيْ
تَقُوْلُ وَخَيْرًا مِّمَّا نَقُوْلُ اَللّٰهُمَّ لَكَ صَلَاتِيْ وَنُسُكِيْ وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِيْ وَاِلَيْكَ مَاٰبِيْ وَلَكَ
رَبِّ تُرَاثِيْ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَوَسْوَسَةِ الصَّدْرِ وَشَتَاتِ
الْاَمْرِ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَجِيْءُ بِهِ الرِّيْحُ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَسْمَعُ كَلَامِيْ وَتَرٰى
[illegible] الْمُسْتَغِيْثُ

[illegible]

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِيْكَ لَهٗ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ
حدیث میں آیا ہی کہ حضرت نے فرمایا کہ میری دعا اور پیغمبروں کی دعا عرفات میں یہہ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ

[illegible]

ومن وساوس الصدر وشتات الامر اللهم اني اعوذبك من شر ما يلج في الليل و
شر ما يلج في النهار وشر ما تهب به الرياح ومن شر بوائق الدهر **باب** دوسرا مدینہ
کی زیارت مین **فصل** مطلوب مین وارد ہی کہ پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم نی فرمایا کہ جسنی میری
قبر کی زیارت کی اوسکو میری شفاعت واجب ہوگئی اور جسنی حج کی بعد میری قبر کی زیارت کے
گویا اوسنی میری زندگی مین ملاقات کی اور جسنی حج کیا اور میری زیارت نکی اوسنی مجھپر ستم کیا
فصل سب علما کی نزدیک قولا وفعلا حضرت کی زیارت افضل سنت ہی حج کی بعد سو سطے کہ
جب قبور مسلمین کی زیارت مستحب ہی تو حضرت کی زیارت بطریق اولی افضل ہوئی اور ثابت ہی کہ
حضرت اپنی قبر مین زندہ ہین زیارت کرنی والی کی سلام کا جواب دیتی ہین تو ایسی نعمت سی محروم
رہنا بڑی بی نصیبی ہی **فصل آداب زیارت** بعد حج کی خالص نیت سی مدینہ منورہ کا قصد
کری اور راہ مین کثرت درود کی کری جب مدینی کی قریب پہنچی تو زیارت کی نیت سی غسل کری اور سفید
کپڑی پہنی اگر عطر میسر ہو تو بدن مین لگاوی اور جب مدینہ نمود ہو تو سواری سی اتری اگر ہو سکی تو
مسجد شریف تک پیادہ آوی اور جب حرم شریف مین پہنچی تو حضرت کو سلام کر کی یہ دعا پڑہی اللهم
هذا حرم رسولك فاجعله لي وقاية من النار وامانا من العذاب وسوء الحساب
اللهم افتح لي ابواب رحمتك وارزقني في زيارة نبيك ما رزقته اوليائك و
اهل طاعتك واغفر لي وارحمني يا خير مسئول اور کمال ادب و شوق سی حرم شریف
مین داخل ہو درود پڑہتا ہوا اور جب مسجد شریف مین داخل ہو تو اول داہنا قدم اندر رکہی اور یہ
دعا پڑہی اللهم افتح لي ابواب رحمتك اور درود پڑہی اور حضرت کی مصلی پر دو رکعت تحیۃ المسجد
پڑہی اور بعد نماز کی شکر الہی بجا لاوی کہ ایسی عمدہ نعمت اوسکو نصیب ہوئی اوسکی بعد روضہ منورہ کی
زیارت کی واسطی کمال شوق اور ادب سی حاضر ہو اور اسطرح سی تین بار سلام کری کہ السلام
علی

فاروق اعظم کی زیارت کری جیسا کہ معلم بتلاوی **فصل** جب تک مدینہ مین رہی اسکو غنیمت جانی
اکثر اوقات مسجد شریف مین حاضر رہی اور عبادات پر حریص رہے اور اعتکاف کی آرزو کری اور درود بہت پڑہی اور
نفل نماز پڑہا کری خصوصا اوس مقام مین جو حضرت کی قبر اور منبر کی درمیان ہے کہ وہان کے نماز
اور دعا مقبول ہی اسواسطی کہ صحیح حدیث مین آیا ہی کہ میری منبر اور قبر کی درمیان بہشت کے کیاری
ہی اور دوسری حدیث مین آیا ہی کہ سوای بیت الله کے حضرت کی مسجد کی نماز اور مسجد ونسی ہزار
حصہ افضل ہی اور کعبی کی نماز مدینہ کی مسجد سی سو حصہ زیادہ ہی تو اور مسجد ونسی لاکہہ حصہ افضل ہوئی
اور جب بقیع کی زیارت کو جاوی تو یہہ دعا کری اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِاَهْلِ بَقِيْعِ الْغَرْقَدِ اَللّٰهُمَّ لَا
تُحَرِّمْنَا اَجْرَهُمْ وَلَا تَفْتِنَّا بَعْدَهُمْ وَاغْفِرْ لَنَا وَلَهُمْ پہر ہر ایک قبرون پر جاوی اصحاب اور
اہل بیت کی اور سلام کری چنانچہ مشہور ہی اور مستحب ہی کہ مدینہ کی اور مساجد مین نماز پڑہی خصوصا مسجد
قبا مین اور جبل احد کی اور وہان کی شہیدون کی زیارت کری آور وہان اپنی واسطی خدا سی دعا
خیر کری باقی آداب اور دعائین وہان کی معلم بتلا دیتی ہین زیادہ تفصیل کی حاجت نہین شفیع الہی
اپنی کرم اور فضل سی ہمکو بہی حرمین شریفین کی زیارت نصیب کر آمین
یارب العالمین وصلی الله علی سیدنا وشفیعنا محمد
وآلہ واصحابہ اجمعین
ط

بعد تمام کرنی اس رسالہ کی عاجز محمد حسین لکھنوی مہتمم مطبع محمدی کو یہہ مناسب معلوم ہوا کہ احرام سی طواف رخصت تک بترتیب ہر مقام کی دعائیں لباب المناسک مختصر جمع المناسک ملا رحمۃ اللہ سی جسکی شارح ملا علی قاری ہین لکھدیجی تا ہر مقام کی دعا کی شائق کو بہی جو اس مختصر قدر ضرورت پر اکتفا کری یہہ رسالہ فائدہ بخشی اور جو کچہہ اس سی زیادہ مسائل حج کی تفصیل درکار ہو کی تو اس عاجز کی رسالہ زاد الحرمین مین پاویگا خدا نی چاہا تو قریب اوسکا بہی چہاپہ ہوتا ہی

آغاز ادعیہ

احرام کا دوگانہ مسجد مین مستحب ہی اگر میقات پر مسجد ہو تو غیر مکروہ وقت مین کپڑی احرام کی پہن کی دو رکعت نماز سنت احرام کی نیت کری پہلی رکعت مین بعد سورہ فاتحہ کی سورۃ الکافرون اور رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَیْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ پڑہی اور دوسری رکعت مین بعد سورہ اخلاص کی رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَیِّئْ لَنَا مِنْ اَمْرِنَا رَشَدًا پڑہی اور بعد سلام کی اپنی حاجت کی مطابق یون بان سی فقط حج کا کرنی والا کہی اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُرِیْدُ الْحَجَّ فَیَسِّرْهُ لِیْ وَتَقَبَّلْهُ مِنِّیْ اور بعضون نی یہہ بہی بڑہایا ہی وَاَعِنِّیْ عَلَیْهِ وَبَارِكْ لِیْ فِیْهِ نَوَیْتُ الْحَجَّ وَاَحْرَمْتُ بِهٖ لِلّٰهِ تَعَالٰی اور متمتع یعنی جو عمرہ کرکی حلال ہو جایگا اور پہر مکہ سی حج کی نیت کریگا وہ یون کہی اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُرِیْدُ الْعُمْرَةَ فَیَسِّرْهَا لِیْ وَتَقَبَّلْهَا مِنِّیْ اور جو پہلی لفظ یہان بہی زیادہ کری تو اَعِنِّیْ عَلَیْهَا وَبَارِكْ لِیْ فِیْهَا نَوَیْتُ الْحَجَّ وَاَحْرَمْتُ بِهَا لِلّٰهِ تَعَالٰی کہی اور قارن یون نیت کری اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُرِیْدُ الْعُمْرَةَ وَالْحَجَّ فَیَسِّرْهُمَا لِیْ وَتَقَبَّلْهُمَا مِنِّیْ

وَاَعِنِّیْ [illegible]

لَبَّیْكَ اَللّٰ[illegible]

لَكَ اور [illegible]

لَبَّیْكَ وَالْعَمَلُ لَبَّیْكَ اِلٰهَ الْحَقِّ لَبَّیْكَ اور حج یا عمرہ جسکی نیت کی ہی اوسکا بہی ذکر لبیک میں
کری تو بہتر ہے جیسی لَبَّیْكَ بِحَجَّةٍ حَقًّا یا لَبَّیْكَ بِعُمْرَةٍ حَقًّا یا لَبَّیْكَ بِعُمْرَةٍ وَحَجَّةٍ حَقًّا اور
لبیک کی بعد دعا بہی مستحب ہی جیسی اَللّٰهُمَّ اَعِنِّیْ عَلٰی فَرْضِ الْحَجِّ وَتَقَبَّلْهُ مِنِّیْ وَاجْعَلْنِیْ مِنْ وَفْدِكَ
الَّذِیْنَ رَضِیْتَ عَنْهُمْ وَارْتَضَیْتَ وَقَبِلْتَ اَللّٰهُمَّ اَحْرَمَ لَكَ شَعْرِیْ وَبَشَرِیْ وَدَمِیْ وَعِظَامِیْ
مِنَ النَّارِ وَكُلَّ شَیْءٍ حَرَّمْتَهُ عَلَی الْمُحْرِمِ اَبْتَغِیْ بِذٰلِكَ وَجْهَكَ الْكَرِیْمَ بہت بہتر ہے اور اسکی سوا
اور جو چاہی سو دعا مانگی جیسی اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ رِضَاكَ وَالْجَنَّةَ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ غَضَبِكَ
وَالنَّارِ جب حرم محترم کی سرحد پر پہنچی تو اطمینان قلب و ظاہر باطن عظمت ورو فارسی ننگی پانو
استغفار کرتا دعائیں مانگتا پیادہ پا جیسی قیدی کہ بادشاہ باجبروت اور غفار کی سامنی جاتا ہی

وَدَمِیْ وَعِظَامِیْ وَبَشَرِیْ

کریا نی لی اتنا زیادہ کیا

ہی اَسْئَلُكَ بِاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ الَّذِیْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَعَلٰی اٰلِهٖ

[illegible]

صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذَ مِنْهُ نَبِیُّكَ مُحَمَّدٌ صَلَّی اللّٰهُ
عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ اور دخول بیت اللہ کا باب السلام سی مستحب ہی اور درود پڑہتا و دعا مانگتا پہلی یہاں

[illegible]

ذُنُوْبِیْ وَافْتَحْ لِیْ اَبْوَابَ رَحْمَتِكَ اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ لَا اِلٰهَ

هذا البيت تشريفًا وتعظيمًا وتكريمًا ومهابةً ... السلام ...

وآله وسلم طواف شروع کرے ملتزم لے یا یہ پڑھے رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ
حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اور باب کعبہ کی دعا یہ ہے اَللّٰهُمَّ هٰذَا الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَ
هٰذَا الْحَرَمُ حَرَمُكَ وَهٰذَا الْأَمْنُ أَمْنُكَ وَهٰذَا الْمَقَامُ مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ النَّارِ

سُوءِ الْمُنْقَلَبِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ اور میزاب کی دعا یہ ہے اَللّٰهُمَّ أَظِلَّنِي تَحْتَ ظِلِّ عَرْشِكَ
يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ وَلَا بَاقِيَ إِلَّا وَجْهُكَ وَاسْقِنِي بِكَأْسِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

ارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ يَا عَالِمَ مَا فِي الصُّدُورِ أَخْرِجْنِي مِنَ الظُّلُمَاتِ
إِلَى النُّورِ رکن یمانی پر یہ پڑھے اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي الدِّينِ وَالدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
رکن یمانی اور حجر اسود کی درمیان میں یہ پڑھے رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً

وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ یہہ ایک پہیرا ہوا اسیطرح سات پہیری کرکی جسکو طواف کہی بعد سعی کری ہووہ حجر اسود کو چومکی مقام ابراہیم مین دو رکعت نماز واجب طواف پڑہی اور یہہ کہی وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى پہر حضرت آدم علیہ السلام کی دعا مانگی اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَعْلَمُ سِرِّيْ

اَحْيِنَا وَاَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا كَرِيْمُ يَا غَفَّارُ يَا عَزِيْزُ يَا جَبَّارُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ وَتُبْ عَلَيْنَا اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْبَيْتِ الْعَتِيْقِ فَنَجِّنِيْ مِنَ النَّارِ وَاَعِذْنِيْ مِنْ كُلِّ سُوْءٍ وَاَقْنِعْنِيْ بِمَا رَزَقْتَنِيْ وَبَارِكْ لِيْ فِيْمَا اٰتَيْتَنِيْ پہر زمزم پینی کی وقت یہہ پڑہی اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَعَمَلًا صَالِحًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ پہر زمزم پیکی حجر اسود کو چومی اور باب الصفا سی نکل کی یہہ پڑہتا ہوا صفا پر آوی اَبْدَأُ بِمَا بَدَءَ اللّٰهُ بِهٖ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ اِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللّٰهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ اَوِ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ اَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَاِنَّ اللّٰهَ شَاكِرٌ عَلِيْمٌ اور جب صفا پر چڑہی تو یہہ دعا پڑہی اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰى مَا هَدَانَا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰى مَا اَوْلَانَا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰى مَا اَلْهَمَنَا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ هَدَانَا لِهٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ

[illegible]

[illegible]

ونصر عبده واعز جنده وهزم الاحزاب وحده لا اله الا الله ولا نعبد الا اياه

مخلصين له الدين ولو كره الكافرون اللهم انك قلت وقولك الحق ادعوني استجب لكم

وانك لا تخلف الميعاد واني اسئلك كما هديتني للاسلام ان لا تنزعه مني حتى توفاني

وانا مسلم سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر ولا حول ولا قوة الا بالله

العلي العظيم اللهم صل وسلم على سيدنا محمد وعلى اله وصحبه واتباعه الى يوم

الدين اللهم اغفر لي ولوالدي ولمشايخي وللمسلمين اجمعين والسلام على المرسلين

والحمد لله رب العالمين پهر دونو سبز منارون کے درمیان دوڑتے وقت یہ کہی رب اغفر وارحم

وتجاوز عما تعلم انك تعلم ما لا نعلم انك انت الاعز الاكرم واهدني للتي هي اقوم

اللهم اجعله حجا مبرورا وسعيا مشكورا وذنبا مغفورا اللهم اغفر لي ولوالدي

وللمؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات يا مجيب الدعوات ربنا اتنا في

الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة وقنا عذاب النار طبرانی اور بیہقی نے ابن مسعود سے ر

کیا ہی کہ نوین شب کو منی مین جو شخص اس کو ہزار بار پڑھی جو مانگے سو پاوے وہ دعا یہ ہے

سبحان الذي في السماء عرشه سبحان الذي في الارض موطئه سبحان الذي في

البحر سبيله سبحان الذي في النار سلطانه سبحان الذي في الجنة رحمته سبحان

الذي في القبر قضاؤه سبحان الذي في الهواء روحه سبحان الذي رفع السماء

سبحان الذي وضع الارض سبحان الذي لا ملجا ولا منجا منه الا اليه دعائے

عرفہ کی اس رسالہ مین مذکور ہو چکی یہان کچھ حاجت نہین غروب آفتاب تک آمین کہتا

[illegible]

اور دعا مانگنا بکثرت کری اور حضرت علی کرم اللہ وجہہ سی روایت ہی کہ اوسدن یہہ دعا
بہت مانگی اَللّٰھُمَّ اَعْتِقْ رَقَبَتِیْ وَاَوْسِعْ لِیْ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَاصْرِفْ فَسَقَۃَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ
بیہقی نی شعب الایمان مین جابر بن عبد اللہ رضی اللہ عنہ سی روایت کیا ہی لَا اِلٰہَ اِلَّا اللّٰہُ وَحْدَہٗ

[illegible]

اور [illegible] علٰی محمد وعلٰی اٰل محمد کما صلیت علٰی ابراھیم وعلٰی اٰل ابراھیم
انک حمید مجید وعلینا معھم مزدلفہ سی منی کو چلی تو وادی محسر مین [illegible] دوڑتا جاوی اور

[illegible]

و[illegible] حنیفا وما انا من المشرکین ان صلاتی
ونسکی ومحیای ومماتی للہ رب العالمین لا شریک لہ وبذالک امرت وانا من
المسلمین اللھم تقبل منی ھذا النسک واجعلہ قربانا لوجھک وعظم اجری علیہا
اور جب سر منڈا کی حلال ہو قبلہ رو ہو کر یہہ دعا پڑہی الحمد للہ علٰی ما ھدانا وانعم

[illegible]

[illegible] سیئۃ وارفع لی درجۃ فی الجنۃ العالیۃ اللھم
بارک لی فی نفسی وتقبل منی اللھم اغفر لی وللمحلقین یا واسع المغفرۃ امین بسم اللہ
اللہ اکبر اور جب بیت اللہ کی داخل کری تو یہہ دعا پڑہی رب ادخلنی مدخل صدق
واخرجنی مخرج صدق واجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا اللھم ادخلنی جنتک
کما ادخلتنی بیتک وارزقنی رؤیتک اللھم یا رب البیت العتیق اعتق رقابنا

ف [illegible]

فصل طواف الوداع

وسلم واعوذ بك من شر ما استعاذ منه نبيك محمد عليه السلام ربنا تقبل منا
انك انت السميع العليم وتب علينا انك انت التواب الرحيم جب گہر کی پہر
ارادہ کری تو طواف الوداع جیسا کہ معلوم ہوا ادا کری مگر اس طواف مین اکڑنا چاہیے نہ بعض
مین سی چادر نکالنا جسکو اضطباع کہتی ہین سعی کرنا نہین ہی بعد طواف کی جیسا کہ معلوم

پڑہی اور تبرکا پانی سی نہانی یا سر پر ڈالی اور اوسکی طرف دیکہی جیسا کعبہ کو دیکہنا عبادت ہی
ویسا زمزم کو بہی دیکہنا عبادت ہی اور تبرک کی واسطی پانی گہر کو لی آنا بہی درست ہی
اور عطر کعبہ کا خادمون سی مول لینا درست نہین غلاف کعبہ کا مول لینا درست ہی پہر ملتزم
سی لگ کی روئی اور دعا مانگی باب کعبہ کو چومی دعا مانگتا روتا اوسکی جدائی پر افسوس
کرتا الٹی پاون آہستہ آہستہ تعظیم اور توقیر کی ساتہہ کعبہ کو دیکہتا باب الوداع سی
باہر آئی اور جو کچہہ ہو سکی خیرات کری کہ وہان ایک دینی کا ثواب لاکہہ
کی برابر ہی الٰہی اس رسالہ کی مصنف اور کاتب اور
صاحب طبع کو ہمسائگی اپنی گہر کی نصیب کر
آمین یا رب العالمین

تمت

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بسم اللہ الرحمن الرحیم

الحمد للہ والصلوٰۃ علی رسول اللہ والسلام علیہ وعلی آلہ واصحابہ صلی اللہ علیہ وعلیہم وسلم
ابداً ابداً بعد اسکی کہتا ہی خادم العلماء والفقراء فقیر وحقیر عاجز ومسکین محمد ضیاء الدین غفر اللہ لہ ولوالدیہ کہ یہ کچھ مسائل
معتبر کتب حصن حصین اور شرح اوسکی حرز ثمین اور کچھ مضامین مختصر زاد سبیل اور رسالہ برق وغیرہ سی نکال کر بیان آداب
سفر عام میں اور سفر خاص حج میں اور بیان ارکان اور ضروریات حج کی بسبب خواہش بعض احباب کے لکھی جاتی ہیں کہ
مسلمانوں کو دونو سفر میں کام آویں اس لئی ان اوراق کا نام زاد سفر رکھا گیا اور تاریخی نام اسکا زاد غریبان ہی اور ترتیب
کیا اوسکو دو بابوں پر اول باب میں دس فصلیں لکھیں بیان مسافرت میں اور دوسرے باب میں تین فصلیں جہان احکام
حج میں مذکور ہیں بعد اسکی ایک خاتمہ مسائل متفرقہ ضروریہ میں لکھا پھر مختصر مناجات درگاہ باری تعالی میں عرض کیے گئے
خدای تعالی قبول فرماوی آمین آمین آمین **پہلا باب** بیان مسافرت میں **پہلی فصل** مسافر کی رخصت کے بیان میں جو شخص
کوئی سفر کری تو مسافر کری بات اوس سی مقیم اور کہی اَسْتَوْدِعُ اللّٰهَ دِيْنَكَ وَاَمَانَتَكَ وَخَوَاتِيْمَ عَمَلِكَ یعنی سونپتا
ہوں میں اللہ کو دین تیرا اور امانت تیری اور آخر عمل تیرے یعنی خاتمہ بخیر **ف** مراد امانت سی اہل ہی یا اہل وعیال اور
تمام امور دنیوی اور کہی مسافر اوس شخص کو کہ رخصت کرتا ہی اوسکو اَسْتَوْدِعُكَ اللّٰهَ الَّذِيْ لَا تَضِيْعُ وَدَائِعُهُ
یعنی سونپتا ہوں میں تجھی اوس خدا کو کہ امانتیں رکھتی ہیں اور نہیں ضائع ہوتی ہیں امانتیں پاس اوسکی اور اگر کئی شخص ہوں
کہ رخصت کریں اونکو تو مسافر کہی اَسْتَوْدِعُكُمُ اللّٰهَ الخ یعنی سونپتا ہوں میں تمکو اوس خدا کو آخر تک اور جو کوئی کہی مقیم کو کہ

بلی

... جاتی ہو اور لازم ہر اللہ اکبر کہنا ہر بلندی پر پس جب لیٹ پہری مسافر
تو کہی مقیم اَللّٰهُمَّ اطْوِلَهُ الْبُعْدَ وَهَوِّنْ عَلَيْهِ السَّفَرَ زَوَّدَكَ اللّٰهُ التَّقْوٰى وَغَفَرَ ذَنْبَكَ وَيَسَّرَ لَكَ الْخَيْرَ
حَيْثُمَا كُنْتَ یعنی یا اللہ لپیٹ اسکی لیئے درازی راہ کی یعنی قریب کر راہ اور آسان کر اوپر مشقت سفر کی توشہ دی تجکو
اللہ پرہیزگاری اور بخشی گناہ تیری اور آسان کری تیرے لیئے بہلائی جسے یعنی توفیق دنیا اور
آخرت کی بہلائی دی جہاں کہ ہووی تو **ف** ایک شخص آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کی پاس حاضر ہوا اور عرض کی یا رسول
اللہ میں سفر کیا جاہتا ہوں پس توشہ دو مجکو یعنی دعا کرو کہ برکت اسکی بجای توشہ سفر کی ہو یا مراد توشہ متعارف ہو
یعنی خرچ راہ پس آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم نے فرمایا زَوَّدَكَ اللّٰهُ التَّقْوٰى یعنی تقوی آخرت کا ہی نصیب کری تجکو اللہ تقوی
اونے عرض کیا زیادہ کیجیے پہر فرمایا غَفَرَ ذَنْبَكَ پہر عرض کیا زیادہ کیجیے ماں باپ میری فدا ہوں ... فرمایا ...

... اللہ ... ہو ... اللہ تعالی نگہبان اوسکا یہاں تک کہ پہری اپنی اور
بڑی سفر کا ارادہ کرنیوالا جب ارادہ کری اَللّٰهُمَّ بِكَ اَصُوْلُ وَبِكَ اَحُوْلُ وَبِكَ اَسِيْرُ یعنی یا اللہ ساتہ
...

... ہو ... اصلی ہی یعنی مثل درندہ جانوروں کی اور بیماری کی اور قرض
کی اور جلنی ڈوبنی کی سی اور سوا اسکی سی پڑہ تا سورہ لایلاف کا سبب امان کا ہی ہر بلا سی کہ بہنچ اوسی بسبب دشمن وغیرہ
ف ابو طاہر سی روایت ہے کہتی ہیں کہ میں ارادہ سفر کا رکہتا تہا اور ڈرتا تہا اوس سی پس ابو الحسن پاس حاضر ہو کر
التماس دعا کی کہ اوس غم سی نجات پاؤں پس انہوں نے فرمایا کہ جو کوئی ارادہ سفر کا کری اور ڈرا اور دہشت دشمن کی طرف
سی رکہتا ہی پس چاہی کہ لایلاف پڑہی کہ وہ امان ہی ہر بلا سی پس ابو طاہر کہتی ہیں کہ میں نی پڑہا اوسکو کوئی چیز ایذا
دینی والی آج تک مجہی نہیں آئی **فصل دوسری** سوار ہونیکی بیان میں اور جب ارادہ کری سوار ہونیکا تو پاؤں رکہی
رکاب میں یا اوسی کی قائم مقام رکاب کا ہو کہی بسم اللہ پس جب بیٹہ چکی جانور کی پیٹ پر کہی الحمد للہ ...

ثم قال لا اله الا انت سبحانك اني ظلمت نفسي فاغفر لي فانه لا يغفر الذنوب الا انت
یعنی سب تعریف ہی واسطے خدا کی پاکی ہی اوس خدا کو کہ ابدار کیا ہمارے لیئے اسکو اور نہیں تھی ہم اسکے
طاقت پانیوالے اور تحقیق ہم طرف پروردگار اپنی کی البتہ رجوع کرنیوالے ہین پھر الحمد للہ کہی تین بار اور اللہ
اکبر کہی تین بار لا الہ الا اللہ ایک بار پھر کہی پاکی یاد کرتا ہون تجھکو ای اللہ تحقیق مین نے ظلم کیا نفس اپنے پر یعنی سبب
گناہ کرنیکی پس بخش مجھکو پس تحقیق نہین بخشتا گناہون کو کوئی مگر تو **ف** حدیث شریف مین آیا ہی خلاصہ اوسکا یہ
ہی کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم نے سوار ہوکر یہ آیت پڑھی اور ہنسی اور حضرت علی رضی نے سبب اسکا پوچھا فرمایا کہ تحقیق
ہنستا ہی رب تیرا اپنی بندی سی اور بڑا ثواب دیتا ہی جب کہتا ہی بندہ رب اغفر لی ذنوبی فرماتا ہی اللہ تعالی
کہ جانتا ہی بندہ میرا کہ کوئی گناہ اسکی نہین بخشتا سوائی میری پس حضرت علی نے اسیطرح شکر مین ہنسی واسطے رسول صلی
اللہ علیہ وسلم کی پیروی کی لیئے کذا فی المشکوة اور جملہ وانا الی ربنا لمنقلبون کو پہلی عبارت سی یہہ مناسبت ہی کہ سوار
ہونیمین غافل ایک حرکت ہی جسمانی اور یہہ بڑا انتقال پروردگار کی طرف ہی اور سواری تمہید حرکت اور خطر کی ہی
پس گویا اشارہ ہی کہ سوار کو چاہیے اوس سے غافل نہووی یاد رکھنے واسطے لیئی خدا تعالی کی ہوکر خیال رکھے
کہ چلی کہ آخر کار سواری چوبی یعنی جنازہ پر اس جہان فانی سی جاویگا اوس وقت کو نہ بھولی اور جانی کہ اسیطرح
ایک سفر اوس جہان کی پر جانا ہی ایسے کام کرے کہ اوس روز رسوا نہو پس [illegible] شان ہی کہ ہر حال مین موت
کو نہ بھولا کری کہ یاد کرنا موت کا بہت عمل ہے اور بڑا ثواب ہے یا اللہ ہم سبہون کو یہہ حالت نصیب کیجیو
آمین آمین رب العالمین یا [illegible] جب کوئی سوار ہوکر چلتا ہو امور دنیا سی بیچ اپنے جی کی اور مشغول ہو دل اوسکا ساتھ اللہ
کی اور زبان اوسکی ساتھ ذکر اوسکی کی کرکے اوسکی پیچھے سوار کرتا ہی اللہ تعالی ایک فرشتہ کو اور نہین خالی
ذکر اوسکی سی یا در مشغول ہوتا ہی ساتھ شعر کی یعنی شعر پڑھتا اور باتین اوس کی یعنی ساتھ کلام دنیا اور بیہودہ کی
کہ پیچھے سوار کرتا ہی اللہ تعالی اوسکی شیطان کو **ف** یعنی جو کوئی سواری کی وقت یاد خدا کی کرتا ہی اوسکی ہمراہ
اللہ تعالی فرشتہ کو متعین کرتا ہی کہ نگہبان اور مددگار ہوتا ہی اور تعلیم نیکی کی کرتا ہی اور جو بیہودہ گو
ہی وہ ساتھی شیطان کا ہوتا ہی اور بدی کی راہ بتاتا ہی

تیسری فصل سفر کی دعاؤن مین

اللهم انا نسئلك في سفرنا هذا البر والتقوى ومن العمل ما ترضى اللهم هون علينا

وَمَغْفِرَةً مِّنْكَ وَرِضْوَانًا بِيَدِكَ الْخَيْرُ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ اَللّٰهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا

[illegible]

اَلا

وَكَآبَةِ الْمَنْظَرِ وَسُوْءِ الْمُنْقَلَبِ فِي الْمَالِ وَالْاَهْلِ وَالْوَلَدِ یعنی یا اللہ تحقیق ہم مانگتی ہین تجھسی بیچ
اس سفر اپنی کی نیکی اور پرہیزکاری اور عمل سی وہ جو خوش ہووی تو اوس سی یعنی قبول کری اوسکو یا اللہ
مانگتا ہون مین تجھسی وسیلہ کہ پہنچاوی نیکی کو یعنی دنیا اور آخرت کی بہلای کو اور مانگتا ہون تجھسی بخشش تجھسی
اور خوشنودی تیری بیچ ہاتھہ تیری کی بہلای ہی تحقیق تو ہر چیز پر قادر ہی یا اللہ آسان کر اس سفر ہماری کو
اور لپیٹ یعنی دفع کر ہمسی درازی اوسکی یا اللہ تو ہی یار یعنی نگہبان سب بلاؤن سی سفر مین اور تو خلیفہ ہی بیچ
اہل کی یعنی کارساز اور نگہبان اہل و عیال میرے کا پیچھی میری یا اللہ یار ہو تو ہمارا بیچ سفر ہماری کی اور خلیفہ
رہ ہمارا بیچ اہل ہماری کی یا اللہ تحقیق مین پناہ مانگتا ہون ساتھہ تیری مشقت سفر کیسی اور بری حالت دیکہنی کے
سی یعنی بسبب نقصان دیکھنی کے اہل و مال مین کہ غمگین ہوؤن اور حالت بری ہو اور برای پہرنی کی سی اہل مین اور
اولاد مین یعنی اس سی بہی پناہ ہی کہ سفر سی پہر کر اہل و مال مین نقصان وغیرہ دیکہون اور رنج اوٹہاؤن **ف** لاحظ
اور وسیلہ اوسکو کہتی ہین کہ جسکی کرنیسی آدمی مطلوب اور قرب الٰہی کو پہنچی مراد بندی کی خدا کی ہی کہ اوسکی سبب سی آدمی
نجات پاتا ہی اور اللہ تعالیٰ کا قرب حاصل ہوتا ہی

چوتہی فصل بیان مین چڑہنی اور اوترنی بلندی کے
اور جانور کی کرانیکی جب چڑہی پہاڑی پر اَللّٰهُ اَكْبَرُ کہی اور جب اوترے اوس سی سُبْحَانَ اللّٰهِ کہی اور جب کہڑی
جنگل پر لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اور اَللّٰهُ اَكْبَرُ کہی اور جو کرادی کسیکو جانور اسکا پس چاہی کہ کہی بسم اللہ **ف**
حیات الحیوان مین لکہا ہی کہ طبرانی نی اوسط مین حضرت انس رض روایت کی ہی کہ جو لڑکا یا غلام یا جانور بدخو
رکہتا ہو تو اوسکی کان مین یہہ آیت پڑہی اَفَغَيْرَ دِيْنِ اللّٰهِ يَبْغُوْنَ وَلَهٗۤ اَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ
طَوْعًا وَّكَرْهًا وَّاِلَيْهِ يُرْجَعُوْنَ کذا فی فتح المبین

پانچوین فصل کشتی کی بیٹہنی کی بیان مین جب سوار
ہووی کوئی دریا مین یعنی کشتی مین تو یہہ دو آیتین پڑہی کہ امان ڈوبنی سی ہی بِسْمِ اللّٰهِ مَجْرٖىهَا وَمُرْسٰىهَا
اِنَّ رَبِّيْ لَغَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهٖ وَالْاَرْضُ جَمِيْعًا قَبْضَتُهٗ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَ

السموات مطویات بیمینہ سبحانہ وتعالی عما یشرکون یعنی ساتھ نام خدا کی ہی چلنا کشتی کا اور ٹھہرنا اوسکا تحقیق پروردگار میرا بخشنے والا مہربان ہی ف یہہ بیان حضرت نوح ع کی کشتی کا ہی منقول ہی کہ جب وہ چلنا کشتی کا چاہتی تھی بسم اللہ کہتی چلتی تھی اور جب ٹھیرنا چاہتی تو بسم اللہ کہتی ٹھہر جاتی پس انہی حضرت نے اس آیت کی پڑھنے کا حکم فرمایا ہی اور دوسرے آیہ کا ترجمہ یہہ ہی یعنی اور نہ پہچانا کافرون نے خدا کو حق پہچاننے اوسکا اور زمین تمام قبضہ اوسکی مین ہوگی دن قیامت کی اور آسمان لپٹے جاوین گی دہنے ہاتھ اوسکی مین پاکی ہی اوسکو اور برتر ہی اوس چیز سی کہ شریک کرتی ہین کافر

چھٹی فصل بیان مین بلند جگہہ پر چڑھنے کی آواز جو بری کوئی جگہہ بلند پر کہی اللھم لک الشرف علی کل شرف ولک الحمد علی کل حال یعنی یا اللہ واسطی تیری بزرگی ہی ہر بلندی پر یعنی قدر اور مرتبہ تیرا بلند ہی ہر بلندی سی اور تیری لئی سب تعریف ہی ہر حال

فصل ساتوین بیان مین شہر دیکھنے کی اور داخل ہونے کی اور جب دیکھی اوس شہر کو کہ چاہتا ہی داخل ہونا اوسمین تو کہی اللھم رب السموات السبع وما اظللن ورب الارضین السبع وما اقللن ورب الشیاطین وما اضللن ورب الریاح وما ذرین فانا نسئلک خیر ھذہ القریۃ وخیر اھلھا ونعوذ بک من شرھا وشر اھلھا وشر ما فیھا یا اللہ پروردگار ساتون آسمانون کی اور اوس چیز کی کہ سایہ ڈالا ہی اونہون نی اور ای رب ساتون زمینوں کی اور اوس چیز کی کہ اوٹھایا ہی اونہون نی اور ای رب شیطانون کے اور اوسکی کہ گمراہ کیا ہی شیطانون نی اور ای رب ہواون کی اور اوس چیز کی کہ پراکندہ کرتی ہین ہوائین پس تحقیق ہم مانگتی ہین بھلائی اس شہر کی اور بھلائی شہر والون کی اور پناہ پکڑتی ہین ساتھہ تیری برائی اسکی سی اور برائی رہنے والون اسکی سی اور برائی اوس چیز کی سی کہ اسمین ہی ف بھلائی شہر کی یہہ ہی کہ داخل ہونا مبارک ہو یعنی سبب طاعت اور عبادت اور عافیت کا ہو اور بھلائی شہر والون کی یہہ کہ نیک بخت ہون اور صحبت اونکی باعث بہتری کی ہو اور بڑی وقت ارادہ داخل ہونی شہر کی اللھم بارک لنا فیھا تین مرتبہ اللھم ارزقنا جناھا وحببنا الی اھلھا وحبب صالحی اھلھا الینا یعنی یا اللہ برکت دی واسطے ہماری اس شہر مین یا اللہ نصیب کر ہمکو میوی اسکی اور دوست کر ہمکو طرف شہر والون کی اور دوست کر نیک بخت شہر والون کو طرف ہماری

فصل آٹھوین ذکر مین

مین

ہین اوترلی اور تمام کرنی مسافر کی ہین اور جب اوتری مسافر منزل مین تو پڑہی یہہ دعا پس تحقیق نہین ضرر کریگی
اوسکو ہینی والے کو کوئی چیز یہان تک کہ کوچ کری وہ یہہ ہی اَعُوْذُ بِکَلِمٰتِ اللّٰہِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ
یعنی پکڑتا ہون مین ساتہہ کلمون پورون خدا کی برای اوس چیز کی سی کہ پیدا کی اور جب شام کری مسافر اور

[illegible]

دما ولد یعنی ای زمین رب میرا اور رب تیرا اللہ ہی پناہ پکڑتا ہون ساتہہ اللہ کی برای تیری سی یعنی خسف و غیرہ
سی اور برای اوس چیز کی سی کہ پیدا کی گئی تجہہ مین یعنی سانپ وغیرہ اور برای اوس چیز کی سی کہ چلتی ہی تجہہ
یعنی حیوانات اور جن و انس اور پناہ پکڑتا ہون ساتہہ اللہ کی برای شیر کی سی اور اژدہا کالی کی سی اور ہر طرح
کی سانپ کیسی اور بچہو کی سی اور برای رہنی والون شہر کی سی یعنی جنات یا آدمی اور برای جنی والی کی سی یعنی
آدمی یا ابلیس اور جنی کی سی یعنی اولاد آدمی یا اولاد ابلیس اور پچہلی رات کو کہی مسافر سَمِعَ سَامِعٌ بِحَمْدِ
اللّٰہِ وَنِعْمَتِہٖ وَحُسْنِ بَلَآئِہٖ عَلَیْنَا رَبَّنَا صَاحِبْنَا وَاَفْضِلْ عَلَیْنَا عَائِذًا بِاللّٰہِ مِنَ النَّارِ یعنی
سنی سننی والی نی تعریف کرنی میری خدا کو اور اقرار میرا ساتہہ نعمت اوسکی کی اور خوبی نعمت اوسکی کی ہمراہی رب
ہمارے یا ہو یعنی مددگار ہو ہمارا اور فضل کر ہمپر کہتا ہون یہہ کلام پناہ چاہتا ہون ساتہہ خدا کی آگ سے

فصل نوین بیان مین جانور کی بہاگ جانی اور مدد چاہنی کی اور جب بہاگ جاوی جانور کسی کا پس چاہیے
پکاری اس طرح یا عِبَادَ اللّٰہِ اَعِیْنُوْنِیْ عِبَادَ اللّٰہِ رَحِمَکُمُ اللّٰہُ یعنی مدد کرو میری ای بندون اللہ کی رحم کری تمکو
اللہ **ف** یہہ قول ابن عباس کا ہی اور مراد بندون خدا سی رجال الغیب ہین یعنی ابدال یا ملائکہ یا مسلمان جنات
ابن مسعود نی آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم سی روایت کی ہی کہ جب بہاگ جاوی جانور کسیکا جنگل مین پس چاہیے
کہی یَا عِبَادَ اللّٰہِ اِحْبِسُوْا یَا عِبَادَ اللّٰہِ اِحْبِسُوْا یَا عِبَادَ اللّٰہِ اِحْبِسُوْا یعنی ای بندگان خدا روکو اسکو
پس تحقیق اللہ کی بندی زمین پر ہین کہ روکتی ہین اوسکو پس ایک بزرگ سی منقول ہی کہ جانور اونکا بہاگ
گیا تہا اور یہہ حدیث جانتی تہی اونہون نی یہہ کلمہ کہی فی الحال اللہ تعالی جانور اونکا پہیر لایا **تنبیہ** جاننا چاہیے
یہان کوئی یہہ نہ سمجہہ جاوی کہ پکارنا مُردون کو یا غائبون کو مدد کی لئی سوای خدا کی درست ہی اس لئے

کہ ابدال ستر ہیں اور حق تعالی نے اونکو جنگلوں میں اسی واسطے یعنی خلق کی کارروائی کی الٹی مقرر کر رکھا ہے
جب ان میں سے کوئی مرجاتا ہے تو خدا تعالی اور کو اوسکی جگہہ مقرر کر دیتا ہے اور کسی کو انکی بیدی کر دیتا ہے واللہ اعلم
اور جناب آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم نے فرمایا کہ جب کوئی کچھ چیز گم کرے یا چاہے مدد اور حال یہہ کہ وہ ایسی جگہ
میں ہو کہ کوئی امیر اور رفیق نہیں اوسکا نہیں پس چاہیے کہ کہے یا عباد اللہ اعینونی یعنی ای بندو خدا کی مدد
کرو میری پس اللہ تعالی کی بندے ہیں کہ ہم نہیں دیکھتے یعنی ابدال کہ وہی کام پر مقرر ہیں اور زندہ ہیں جب اون
میں سی ایک مرتا ہے اوسکی جگہہ پر دوسرے کو حق تعالی مقرر کر دیتا ہے الا کہ بیان مراد ہے جیسکہ اور حدیثون
سے معلوم ہوتا ہے کہ وہ اس کام پر مقرر ہیں اور بیان سے مردون سے مدد مانگنی جائز سمجھی گمراہی ہے کہ وہ خلاف
قرآن اور احادیث صحیحہ سے ممنوع اور بعید ہیں اور بدعت ہے **فصل دسوین** بیان میں اوس طریقہ کے
برتنے کی کہ جسکی سبب مسافر اللہ ہو کہ اپنی سفر سے بہتر اور ہر مسافر سے بہتر حال اور ہیئت میں ہو فرمایا رسول
خدا صلی اللہ علیہ وسلم نے کہ تو چاہتا ہے اے جبیر کہ جب نکلے تو سفر میں یہہ کہ ہو وے تو بہتر یاروں اپنے سے ہیئۃ
میں یعنی صورت اور حال میں بہت زیادہ اونکا از روی توشہ کی **ف** یعنی بہت مال والا اور بہت فراخ
اور کمال جمال والا ہو جاوے تو اور جبیر نام حضرت کے صحابی کا ہے وہ کہتی ہیں کہ پس عرض کیا میں نے ہان بدلو
تمہارے باپ میری پس فرمایا پڑھ یہہ پانچ سورتیں قل یا ایہا الکافرون اور اذا جاء نصر اللہ
اور قل ہو اللہ احد اور قل اعوذ برب الفلق اور قل اعوذ برب الناس
اور شروع کر ہر سورت کو ساتھ بسم اللہ کی اور ختم کر قرارت اپنی ساتھ بسم اللہ کی یعنی سب چھ بسم اللہ ہوئیں کے
کہا جبیر نے اور تھا میں غنی بہت مال والا پس تھا میں کہ نکلتا تھا سفر میں پس ہو جاتا تھا بہت تباہ
حال یاروں سے ہیئۃ میں اور کم تر توشہ میں **ف** یعنی با وجود کثرت مال کے بد ہیئۃ او مفلس ہو جاتا ہیں
بسبب ضایع ہونے مال کی اور بے برکتی مال کی پس ہمیشہ رہا میں جبکہ سیکھیں میں نے یہہ سورتیں رسول خدا
صلی اللہ علیہ وسلم سے اور پڑھا میں نے کہ ان کی برکت سے ہوا میں بہترین اون سے ہیئۃ میں اور زیادہ تر
اون سے توشہ میں یہانتک کہ پھرا میں سفر اپنے سے **باب دوسرا حجکی امورات ضروری**
کی بیان میں پہلی فصل فرضیت حج کی بیان میں جاننا چاہیے کہ فرضیت

حج کی آیات قرآنی اور احادیث صحیحہ نبوی صلعم سی بخوبی ثابت ہی پس مختصر مین ایک آیۂ قرآنی اور دو
تین حدیثین ثبوت فرضیت حج کی لئی لکھی کافی ہین سو یقین کرنا چاہی کہ حج مثل نماز روزی اور زکوۃ کی فرض
عین ہی اور ارکان اسلام سی ہی حق تعالی سورۂ آل عمران مین ارشاد فرماتا ہی وَلِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ
مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا یعنی خدا کی خوشی کی لئی فرض ہی لوگون پر قصد کرنا خانہ کعبہ کا جو طاقت
رکہتا ہو اوسکی کہر کی طرف راہ چلنی کی اور فرمایا آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم نی کہ بنیاد اسلام کے اوپر
پانچ چیز کی ہی ایک گواہی اس بات کی کہ نہین ہی کوئی معبود بحق سوائی اللہ کی اور بتحقیق محمد بندہ
اور رسول اوسکی ہین دوسرے ٹھیک پڑہنا نماز کا تیسری دینا زکوۃ کا چوتہی حج پانچوین روزی رمضان
کی ف اس حدیث سی معلوم ہوا کہ حج ارکان اسلام سی ہی مثل نماز روزی کی پس جو قدرت پاکر حج نہ
کری اوسکا اسلام پورا نہین کہ ... [illegible]
ہی صحیح مسلم مین ابوہریرہ سی رو... [illegible]
... حج بس حج کرو پس عرض کیا ایک مرد نی آیا ہر سال فرض ہی یا رسول اللہ پس چپ رہی آپ یہان تک
کہ اوس نی وہی بات تین بار کہی تب فرمایا اگر کہتا مین ہان بیشک واجب ہو جاتا ہر سال اور البتہ طاقت نہ رکہتی
تم ادا کرنیکی اور ایک روایت مین یہہ بہی آیا ہی اور حج تمام عمر مین ایک بار فرض ہے پس جو زیادہ کری نفل
ہی اور حج فرض ہوی پر شتابی کری یعنی جس سال مین اوس پر فرض ہوا ہی اوسی سال بجا لاوی یا سفر کریکی
طرف اگر استطاعت رکہتا ہو اور استطاعت رکہنے والی سی مراد ہی مسلمان آزاد عاقل بالغ صحیح البدن قادر زاد و راحلہ پر سوائی
حاجت اصلی کی بشرط امن راہ کی اور امن راہ سی یہہ مراد ہی کہ غالباً وہ مین سلامت ہو اور بر و بحر اسمین
برابر ہین اور اسی پر فتوی ہی چنانچہ در مختار برہان قنیہ عالمگیری وغیرہ مین مذکور ہی برہان مین لکہا ہی
اگر احتمال سلامت اور ہلاک دونون برابر ہون تو بہی امن راہ نہین اور عورت کی لئی اگرچہ بڑہیا ہو سوائی
ان شرطون کی دو شرطین اور بہی ہین ایک خالی ہونا عدت سی دوسری ہمراہ ہونا خاوند یا محرم جوان
متقی کا بغیر جبر کی محرم وہی ہی کہ جسکی ساتہ کبہی نکاح جائز نہین مسلمان ہو یا کافر بندہ ہو یا آزاد اور بعد
استطاعت کی شوہر کی اجازت کی حاجت نہین انتہی مختصراً و توضیحاً کذا فی زاد السبیل **دوسری**

فصل فرائض و واجبات حج اور افعال خاص جو تون کی ہین فرائض حج کی منتقی الابحر مین لکہا ہی کہ فرض
حج کی ہین احرام اور وقوف عرفہ مین اور طواف الزیارۃ اور اوسکو طواف الافاضہ اور طواف الرکن بہی کہتی
ہین احرام شرط ہی اور باقی دونون رکن کذا فی المظاہر اور زاد السبیل مین لکہا ہی کہ فرض حج کی پانچ ہین
اول احرام اور یہ شرط ہی دوسرا وقوف یعنی ٹہرنا عرفات پر نوین کی دن زوال ہی سوین کی صبح تک اگرچہ
ایک لحظہ ہو کسی حالت مین تیسرا طواف الزیارۃ اور یہ دونو رکن ہین لیکن وقوف اقوی ہی مذاہب
کہ فوت قبل وقوف کی حج فاسد ہوتا ہی اور قبل طواف کی فاسد نہین ہوتا چوتہا ترتیب ان تینون فرضون کا پانچوان
اداکرنا ہر فرض کا اوسکی وقت اور مکان مین ان فرضون ہی اگر کوئی ترک ہو تو حج ادا نہو گا اور امام
شافعی کی نزدیک سعی بعد طواف کی اور سر منڈانا بہی فرض ہے واجبات حج کی منتقی مین لکہا ہی کہ واجبات
حج کی یہ ہین وقوف مزدلفہ کا اور سعی درمیان صفا اور مروہ کی اور رمی جمار اور طواف الصدر کہ اوسکو
طواف الوداع بہی کہتی ہین آفاقی کی لئی اور حلق یا بال کترواوی اور ہر چیز کہ واجب ہو بسبب ترک
اوسکی دم یعنی جانور ذبح کرنا اور سوای اوسکی سنتین اور آداب ہین اور مولانا محمد اسحق رحمۃ اللہ
علیہ نی اپنی رسالہ مین واجبات حج کی یون ارقام فرمائی ہین وقوف مزدلفہ اور سعی کرنی درمیان صفا
اور مروہ اور کنکریان اسکی مارنی پر اور طواف الصدر یعنی طواف الرخصت کرانا آفاقی
کو یعنی جو کہ مکہ کا رہنی والا نہو اور سر منڈانا یا بال کتروانی اور احرام میقات سی باندہنا اور وقوف عرفات آفتاب
کی غروب ہونی تک اور شروع کرنا طواف کا حجر اسود سی اور بعضون نی اسکو سنت کہا ہی اور طواف شروع
کرنا دائین طرف سی اور طواف پیادہ پا کرنا اگر کچہہ عذر نہو اور طواف باطہارت کرنا اور طواف مین ستر
ڈہکنا اور سعی صفا پر سی شروع کرنی اور سعی مذکور پیادہ پا کرنی اگر عذر نہو اور ذبح کرنا بکری یا مانند اسکی
کا قارن اور متمتع کو اور بعد ہر سات دو رکعت پڑہنی اور ترتیب درمیان رمی اور حلق اور ذبح کی اس طرح
کہ اول رمی کری پہر ذبح پہر حلق پہر طواف زیارت کری اور طواف زیارت ایام نحر مین کرنا اور طواف
اس طرح کرنا کہ حطیم طواف کی اندر آجاوی اور سعی درمیان صفا اور مروہ کی بعد طواف کی کرنی اور حلق
مکہ [illegible]

بعد وقوف عرفہ کی اور جو چیزین کہ اوسکی ترک سی دم لازم آوی اونکا ترک بہی واجب ہے اور سوای
انکی سنتین اور آداب اور مستحبات ہین

یا ما ننداس کی اور بکری

مین یا حیض یا جماع کری بعد وقوف عرفہ کی پہلی سر منڈانیکی تو ایکن نہین کفایت کرتا مگر بدنہ یعنی اونٹ
یا گاے مین اسی بانی المظاہر بیان خاص فضل عورتون کی کنز العباد سبیل مین لکہا ہی کہ عورت کی لئی نسبت
مرد کی کئی چیزین بعد احرام کی خاص ہین اول سلی ہوئی کپڑی کا پہنا جیسی جبہ کرتا پاجامہ دستانی وغیرہ
پر خوشبودار چیز مین رنگا ہوا مانند زعفران کسم وغیرہ کی پہنا جایز نہین دوسرے موزون جرابون
کا پہنا جس سے پاؤن کی ٹخنی کی ہڈی چہپ جاے تیسری سر کا ڈہکنا پر منہ پر کپڑا نہ پہنچی اگر پردہ نشین ہو تو منہ
پر کہجور کا پنکہا یا پیالہ وغیرہ کا ڈہکنا بناکر باندہی پہر اوپر سی کپڑا ڈال کر منہ کو نامحرم سی چہپاوی چوتہی آہستہ کہنا
لبیک کا پانچوین چہٹی اضطباع ورمل کا طواف مین ساتوین آٹہوین استلام کرنا حجر اسود اور رکن یمانی کا
ہر وقت جمع ہونی مردون اجنبی کے نوین نہ پڑہنا دوگانہ طواف کا مقام ابراہیم کے پاس جس وقت وہان
مجمع ہو مردون کا دسوین نہ دوڑنا درمیان صفا مروہ کی گیارہوین نہ چڑہنا صفا مروہ کی اوپر جب مردون کا
وہان مجمع ہو بارہوین سر نہ منڈانا احرام سے اترنے کی وقت تیرہوین بال کتروانی ایک اونگلی کے قدر یا
زاید برخلاف مرد کی کہ اوسکو چوتہائی کترانا واجب ہے چودہوین تیئین بال کترانیکی برخلاف مرد کی کہ اوسکو
سر کا منڈانا بہی جایز ہی پندرہوین تاخیر کرنا طواف زیارت مین بارہوین ذی حجہ سی عذر حیض و نفاس
سی برخلاف مرد کی کہ اوپر تاخیر سے دم لازم آتا ہی سولہوین ساقط ہونا طواف وداع کا بروقت
روانہ ہونی ساتہہ والون کی عذر حیض و نفاس سے برخلاف مرد کی کہ اوپر واجب ہی مسئلہ عورت
حیض و نفاس والی کو سب افعال حج و عمرہ کی کرنی جایز ہین مگر طواف کعبی کا جایز نہین اس واسطی کہ طواف
مسجد مین ہوتا ہی اور ناپاک کو مسجد مین جانا منع ہی لیکن باوجود ممنوع ہونی کی اگر اس حالت مین طواف
کریگی تو فرض ادا ہو جاویگا لہذا اگر عورت کو پہلی طواف زیارت کی حیض آوی اور ساتہہ والی اوسکے
ٹہیر نہین سکتی اس حالت مین اگر طواف کریگی حج صحیح ہو گا لیکن گنہگار ہوگی اونٹ یا گاے کی قربانی کرے

اور توبہ کری اور خوشبو نہ ملے حکم عورت کا رکتا ہی مسئلہ عورت احرام باندہنی والیکو سونا چاندی حریر پہننا
جایز ہی اسی **تیسری فصل** فضایل حج اور عمرہ کی بیان مین صحیح مسلم مین ابوہریرہ سی روایت ہی کہ
کہ ایک عمرہ دوسری عمرہ تک کفارہ ہی جو بیچ انکی ہی اور حج مبرور کی جزا نہین مگر جنت **ف** حج مبرور کہتی ہین
حج مقبول کو اور اسکی علامت یہہ ہی کہ حاجی آپ کو گناہ سے بچاوی اور حج اوسکا محض خدا کی واسطی
ہو ریا فخر وغیرہ کا دخل نہو اور بعضی محدثین کہتی ہین اگر حج کرنیوالیکے افعال و صفات بعد حج کے
پہلے سے بہتر ہو جاوین تو حج اوسکا مقبول ہی والا نا مقبول اور دوسری روایت ابوہریرہ سے
صحیحین مین اسی طرح سی مذکور ہی کہ جسنے خدا کی لئی حج کیا اور عورتون سی خواہش کی بات چیت
نکی اور ساتھ والون سی کالی گلوچ جھگڑا نکیا وہ پھرتی وقت ایسا پاک ہوا کہ گویا کہ اوسی دن اوس
کی ماں نی جنا اور آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم نی فرمایا ہی کہ ساتھ کرو حج اور عمرہ کو اس لئی کہ یہہ دونون
دور کرتی ہین گناہون اور محتاجی کو جیسی دور کرتی ہی بہٹی میل لوہی کو اور سونی چاندی کو اور فرمایا حضرت
صلی اللہ علیہ وسلم نی حج اور عمرہ کرنیوالی مہمان اللہ کی اور زیارت کرنیوالی اوسکی ہین اگر اوس سے کچھ مانگین تو دیتا ہے
مغفرت چاہین تو بخشتا ہے دعا مانگین تو قبول کرتا ہی شفاعت کرین تو مقبول ہوتی ہی اور جو ہے
دین ایک ایک نیکی کے بدلی لاکھہ لاکھہ ثواب ملتا ہے قسم ہے اوس ذات کی جسنے کیا ہے مجکو حق ایک
درم اوسی بہاری ہی تمہاری اس پہاڑ سے | اور اشارہ کیا پہاڑ ابوقبیس کے طرف اور فرمایا
حضرت نی بہتر دنون سی وہ عرفہ ہے جو جمعہ کے دن پڑے اور اوس دن کا حج بہتر ہے اور
دنون کی ستر حج سی اور امام حسن بصری نی اپنی رسالہ مین لکھی ہین کہ صحف آدم مین حق تعالی فرماتا
ہے کہ حج کی دن آتا ہی لاکھہ حاجی الٰہی اگر کم ہوتی ہین تو فرشتون کو بھیج کر پورا کر دیتا ہون اور ستر
ہزار فرشتہ ہر روز طواف کعبہ کی لئی بھیجتا ہون اتفا بہرین لکھا ہے کہ ساری نبیون نی پیادہ پا
حج کیا ہی اور حضرت آدم نی سرانديب سے پیادہ جا کر چالیس حج کئی ہین کہتی ہین کہ جب حضرت آدم حج
کو چلی تو فرشتون نی کہا ای آدم اچھا کرو حج اپنا کہ تحقیق ہمنی حج کیا ہی پہلی تجہسے دو ہزار برس آگے
مختصر اکثر اوسکی ازالہ السبل **چوتھی فصل** تارک حج کے وعید کی بیان مین فرمایا آنحضرت صلی اللہ

علیہ وسلم نے جو مالک ہوا توشہ اور سواری کا کہ پہنچاوی اوسکو بیت اللہ تک اور وہ حج نکرے
پس فرق نہین ہی اوسپر کہ مری یہودی یا نصرانی **ف** یعنی اوسکا مسلمان اور یہودی اور نصرانی
ہونا برابر ہی تہہ اس واسطی فرمایا کہ یہودی اور نصاری حج کی قایل نہین اور فرمایا حضرت صلی
اللہ علیہ وسلم نی جسکو منع نکری حج کرنیسی کوئی حاجت ظاہری یا بادشاہ ظالم یا مرض روکنی والا
پس وہ موا اور حج نکیا تہا پس وہ مری چاہی یہودی ہوکر یا نصرانی ہوکر انتہی کذا فی زاد السبیل **پانچوین**
فصل بیان مین اوس شخص کے جزا کی جو حج کی یا عمرہ کی رستہ مین مرجاوی عدۃ الاانابۃ فی الاکن
الاجابۃ مین مذکور ہی کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم نے فرمایا کہ جو نکلی قصد کرکر اس گہر کا حج کرنیوالے
یا عمرہ کرنیوالی ہی سے ذمہ اللہ کا اگر اوسکو پہیری پہیردی مزدوری اور غنیمت کے ساتہہ اور اگر اوسکے
روح قبض کری داخل کری اوسکو جنت مین اور ابو الفضل کرمانی اپنی منسک مین لکہتی ہین کہ انس
رضی اللہ عنہ سی روایت ہی کہ فرمایا سرور عالم صلی اللہ علیہ وسلم نی جو موا مکہ کی راہ مین آتی یا جاتی
بخشتا ہے حق تعالی اوسکی گناہ اور نکہولا جاویگا اوسکا دفتر حساب کا اور نہ تولی جاوین گی اوسکے
اعمال اور داخل ہوگا جنت مین بغیر حساب اور عذاب کے اور ایک روایت مین آیا ہے کہ ملیگا اوسکو
ثواب حج وعمرہ کرنیوالی کا قیامت تک اور بعض کتابون مین روایت ہی کہ پیدا کرتا ہی اللہ اوسکے
لئی ایک فرشتہ کہ حج کرتا رہیگا اوسکی واسطی قیامت تک انتہی کذا فی زاد السبیل **چھٹی فصل**
طریقہ اور احکام سفر حج کی بیان مین مختصرا جو سفر حج کا ارادہ کری اوسپر لازم ہی نیت خالص محض خدا
کے واسطی کرنی اور چاہی توبہ نصوح کرنا سب گناہون سی اور ادا کرنا قرض کا اور پہونچانا امانتون کا
اور عفو کرانا حقوق العباد کا جہان تک ہو سکی اور راضی کرنا دشمنون کا قبول ہونا توبہ کا اسپر موقوف
ہے کہ حضرت نی فرمایا کہ نہین قبول کرتا ہے اللہ توبہ بندی کے یہان تک کہ راضی کری اپنی دشمنون
کو پس جب راضی ہوئی دشمن راضی ہوتا ہی اللہ اور قبول کرتا ہے توبہ اوسکی اور ایک درم جو حق
دشمنون مین دیا جاوے بہتر ہے ادا کرنیوالی کی لئے عبادت ہزار برس سے اور واجب ہے چہیا
کردینا نفقہ عیال اور اولاد کا اور جس کا نفقہ اسپر واجب ہے اپنی پہرنے تک ان لوگون سے

ہرگز اپنی خبری نکری کہ حضرت نی فرمایا کافی ہی آدمیکو گنہ کار ہوتی مین ضایع کرنا اپنی اہل کا اور راضی کرنا
چاہی والدین کو اور جنکی اطاعت اور نفقہ اوسپر واجب ہے والدین یا فرض کو منع ہوں تو اوسکا کیا
نمانی نفل جیسی خدمت و اطاعت اونکی بہتری والدین ہوں تو دادا دادی کو مثل اونکی سمجہا چاہی اور
لکہنا چاہئی وصیت کا کسی امین کی نام کہ وہ حقوق العباد اور حقوق اللہ جو اوسکی ذمہ پر ہوں اوسکی بعد
ادا کری کہ حدیث سے ثابت ہی وصیت نامہ لکہہ کر سرہانی رکہہ چہوڑنا اور زاد و استخارہ پڑہنا جیسیکہ حصن حصین
وغیرہ میں مذکور ہی واسطی اختیار کرنی وقت و راہ کی نہ واسطی اصل سفر کی اور استخارہ تین یا پانچ
یا سات بار کری اور مسواک سرمہ سلائی آئینہ کنگہی سوئی تاگا مقراض چہری اور مستراد وضو کا برتن ساتہ لینا
مستحب ہے اور جمعرات یا پیر کے دن سفر کرے اور پہلی سفر کرنی سی احکام حج وغیرہ کی معلوم
کری اور وطن سی ایسا رخصت ہو جیسا دنیا سی آخرت کو جاتا ہی اور گہر سی باہر نکلتی پہلی سات تہجا
کو کچہہ دی اور دو رکعت نماز نفل ادا کری پہلی رکعت مین قل یا اور دوسری مین قل ہو اللہ احد اور
بعد سلام کی یہہ دعا پڑہی اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَالْخَلِيْفَةُ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْأَوْلَادِ
وَالْاِخْوَانِ اِحْفَظْنَا وَاِيَّاهُمْ مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَعَاهَةٍ یعنی ای اللہ تو ساتہی ہی سفر مین اور پیچہی خبر لینی
والا ہی گہر والون اور مال اولاد اور یارون اور بہائیون کا بچا ہمکو اور اونکو آفت سی اور مصیبت سے
اور بعد اوسکی پڑہی سورہ انا انزلنا اور یہہ دعا پڑہے بِسْمِ اللّٰهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
إِلَّا بِاللّٰهِ بِسْمِ اللّٰهِ عَلٰى نَفْسِيْ وَمَالِيْ وَدِيْنِيْ اَللّٰهُمَّ بِكَ انْتَشَرْتُ وَاِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَ
بِكَ اعْتَصَمْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ اَللّٰهُمَّ زَوِّدْنِي التَّقْوٰى وَاغْفِرْ لِيْ ذُنُوْبِيْ
وَوَجِّهْنِيْ لِلْخَيْرَاتِ اَيْنَمَا تَوَجَّهْتُ یعنی سفر کرتا ہون مین ساتہ نام اللہ کے بہروسا کیا مینی اللہ پر
اور نہین بچنا ہی گناہ سی اور نہین قوت ہی عبادت پر مگر اللہ کے حکم سے ساتہ نام اللہ کی اعتماد کرتا ہون اوپر
ذات اپنی اور مال اور دین اپنی کی ای اللہ ساتہ تیری ہی چلتا ہون مین اور طرف تیری ہی دہیان کرتا ہون مین
اور ساتہ تیری ہی بہروسا کرتا ہون مین اور تجہی پر اعتماد کرتا ہون مین ای اللہ تو توشہ دی مجکو تقوی کا اور
بخش میری گناہ اور متوجہ کر مجکو نیکیون کی طرف جہان جاون اور جب برتنکلی یہہ دعا پڑہی اَللّٰهُمَّ

نی اعوذ بک من ان اضل او اُضل او اظلم او اُظلم او اجہل او یُجہل علی بسم اللہ توکلت

... لا حول ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم اللہم وفقنی لما تحب و ترضی واعصمنی

من الشیطان الرجیم یعنی ای اللہ پناہ مانگتا ہون تری اس بات سی کہ مین گمراہ ہون یا گمراہ کیا جاون

یا ظلم کرون یا ظلم کیا جاون یا نادانی کرون یا نادانی کی جاوی مجہپر ساتہ نام اللہ کے بہروسا کیا مینی اللہ

پر نہین ہی بچنا گناہ سی اور قوۃ عبادت پر مگر بسبب اللہ برتر بزرگ کی ای اللہ توفیق دی مجکو اوس چیز

کی جسکو دوست رکہتا ہی اور جس سے تو خوش ہوتا ہی اور بچا مجکو شیطان مردود سی اور آیۃ الکرسی اور

اور سورہ اخلاص اور معوذتین ثلثہ پڑہ کر پہر ساتہ مسکین کو کچہہ دی اور سب سے رخصت ہو کر دعا جانے

اور آپ بہی وہ دعا پڑہ کر جو باب اول مین مذکور ہوئی سبکو رخصت کری اور مسافر نہین ہی وہ دعا مین جو باب مسافرت مین مذکور ہین

اور حج کی لئی مال طیب جمع کری مال حرام سی حج قبول نہین ہوتا مستطاع این العادین مذکور ہی کہ فرما

سرور عالم صلی اللہ علیہ وسلم نی جب کوئی حج کرتا ہی مال غیر حلال سی اور کہتا ہی لبیک حق تعالی فرماتا

ہی لا لبیک ولا سعدیک وحجک ھذا مردود یعنی لبیک پکارنا تیرا مقبول نہین اور یہ

حج تیرا رد کیا گیا تجہپر مگر مال شبہہ سے فرض ساقط ہو جاتا ہی پس جسکی پاس مال مشتبہ ہو وہ قرض لیکر حج

کری اور اپنی مال مشتبہ سی قرض ادا کری انتہی کذا فی زاد السبیل الی دار الخلیل پہر جب ٹہری سواری

اسکی بیدا پر کہی الحمد للہ اور سبحان اللہ اور اللہ اکبر ف بیدا ایک جگہہ بلند کا نام ہی

درمیان مکہ ...

جب احرام با...

والنعمۃ لک والملک لا شریک لک یعنی حاضر ہون مین خدمت تیری مین یا اللہ حاضر ہون

مین خدمت تیری مین تحقیق تعریف اور نعمت تیری ہی لئی ہی یعنی انعام و احسان بندون پر تیری

ہی جانب سی ہی اور ملک تیری ہی لئی ہی نہین کوئی شریک تیرا ف احرام مین کتنے چیزون کو حرام کرتا ہوتا

ہی خواہ احرام حج کا ہو یا عمرہ کا تفصیل اوسکی فقہ کی کتابون مین دیکہنی چاہی اور قصد کرنیوالی حج کی

کو چاہی کہ اول طہارت اور غسل کری اور کپڑی بن سی یعنی بن سوئی بدن پر پہنی اور خوشبو بدن کو

پھر نیت احرام کرے اور اگر بدون نماز کے بھی احرام باندھے جائز ہے لیکن مکروہ ہے اور بعد نماز کے لبیک کہے
اور بعد اسکے سید کائنات پر درود بھیجے اور لبیک کہنا بعد نماز کے ہمارے نزدیک سنت ہے اور فرض
احرام کی دو ہیں نیت اور مطلق ذکر لبیک ہو یا سوا اسکے اور سوا انکی اور چیزیں سنت ہیں یا مستحب
اور لبیک کہنا ساری حج میں ایکبار فرض ہے اور بار بار سنت اور مستحب ہے کہ جب لبیک کہے تین بار
کم نہ کہے اور زبان سے بھی دل سے کہنا مفید ہے لَبَّیْكَ لَبَّیْكَ وَسَعْدَیْكَ وَالْخَیْرُ
بِیَدَیْكَ لَبَّیْكَ وَالرَّغْبَاءُ اِلَیْكَ وَالْعَمَلُ لَكَ حاضر ہوں خدمت تیری میں حاضر ہوں خدمت
تیری میں اور مستعد ہوں طاعت پر اور بھلائی تو تیری ہاتھ میں ہے یعنی قبضہ قدرت وتصرف تیری میں حاضر
ہوں خدمت تیری میں اور رغبت طرف تیری ہی اور عمل طرف تیری جو تجہی میں حاضر خدمت تیری میں
لَبَّیْكَ اِلٰهَ الْحَقِّ لَبَّیْكَ **آٹھویں فصل** فراغت پانی لبیہ کی بیان میں اور جب فراغت پاوے
لبیک کہنے سے مانگے خدا تعالی سے بخشش اسکی اور خوشنودی اسکی اور اوس سے آزادی آگ سے **ف**
چنانچہ حدیث شریف میں یہ دعا پڑھنی آئی ہے بلکہ بعد ہر لبیک کے پڑھنا اوسکا سنت ہے وہ یہ ہے اَللّٰهُمَّ
اِنِّیْ اَسْئَلُكَ مَغْفِرَتَكَ وَرِضَاكَ تُعْتِقُنِیْ فِیْ اَیَّا الْقَرَارِ فَاِنِّیْ مُسْتَقِرٌّ مِنَ النَّارِ یعنی الٰہی
تحقیق مانگتا ہوں میں تجھسے مغفرت تیری اور خوشنودی تیری اپنی بیچ دار آخرت کی اور یہ
کہ آزاد کرے تو مجھکو آگ سے **نویں فصل** طواف کے اور حجر اسود کی بوسہ دینے وغیرہ کے
بیان میں جب طواف کرے جبکہ آدمی رکن اسود کی پاس آوے اللہ اکبر یا بسم اللہ اکبر کہے جہاں فقط رکن
مذکور ہوتا ہے اوس سے وہ رکن مراد ہوتا ہے جسمیں حجر اسود ہے پس جب برابر ہووے تو یوں کہے
بِسْمِ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اور درود اور اللہ اکبر کہکر طواف شروع کرے پھر جب ایک
دورہ کر چکے تو اوسکو شوط کہتے ہیں اسی طرح کرے پس سات شوط یوں ہی ادا کرے اور تکبیر کہے وقت
ہاتھ کندہوں تک اوٹھا دے ہتھیلیاں سامنے حجر اسود کی کرے پھر بوسہ دے اور طور بوسہ کا
یہ ہے کہ دونوں ہاتھ حجر اسود پر رکھے درمیان اون کی مونہہ رکھکر بوسہ دے مگر اس طرح کہ آواز

نہ اوی اور بوسہ سی نہیں دی سکتا ہی اتہہ لگا کر چومی جو یہہ بہی نہو سکی تو لکڑی وغیرہ لگا کر اوسی چومی یہہ موافق تصریح فقہا دی کی ہی اور جو یہہ بہی نہو سکی دونون ہاتون سی اوسکی طرف اشارہ کری مستحب ہے کہ حجر اسود پر سجدہ کری اور بوسہ دی تین بار اور تہین کری اور کہی درمیان دونو رکنون کی رَبَّنَآ اٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَّفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَّقِنَا عَذَابَ النَّارِ یعنی ای رب ہمارے دی ہمکو دنیا مین بہلائی اور آخرت مین بہلائی اور بچا ہمکو عذاب آگ کے سی **ف** کعبی کی چار کونے ہین وہ کو عراقی اور شامی کہتی ہین اور دو کو رکن اسود اور رکن یمانی کہتی ہین اور کبہی ان دو کو بہی رکنین کہتی ہین یہان وہی مراد ہین یعنی رکن اسود اور رکن یمانی کہ جانب جنوب کی ہین اور اسی طرح بنا ہی درمیان رکن اسود کی اور حجر کی

ف حجر کہتی ہین کعبی کی دیوار کو کہ جانب شمال کعبی کی ہی اگلی یہہ دیوار کعبی کی تہی اب اسکو بری چہوڑ کر دیوار کعبہ کی بنا ہی حجر لطور آدہی ٹہر گی

خاص درمیان رکن اسود اور مقام ابراہیم

اَللّٰهُمَّ قَنِّعْنِيْ بِمَا رَزَقْتَنِيْ وَبَارِكْ لِيْ فِيْهِ وَاخْلُفْ عَلٰى كُلِّ غَائِبَةٍ لِّيْ بِخَيْرٍ یعنی یا اللہ قناعت دی مجکو ساتہہ اوس چیز کی کہ نصیب کی تونی مجکو اور برکت دی میری لئی اوسمین اور خلیفہ ہو یعنی نگہبان اوپر ہر چیز میری کی کہ غایب ہے ساتہہ بہلائی کی اور ایک روایت مین یہہ کلمہ ہی پہلی دعا کی ساتہہ پڑہتی آئی ہین لَآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِيْكَ لَهٗ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ

دسوین فصل بیان مقام ابراہیم اور صفا مروہ مین

جب فراغت پاوی طواف سی اوی طرف مقام ابراہیم کی پس پڑہی یہہ آیہ وَاتَّخِذُوْا مِنْ مَّقَامِ اِبْرٰهِيْمَ مُصَلًّى یعنی اور پکڑو مقام ابراہیم کو جگہہ نماز کی اور کری مقام ابراہیم کو درمیان کعبی کی اور اپنی دو رکعت پہلی رکعت مین پڑہی قُلْ يٰٓاَيُّهَا الْكٰفِرُوْنَ یعنی بعد الحمد کی اور دوسری مین قل ہو اللہ احد **ف** مقام ابراہیم ایک پتہر ہی کہ حضرت ابراہیم ؑ نی اوسپر کہڑی ہوکر لوگون سی جب حکم الہی حج کی لئی پکارا تہا چنانچہ وہ حکم بیچ آیہ وَاَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ کی مذکور ہی یعنی اعلام کر لوگون مین ساتہہ حج کی اوسپر نشان قدمون حضرت ابراہیم ؑ کا ہی اب ساتہی کعبہ کی ایک حجری مین ہی پس اوسکا بہی کہڑا ہوکر دو گانہ پڑہی کہ وہ اسکی اور کعبی کی بیچ مین ہوجاوی یہہ دو رکعت ہر طواف کی بعد واجب

بین نراد طواف نفل ہو یا فرض یا واجب اور سیہ تکبیر کراس نماز کی لئی بیان ہوی افضل ہے اگر اوسکا بی ہو
پڑہی جائز ہی پہر پہری طرف رکن کی یعنی حجر اسود کی پس چومی اوسکو یعنی دوبارہ یا ہاتہہ وغیرہ سی چہوئی پہر نکلی
دروازہ مسجد کی سی یعنی باب الصفا سی طرف صفا کی **ف** سنت یہہ ہی کہ فی الفور بقصد سعی کی صفا کی طرف
نکلی بلا عذر تاخیر کرنی بری ہی اور عذر سی یا استراحت کی لئی و واسطی دور کرنی اندکی کی اگر تاخیر کری مضایقہ
نہیں پس جب قریب ہوی صفا سی پڑہی یہہ آیت اِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللّٰهِ یعنی تحقیق صفا
اور مروہ نشانیون خدا کی سی ہی پہر کہی اَبْدَأُ بِمَا بَدَأَ اللّٰهُ تَعَالٰى بِهٖ یعنی ابتدا کرتا ہون مین یعنی سعی شروع
کرتا ہون ساتہہ اوس چیز کی کہ ابتدا کی اللہ عزوجل نی ساتہہ اوسکی یعنی ساتہہ ذکر صفا کی پہر چڑہی صفا پر یہان تک
کہ دیکہی خانہ کعبہ کو **ف** اگلی زمانہ مین کوٹہہ کعبہ کا صفا پر سی معلوم ہوتا تہا اب بنا حرم سے چہپ گیا ہی مگر تہوڑی
جگہہ صفا کی بیچ اگر کوارتہ [illegible]
کہی وحدانیت خدا کی اور [illegible]
کہتی ہی ہمیشہ بطور دعا کی او ہاتہہ اوٹہاوی اور کہی لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِيْكَ لَهٗ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ
يُحْيِيْ وَيُمِيْتُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ اَنْجَزَ وَعْدَهٗ وَنَصَرَ عَبْدَهٗ وَهَزَمَ
الْاَحْزَابَ وَحْدَهٗ یعنی نہین کوئی معبود مگر اللہ تنہا نہین کوئی شریک اوسکا اوسکی لئی بادشاہت ہی اور اوسی کی
لئی سب تعریف ہی وہی جلاتا ہی اور مارتا ہی اور وہ ہر چیز پر قادر ہی نہین کوئی معبود مگر اللہ تنہا پورا کیا وعدہ
اپنا یعنی فتح مکہ ہوا اور تقویت دین کی ہوی اور مدد کی بندی اپنی کی یعنی رسول خدا کی اور شکست دی کفار کی
گروہون کو تنہا **ف** یعنی غزوہ خندق مین کہ قریب بارہ ہزار کی کفار سوای یہود و قریظہ اور نضیر کی جمع ہو کر
مدینہ پر آ چڑہی تہی اور ارادہ لڑائی کا سرور عالم علیہ السلام سے رکہتی تہی اللہ تعالی نی ہوا کو اونکی لشکر کا
کو اونپر متعین کیا کہ ہلاک اور خراب کیا اور یہہ کلمہ احتمال ہے کہ سوای توحید و تکبیر کی قرآن اجابت
توحید و تکبیر کا ہو پہر دعا کری درمیان اوسکی اور کہی یہہ اوسکی تین بار **ف** یعنی کلمہ مذکورہ وغیرہ پڑہی اور دعا کری تین بار
پہر اوتری صفا سی اور قصد کری مروہ کا یہان تک کہ جب اوتری دونون پاؤن اوسکی بیچ نشیب نالی کی
دوڑی یہان تک کہ جب چڑہی چلی اپنی چال **ف** یعنی جب تلی نالی سی بلندی مروہ پر چڑہنی لگی تو دوڑنا

ہو قوت کری آہستہ چلی اور پہیپی بلندی اگلی زمانہ مین تہی اب برابر ہی مگر بجای دو درختکی نشانی بنا دی ہی
اوسکو میلین اخضرین کہتی ہین پس اوس جگہہ سی دوڑی اوای سنت کی لئی بیان تک کہ جب آوی مروے
پہ جیسکہ کیا تہا صفا پر **ف** یعنی متوجہ قبلہ کو ہوکر تکبیر و غیرہا کہی پہر ویسی اوتر کر صفا کو جاوی اوپر
سعی کری اور سات بار یونہین کری کہ صفا مروہ تک ایک شوط ہوتا ہی اور مروہ سی صفا تک دوسرا شوط یہہ سات

وَ اَنَا مَعَیۡتُمۡ یعنی یا اللہ تحقیق تو نی فرمایا ہی دعا کرو مجہسی قبول کرونگا دعا تمہاری اور تحقیق تو نہین
خلاف کرتا ہی وعدی کو اور تحقیق مین مانگتا ہون تجہسی کہ جیسکہ ہدایت کیا تو نی مجکو واسطی اسلام کے

ہی برتر **گیارہوین فصل** بیان عرفات مین جب چلی طرف عرفات کی لبیک کہی اور تکبیر **ف**
یعنی کبہی لبیک کہی راہ مین اور کبہی تکبیر لیکن علمانی لکہا ہی کہ لبیک کہنی سنت ہی اور تکبیر کہنی جائز
اور حضرت نی فرمایا کہ بہترین دعاکی دعاون عرفی کی ہی اور بہترین اوس چیز کا کہ کہا مینی اور سب
انبیانی کہ پہلی مجہسی

وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیۡءٍ

لئی ہی بادشاہت اور اوسیکی لئی ہی تعریف سب اور وہ ہر چیز پر قادر ہی اور فرمایا کہ اکثر دعا میری
اور دعا انبیا کی کہ پہلی مجہسی تہی دن عرفہ کی یہہ ہی لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحۡدَهٗ لَا شَرِیۡكَ لَهٗ لَهُ الۡمُلۡكُ
وَلَهُ الۡحَمۡدُ وَهُوَ عَلٰی كُلِّ شَیۡءٍ قَدِیۡرٌ اَللّٰهُمَّ اجۡعَلۡ فِیۡ قَلۡبِیۡ نُوۡرًا وَّفِیۡ سَمۡعِیۡ نُوۡرًا
وَّفِیۡ بَصَرِیۡ نُوۡرًا اَللّٰهُمَّ اشۡرَحۡ لِیۡ صَدۡرِیۡ وَیَسِّرۡ لِیۡ اَمۡرِیۡ وَاَعُوۡذُ بِكَ مِنۡ وَسَاوِسِ
الصَّدۡرِ وَشَتَاتِ الۡاَمۡرِ وَفِتۡنَةِ الۡقَبۡرِ اَللّٰهُمَّ اِنِّیۡ اَعُوۡذُ بِكَ مِنۡ شَرِّ مَا یَلِجُ فِی اللَّیۡلِ

اونچی لی ہے یادشاہت اور اوسکی لئی ہی سب تعریف اور وہ ہر چیز پر قادر ہی یا اللہ کر دل میرے مین نور
یا اللہ کہول میری لئی سینہ میرا اور آسان کر میری لئی سب کام میری اور پناہ پکڑتا ہون مین ساتھ تیرے
وسوسون سینہ کی سی اور پراگندگی کام کی سی اور فتنہ قبر کی یا اللہ تحقیق مین پناہ پکڑتا ہون ساتھ تیری برائی
اوس چیز کی سی کہ داخل ہوتی ہی رات مین اور برائی اوس چیز کی سی کہ داخل ہوتی ہی دن مین یعنی
سی اور برائی اوس چیز کی سی کہ چلا دین اوسکو ہوائین یعنی شیاطین جنیات **ف** کہا یہ کو دعا اسکی فرمایا
کہ تعریف کرنی کریم کی حقیقت مین دعا ہوتی ہی کنایۃ اور علامت شرح صدر کی حدیث شریف مین یہہ آئی
ہی کہ بیزاری ہو دنیا سی اور رجوع ہو طرف دار الخلود کی اور مستعد ہو واسطی موت کی پہلی آنی اوسکی
سی اور مراد دنیا وسوسون سینہ کی سی پناہ ان چیزون سی ہی کہ باعث وسواس کے ہون یعنی نفس
و شیطان اور پراگندگی کام کی یعنی پراگندگی امرون کی بسبب مشغول ہونی کی ساتھ امور دنیا کی
بناہی اور فتنہ قبر کا یعنی حیرانی جواب منکر نکیر کی سی اور لبیک کہنی عرفات مین سنت ہے **ق** یعنی پہلی
وقوفکی اور بعد وقوفکی رمی جمار تک لبیک کہنی سنت موکدہ ہی والا ہر حال مین بعد احرام کے مستحب لیکن
شروع احرام مین واجب ہے اور جب وقوف کری عرفات مین اور کہی لبیک اللہم لبیک یعنی حاضر ہون خدمت
تیری مین یا اللہ حاضر ہون خدمت تیری مین تو کہی بعد اوسکی اِنَّمَا الْخَیْرُ خَیْرُ الْآخِرَۃِ یعنی سوای اوسکی نہین
کہ بہلائی بہلائی آخرت کی ہی پس جب نماز پڑہی عصر کی اور وقوف کری عرفات مین اوٹہای ہاتہ اپنے
ف عرفات مین عصر کی نماز ظہر کی ساتہ پڑہ لیتی ہین اوسکی بعد عرفات مین وقوف کرتی ہین یعنی
ٹہیرتی ہین کہ یہہ وقوف فرائض حج سی ہی بعد دوپہر یعنی تاریخ نوین کی تمام شب دسوین تک وقت
وقوف کا ہی اگر ایک ساعت بہی اوس مین وقوف کریگا فرض ادا ہو جاویگا اور سنت یہہ ہی کہ بعد خروج
کی والنی بیری اور کہی بعد نماز عصر کی عرفات مین ہاتہ اوٹہا کر اَللّٰہُ اَکْبَرُ وَلِلّٰہِ الْحَمْدُ اَللّٰہُ اَکْبَرُ
وَلِلّٰہِ الْحَمْدُ اَللّٰہُ اَکْبَرُ وَلِلّٰہِ الْحَمْدُ لَا اِلٰہَ اِلَّا اللّٰہُ وَحْدَہٗ لَا شَرِیْکَ لَہٗ لَہُ الْمُلْکُ وَلَہُ الْحَمْدُ
اَللّٰہُمَّ اہْدِنِیْ بِالْہُدٰی وَنَقِّنِیْ بِالتَّقْوٰی وَاغْفِرْلِیْ فِی الْآخِرَۃِ وَالْاُوْلٰی یعنی اللہ سب بڑا ہی اور اللہ
کی لئی سب تعریف ہی اور اللہ بہت بڑا ہی اور اللہ کی لئی سب تعریف ہی اور اللہ بہت بڑا ہی اور اللہ کے

سب تعریف ہی نہین کوی معبود مگر اللہ تنہا نہین کوئی شریک اوسکا اوسکی لئی بادشاہت ہی اور
یعنی عیبون ظاہر و باطن کیی سبب
در دین و دنیا مین سرزد ہوی ہین

بخشدی اور پہر چہوڑدی ہاتہ اپنی پہر جبکہ رہی دعا پڑہنی سی مقدار پڑہنی آدمی کی الحمد کو پہر سو وکری یعنی
پہر دعا پڑہی پس اونہادی ہاتہ اپنی اور کہی بات اوسکی یعنی دعا وغیرہ پہری **فصل بارہوین** بیان
مین پہرنی عرفات سی او آنی مشعر الحرام پر اور جب پہری عرفات سی اور اوی مشعر الحرام پر مونہہ کرے
قبلہ کی طرف پس دعا کر خدا تعالی سی اور ساتہ تکبیر اور تہلیل اور توحید کی یاد کری اوسکو یعنی اللہ اکبر
لا الہ الا اللہ وحدہ لا شریک لہ کہی یہانتک کہ خوب روشن ہو جاوے صبح خوب **ف** عرفات سی
پہر کر رات کو مزدلفہ مین رہتی ہین کہ سنت موکدہ ہی وہان کا رہنا پہر صبح کی نماز اول وقت پڑہ کر
مشعر حرام پر کہ نام پہاڑ مزدلفہ کا ہی وقوف کرتی ہین مطلق وقوف کرنا وہان کا واجب ہے اگرچہ ایک
ساعت ہی ہو اور اس قدر کہ مذکور ہوا وقوف کرنا سنت ہی اور وقت وقوف کا طلوع صبح صادق
سی طلوع آفتاب تک ہے اگر اسکی پہلی یا پیچہی کریگا معتبر نہین **فصل تیرہوین** رمی جمار کی بیان مین
اور ہمیشہ لبیک کہتا رہی یعنی احرام کی دن سی جگہون مقرر . سے یہانتک کہ رمی کری جمرہ کو یعنی جمرۃ
العقبی کو **ف** جمرہ اصل مین سنگریزہ کو کہتی ہین پہر اب نام اون نشانون پر ہوگیا ہی جنپر کنکر مارتی ہین
وہ تین ہین ایک جمرہ اولی جسکو جمرۃ دنیا بہی کہتی ہین اور دوسری جمرۃ الوسطی اور تیسری جمرۃ العقبی
رمی کرنی اونکی واجب ہے دسوین تاریخ جمرۃ العقبی پر فقط رمی کرتی ہین یعنی کنکر مارتی ہین اور اول
کنکر مارنی مین لبیک کہنی موقوف کرتی ہین اور گیارہوین بارہوین تینون کو رمی کرتی ہین اور

ہر کنکری کی ساتہ اکبر کہی تہوڑا سا یعنی بعد رمی جمرۃ الدنیا کی پس ٹہری زمین نرم مین پس کہڑا ہو مقابل قبلہ
کی کہڑا ہونا اور اونہادی ہاتہ اپنی پہر رمی کری جمرۃ الوسطی پر اسی طرح یعنی مثل جمرۃ

اور بہتری نزدیک اوسکی **ف** جمرۃ الدنیا کی اگی دیر تک کہ مستحب ہے چنانچہ بعضی نو ابن مسعود بمقدار پڑہنی
سورہ بقر کی آیا ہی پہر کہڑی ہو کر اللہ تعالیٰ کی حمد اور تکبیر و تہلیل و تسبیح کری اور درود پڑہی اور کمال خضوع
اور خشوع سی دعا اپنی لئی اور والدین کی لئی کری اور بخشش چاہی اور بعد رمی جمرۃ العقبہ کے نہ ٹہری پہلی
دن اور دوسری دن نہ تیسری دن اور دعا کرنی مین اختلاف ہی بعضی کہتی ہین ٹہری نہین چلتی مین دعا
کرتا جاوی اور بعضی مطلق دعا کرنی منع کرتی ہین اور داخل ہو وی تشبیب الی مین یعنی رمی جمرۃ العقبہ کے
لئی یہان تک کہ جب فراغت پاوی پڑہی اَللّٰھُمَّ اجْعَلْہُ حَجًّا مَبْرُوْرًا وَّذَنْبًا مَغْفُوْرًا یعنی یا اللہ کر
حج ہماری کو حج مقبول اور گناہ ہماری کو گناہ بخشا گیا **ف** حج مبرور اوسکو کہتی ہین جسمین گناہ اور ریا نہ
ہو اور دعا کری پاس ہر جمرات کی اور نہ مقرر کری کوئی دعا یعنی جو چاہی مانگی **ف** اس حدیث سی معلوم
ہوتا ہی کہ جمرۃ العقبہ کی پاس ہی دعا کری اگرچہ بغیر ٹہری کی ہو **چودہوین فصل** ذبح قربانی کے
بیان مین جاننا چاہی کہ جب ذبح کری قربانی بسم اللہ اللہ اکبر کہی اور کبہی یا تو اپنا اور مصنف اوسکے
کی یعنی جوڑا اوکا قربانی کا اور سب کے وقت ذبح قربانی کی بِسْمِ اللّٰہِ اَللّٰھُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّیْ وَمِنْ اُمَّۃِ
مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ یعنی ذبح کرتا ہون مین ساتھ نام خدا کی یا اللہ قبول کر مجھی مینی قربانی میری
اور امت محمد صلی اللہ علیہ وسلم کیسی یعنی قربانیان اونکی **ف** اگر نام اللہ تعالیٰ کا ذبح کی وقت قصداً ترک
کری وہ جانور کہانا حرام ہو گا پس لفظ بسم اللہ کا کہنا ضروری ہی اور بسم اللہ اکبر کہنا مستحب الی ہی
اور دعائین کہ حدیثون مین مذکور ہین اولی ہی پڑہنا اونکا **پندرہوین فصل** خانہ کعبہ کے
بیان مین اور جب داخل ہو وی خانہ کعبہ مین تکبیر کہی بیچ چاروں کونون اوس کی اور دعا کری بیچ سب کے دون
کبھی کے پس جب نکلی پڑہی سامنی کعبہ کے دو رکعتیں اور داخل ہوئی نبی صلی اللہ علیہ وسلم کعبہ مین اور
اسامہ اور عثمان بن طلحہ حجبی اور بلال بن رباح پس بند کیا دروازہ اوسکا عثمان نی اور آنحضرت کی بیچ
لوگ بہت دیر ہین اور پہری ساتہ پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم اوسمین پس پوچہا مینی یعنی ابن عمر نی بلال سی جو فرت

نکلی پیغمبر صلے اللہ علیہ وسلم کہ کیا کیا رسولخدا صلی اللہ علیہ وسلم نی یعنی کعبہ مین پہیر کر لیس کہا
بلال نی کہ کیا پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم نی ایک ستون بائین طرف اپنی اور دو ستون دائین طرف
اپنی اور تین ستون پیچہی اپنی اور تہا کعبہ اوسدن اوپر چہ ستونون کی یعنی اب تین ستون
ہین پہر نماز پڑہی یعنی حضرت نی **سولوین فضل** زمزم کی بیان مین اور جب پیوی
کوی پانی زمزمکا پس مونہہ کری کعبہ کے طرف اور بسم اللہ کہی اور تین دم لی یعنی تین دم
مین پیوی اور ہر دم مین برتن مونہہ سی جدا کری اور سیراب ہو وی اوس سی یعنی بہت پیٹ
بہر کر پیوی کہ کوکہین تن جاوین پس جب فراغت پاوی پس تعریف کری خدای تعالی کی یعنی
الحمد کہی تحقیق نشانی فرق کی درمیان ہماری اور منافقون کی یہہ ہی کہ سیراب نہین ہوتی
ہین زمزم سی **ف** یعنی علامت مومنین کی یہہ ہی کہ یہہ پانی پیٹ بہر کر پیتی ہین اور علا
منافقین کی یہہ ہی نہین پیٹ بہر کر پیتی اوسکو اور زمزم نام کوئین کا ہی انتیس گز کا فرق
کعبی سی رکہتا ہی اول حضرت جبریل نی پانی اوسکا نکالا حضرت اسمعیل ع م کی لئی پہر حضرت
ابراہیم ع م نی کہود کر کنوان بنایا پہر اٹ گیا تہا عبد المطلب نے صاف کیا پس پانی اوسکا
سب پانیون پر افضل ہے بلکہ بعضون نی آب کوثر پر افضل کیا ہی اور فرمایا آنحضرت صلی
اللہ علیہ وسلم نی کہ پانی زمزم کا واسطی اوس چیز کی ہی کہ پیا جاوی واسطی اوسکی یعنی
جس نیت سی پیوی حاصل ہو پس جو پیوی تو اوسکو حال یہہ کہ شفا چاہتا ہو ساتہہ اوس کے
شفا دی تجکو اللہ اور جو پیوی تو اوسکو حال یہہ کہ پناہ چاہی و یلا ہو وی پناہ دی تجکو خدا
اور جو پیوی تو اوسکو کہ بجہاوی تو پیاس نے آ. بجہاوی کا خدا پیاس کو اور تہی ابن عباس پیتی
پانی زمزم کا کہتی اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِّنْ كُلِّ
دَاءٍ یعنی یا اللہ تحقیق مین مانگتا ہون تجہسی علم نفع دینی والا یعنی مجکو اور اورون کو کہ وہ علم
معرفت اور علم کتاب وسنت کا ہی کہ باعمل ہو اور رزق فراخ اور شفا ہر بیماری سی یعنی ظاہری
ہو یا باطنی اور جب آئی پیشوا دلیل اسلام کی کہ نام اونکا عبد اللہ بن مبارک ہے کوی زمزم پر

اور جاڑا ارحم پانی بنیا پھر متوجہ ہوئی قبلہ کی طرف کہا یا اللہ تحقیق ابن ابی الموال نے یعنی اون کے
اوستادوں روایت کی ہمکو محمد ابن منکدر سے کہ روایت کی جابر سے یہہ حدیث کہ تحقیق رسول خدا صلی
اللہ علیہ وسلم نے فرمایا کہ پانی زمزم کا واسطی اوس چیز کی ہی کہ پیا جاوی واسطی اوسکی اور یہہ پانی
پیتا ہوں مین اوسکو واسطی پیاس بجہنی کی دن قیامت کی پھر پیا **ف** عبد اللہ ابن مبارک نے یہ
عابد زاہد بزرگ قدر شاگرد امام اعظم رحمۃ اللہ علیہ کی ہین

ستر وین فصل

بیان مین جگہون
اور وقتون قبولیت دعا کی جانا چاہی کہ کی اور اوسکی اطراف مین دعا قبول ہونیکی بہت مقام مین اول
جب کعبہ پر نظر پڑی دوسرے حجر اسود کی پاس خصوصا دوپہر کی وقت تیسرے طواف مین آپ کی سامنی چوتھا ملتزم
کی ترسیب خصوصا آدہی رات کو پانچوان حطیم مین چھٹا میزاب رحمت کی نیچی خصوصا صبح کی وقت ساتوان
رکن یمانی کی پاس خاصہ صبح کو آٹھوان مابین رکن یمانی اور باب مسدود کی کہ پشت کی جانب خانہ کعبہ
سامنی اوس دروازہ کی تہا اوس مقام کو مستجار کہتی ہین نوان درمیان رکن یمانی اور حجر اسود کے
دسوان مقام ابراہیم کے پاس خصوصا صبح کو گیارہوان زمزم پر خصوصا غروب کی وقت بارہوان
خانہ کعبہ کے اندر چارون کونون مین اور ستونون کی درمیان خصوصا زوال کی وقت تیرہوان چودہوان
صفا مروہ پر خصوصا بعد عصر کی پندرہوان بین المیلین سولہوان سترہوان عرفات پر دو مقام مین ایک
بیری کی درخت کی نیچی زوال کی وقت دوسرا جبل رحمت کے بائین طرف سورج ڈوبنی اٹھارہوان مشعر
الحرام پر سورج نکلنی سی پہلی اونیسوان بیسوین منی مین دو مقام مین ایک مسجد خیف کی پاس دوسرا جہان
کنکریان مارتی ہین خصوصا جو دوپہر کی آدہی رات کو سوای کی اور مقامات ہی لوگون نی کہی ہین مگر
مشہور یہہ کو دہرا ہوی ملا علی قاری فرماتی ہین بہتر دعا اون سی یہہ دعا ہی اللھم ادخلنی الجنۃ
بغیر حساب نقل ہی کہ کسی نی امام ابو حنیفہ رحمۃ سی پوچھا کہ جب کعبہ کو دیکھون کونسی دعا پڑھون فرمایا اپنی
مستجاب الدعوات ہونیکی اس لئی کہ اگر یہہ دعا قبول ہوی گویا ساری دعائین مقبول ہوئین انتہی مختصر الکدانی
زاد السبیل

اٹھارہوین فصل

حضرت زیارت مدینہ منورہ اور روضہ متبرکہ اور اموات مزورہ سے
اوسکی مین معلوم کرنا چاہی کہ زیارت آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کی افضل عبادات سی قریب واجب کے ہی

بلکہ

بلکہ بعض کے نزدیک عین واجب ہے سرور عالم صلی اللہ علیہ وسلم فرماتے ہین کہ جسنے حج کیا خانہ
کعبہ کا اور میری زیارت نکی پس تحقیق اوسنے ظلم کیا مجھپر **اور** فرمایا جسنے حج کیا اور زیارت
کی قبر میری کی بعد وفات میری کی گویا اوسنے زیارت کی میری زندگی مین **اور** فرمایا جسنے
زیارت کی میری واجب ہے اوس کی لئے شفاعت میری **اور** فرمایا خاک مدینے کے شفا ہے
واسطے جذام اور برص کے اور واسطے ہر بیماری کی **اور** فرمایا جو سہاری سختی اور شدت
مدینے کی کو ہونگا مین اوس کی لئے گواہ یا فرمایا شفیع قیامت کی دن **اور** فرمایا جو میری مسجد
مین چالیس نمازین پڑہے کہ ناغہ نہو اونمین سے کوئی لکھا جاویگا اوسکی لئے بچاؤ دوزخ سے اور عذاب
اور نفاق سے پس اگر حج کرنا اوسپر فرض ہے اور حج کی مہینے شروع ہوئے تو بہتر یہہ ہے کہ پہلے حج
پھر زیارت کرے **اور** اگر حج نفل ہے یا فرض ہے مگر ابھی حجکی مہینے شروع نہین ہوئے تو اختیار
ہے چاہے پہلے حج ادا کرے چاہے پہلے زیارت **اور** جب قصد روضہ مقدسہ کی زیارت کا کرے
تو نیت مسجد نبوی کی بھی شامل کرلے **اور** راہ مین فرائض و واجبات و سنن کو بخوبی بجا لاوے
اور محرمات اور مکروہات سے پرہیز کرے **اور** کمال پاکی و طہارت و عاجزی کی ساتھہ روانہ ہو
اور جتنی مسجدین مکہ سے مدینہ تک راہ مین ملین اون مین نماز پڑہتا جاوے **اور** زیارت کرے
حضرت میمونہ کی قبر کی جو مقام سرف مین تنعیم اور وادی کی درمیان ہے **اور** وہان ایک مسجد
بہی بنی ہوئی ہے وہان دعا مانگے **اور** راہ مین جب نماز وغیرہ ضروریات سے فارغ ہو ذکر و درود پڑہتا رہے
جب درخت مدینے کی نظر پڑین کثرت سے درود پڑہے اور شوق مین اگر تیز چلے اور ہوسکے تو پیادہ
ننگے پاؤن روتا ہوا عاجزی کرتا ہوا روانہ ہو جب حرم مدینہ دیکھے یہہ دعا پڑہے اَللّٰھُمَّ
ھٰذَا حَرَمُ نَبِیِّکَ فَاجْعَلْہُ وِقَایَۃً لِّی مِنَ النَّارِ وَاَمَانًا مِّنَ الْعَذَابِ
وَسُوْءِ الْحِسَابِ یعنی اے اللہ یہہ حرم نبی تیرے کا ہے پس کر اسکو بچاؤ میرے لئے دوزخ سے
اور امان عذاب سے اور برائی حساب سے اور ہوسکے تو پہلے یا پیچھے داخل ہونیسے غسل کرے اور
اچھے کپڑے پہن کر خوشبو لگاوے اور بکمال تواضع اور نیاز کی ساتھہ مدینہ مین داخل ہو پھر مسجد مین

منبر لطیف کی سامنی محراب کی دو گانہ تحیۃ المسجد کا قبل اس کی ادا کی بنا بہ حدیث کہ فرمایا حضرت نی درمیان
گہر اور منبر میرے کی ایک باغچہ ہی باغوں جنت سی اگر وہان جگہ پاوی تو مستحب ہین جہان جگہ پاوی پڑہے
بہر سجدہ شکر کا ادا کری کہ اوسی وہان پہونچنے کے توفیق بخشی اور جو چاہی سو دعا مانگی بہر سرہانی
کی طرف کمال ادب و توجہ قلبی سے کے ساتھ درود و سلام پڑہے اور سلام پہونچاوی اوس شخص
کا جسنے اوسی وصیت کی ہو بہر سرہانی سی ہٹ کر مسجد سیدنا عثمان کی طرف جاکر چہرہ مبارک کی سامنے
پشت بقبلہ کہڑا ہوا اور درود و سلام پڑہی جتنا چاہی بہر ایک ہاتھ داہنی طرف ہٹ کر سامنی روبروی شریف
حضرت ابوبکر صدیق کی ہو کر سلام کہی بہر اپنی اور اپنے باپ کی لئی اور جسنی درخواست کی ہو دعا کی اوس کے

جا کر دو گانہ پڑہی اور توبہ اور دعا کری بہر مسجد شریف مین مسافر رہی اور تسبیح و صلاۃ و استغفار
کری بہر منبر پاس درود پڑہی اور دعا مانگی بہر ستون حنانہ کی پاس بہی جاکر ایسا کری اور مستحب ہے
کہ روز جمعہ زیارت حضرت کی بقیع کی بہی زیارت کری کہ وہان ہزار اصحابی مدفون ہین اور ازواج
مطہرات بہی سوائی حضرت میمونہ اور خدیجہ کی اور بیٹیاں حضرت کی بہی وہان ہی مدفون ہین مزار
بی بی سیدہ فاطمہ بہی بقیع مین ہی اوسکو بیت الحزن بہی کہتی ہین اور مستحب ہے زیارت شہداء احد کی جمعرات کو
اور وقت زیارت کی کہی سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار سلام علیکم دار قوم
مومنین وانا ان شاء اللہ بکم لاحقون اور آیۃ الکرسی اور قل ہو اللہ پڑہی اور مستحب ہے زیارت
حضرت اسماعیل بن امام جعفر صادق کی اور مالک بن سنان اور قبہ نفس زکیہ حضرت مہدی پوتی حسن
مثنی کی اور مستحب ہے زیارت اون مساجد کے جنمین حضرت نی نماز پڑہی جیسی مسجد قبا کہ حضرت نی دو رکعت
کو وہان کی برابر ایک عمرہ کی فرمایا ہی اور مسجد الجمعہ اور مسجد الفضیح کہ اوسکو مسجد الشمس بہی کہتی ہین اور مسجد
بنی قریظہ اور مسجد مشربہ ام ابراہیم بن رسول اللہ اور مسجد بنی ظفر اور مسجد الاجابہ کہ دو دعائین حضرت

وہان قبول ہوتی ہین ایک امت کا قحط سی نہ مرنا اور دوسرا غرق سی ہلاک ہونا اور مسجد الفتح جبل و مسجد الاحزاب اور مسجد الاعلی بہی کہتی ہین اور مسجد سلمان فارسی اور مسجد ابی بکر اور مسجد علی اور مسجد بنی حرام اور مسجد القبلتین اور مسجد القبا اور مسجد الرایہ اور مسجد صغیر اوسکو مسجد الفتح بہی کہتی ہین کہ آیت یَا اَیُّہَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا اِذَا قِیْلَ لَکُمْ تَفَسَّحُوْا فِی الْمَجَالِسِ الخ وہان نازل ہوئی ہی اور مسجد ابی ذر کہ امیر حمزہ کی زیارت کو جاتی ہوی راہ مین داہنی طرف پڑتی ہی اور مسجد ابی بن کعب کہ بقیع مین ہی اور مسجد مصلی عید اور مسجد ابو بکر اور مسجد عمر اور مسجد علی بہی مشہور ہین ان مساجد مین نماز پڑہی اور بدوزی ... رکہنی ... مین ...

... و شکرانا

... کنوئون کی جنمین حضرت ...

اور غسل کری اگر میسر ہو ایک اون مین سی بیر اریس ہی اور دوسرا بیر بضاعہ اور تیسرا بیر عرش اور چوتہا بیر حا اور پانچوان بیر حا اور چہٹا بیر بضاعہ اور ساتوان بیر رومہ ہی انتہی کذا فی زاد السبیل

انیسوین فصل

بیان مین رخصت ہونی مدینی کی سی جب مدینہ سی چلنی کا ارادہ کری تو رخصت کا سجدہ نبوی مین پڑہی اور حضرت کی مصلی پر پڑہ سکی تو نہایت بہتر ہی اور دعا مانگی زیارت کی مقبول ہونی اور پہر حاضر ہونی کی اور جو چاہی دین دنیا کی بہلائی سی اور روضہ مقدس پہ حاضر ہوکر اور درود و سلام عرض ...

... غنیمت اور امن والی ساتہہ رحمت اپنی کی اے سب سے زیادہ رحم کرنیوالی اور وقت رخصت کی مبالغہ کری گریہ و زاری اور آنسو بہانی مین کہ یہہ علامت قبولیت کی ہی بس پہری حسرت کرتا ہوا اپنی جدائی پہ حضور شریف سی اور حسرت کری جو میسر ہوکہ یہہ باعث نجات ہی ہر آفت سی اور موجب سلامت ...

برکات سی اور بہتری کہ زمین جو اوس شکل چہرہ بدلی جبہ کی اور خاک شفا اور پانی ساون کو دن
کا اور تبرکات مثل اوسکی بہانہ لیجائی یا الٹی ایسی ہے کہ بی پانی زمزم کا اور سوای اوسکی تبرکات ہمراہ
لیکن راہ مین اگر پانی نہ ملیگا بعد وضو یا غسل کے اسکی پاس ہوگا تو اوسکو تیمم جائز نہین کہ پانی اوسکے
پاس ہی مگر اس حیلہ سی کہ اوسمین اوس قدر سی زاید گلاب یا کیوڑہ ملا دی یا اوسکو اپنی ساتھی کو ہبہ
پہر بوقت پہونچنی کی اوس سی پہر لے انتی کذا فی زاد السبیل **بیسوین فصل** سفر کی پہرنیکی
بیان مین اور داخل ہونیکی اپنی گہر مین پس جب پہری سفر اپنی سی تکبیر کہی اور ہر بلند سے یا زمین
سی تین تکبیرین پہر کہی لَآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِيْكَ لَهٗ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَ
هُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ اٰيِبُوْنَ تَائِبُوْنَ عَابِدُوْنَ سَاجِدُوْنَ لِرَبِّنَا حَامِدُوْنَ
صَدَقَ اللّٰهُ وَعْدَهٗ وَنَصَرَ عَبْدَهٗ وَهَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهٗ نہین کوئی معبود مگر
اللہ اکیلا نہین کوئی شریک اوسکا اوسی کی لئی بادشاہت ہی اور اوسی کی لئی تعریف ہی اور وہ ہر چیز پر
قادر ہی ہم پہرنیوالے ہین توبہ کرنیوالے ہین بندگی کرنیوالے ہین سجدہ کرنیوالے ہین چلنی والی ہین بیچ
راہ مین لڑنیکی لئی واسطی پروردگار اپنی کی تعریف کرنیوالے ہین سچ کیا اللہ نے وعدہ اپنا اور مدد کی
بندی اپنی کی یعنی آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کے اور شکست دی کفار کے گروہون کو اکیلے اور
جب اوس نزدیک شہر اپنی کی کہی اٰيِبُوْنَ تَائِبُوْنَ لِرَبِّنَا حَامِدُوْنَ یعنی ہم پہرنیوالے ہین توبہ
کرنیوالے ہین واسطی پروردگار اپنی کی تعریف کرنیوالے ہین اور ہمیشہ کہتا رہے ان کلمون کو یہان تک کہ داخل
ہووی شہر اپنی مین اور اپنی پہونچنے سے پہلی خبر کردی اپنی گہر والون کو تا وہ استقبال کرین اور بے

تو یہ طرف پروردگار اپنی کی درحالیکہ پہرنیوالے ہون سفر سی وہ توبہ کہ نچہوڑی کوئی ہم پر گناہ
حالیکہ توبہ کرنیوالا ہون پروردگار اپنی سی ایسی توبہ کہ نچہوڑی ہم پر کوئی گناہ پہر گہر مین جاکر
کا رہی اور ہمیشہ پابند بیت خیر و صلاحین پہلی سے زیادہ تر مشغول رہی کہ یہ علامت

انتہی **خاتمہ** چند مسایل متفرقہ ضروریہ مین **مسئلہ** محرم یعنی احرام والا اگر عضو کامل یا تمام بدن تو اپنے
مجلس مین خوشبو لگاوی یا کپڑی یا فرش کو تھوڑا یا بہت خوشبودار کری یا ڈاڑھی یا سر کی بالون کو
مہندی سی رنگین کری یا خطمی وسی دہو دی یا علاوہ خوشبو کو قدر کثیر کہای یعنی جیسی دو حلو گلاب اور
کیوڑہ اور مشک مین کثیر وہ جسکو لوگ کثیر جانتی ہین بعضی کہتی ہین کثیر وہ جو اکثر مرتبہ مین لگہی
یا دو مرتبہ سی زاید سرمہ خوشبودار لگاوی او سپر دم یعنی قربانی لازم ہی اور اگر اس سی کمتر ہو
تو صدقہ دی مثل صدقہ فطر کے **مسئلہ** خوشبو اگر ہلکی اور تہوڑی ہو تو پورا عضو اور تیز اور بہت
تو چوتہای عضو دم کی لازم آنی مین معتبر ہی **مسئلہ** خوشبو کی استعمال کرنی مین قصد اور سہو اور
خوشی اور جبر برابر ہی یعنی ہر حال مین جزا لازم ہی مرد ہو یا عورت **مسئلہ** اگر مہندی سر پہ جماوی تو دو دم
دینا چاہی ایک خوشبو کی بدلی دوسری سر ڈہانکنی کے عوض **مسئلہ** اگر چند عضو کو کئی مجلس مین خوشبو
لگائی ہر ایک کا کفارہ جدا دی **مسئلہ** اگر مشک یا کافور یا عنبر کپڑی کی کونی مین باندہی تو فطرہ کی برابر صدقہ دے
مگر عود کا کپڑی مین باندہنا یا حلوی زعفرانی کہانا جایز ہے **مسئلہ** اگر کئی عضو کو کئی جگہہ مین مونڈا ہر ایک کے
بدلی قربانی دی **مسئلہ** ہر ناخن کی بدلی آدہا صاع دی لیکن اگر مجموع کے قیمت قربانی کی برابر ہو تو کچہہ
کم کر دی جتنی چاہی **مسئلہ** اگر سر یا ناک یا ڈاڑہی سی کئی بال اوکہاڑی یا ہاتہ پہیرنی سی دور ہو گئی ہر
ایک کی بدلی ایک لپ بہر گیہون دی **مسئلہ** اگر مونچہین دور کین فطرہ کی برابر صدقہ دی اور جو
تہوڑی سی اون مین سی دور گئی ہون تو قیاس کرنا چاہی اگر چوتہائی داڑہی سی آدہی ہو تو آدہی قیمت قربانی
کی دی اور اگر چوتہائی ہو تو تہائی قیمت اوسکے دی **مسئلہ** اگر طواف زیارت حالت جنابت مین کیا
تو اونٹ یا گای قربانی کری **مسئلہ** اگر طواف زیارت بی وضو کیا یا طواف وداع ترک کیا یا طواف
وداع اور طواف قدوم حالت جنابت مین کیا ایک قربانی کری یہہ مسایل زاد سبیل سے لکہی گئے ہین
مسئلہ اگر محرم استعمال کری خوشبو یا سر منڈاوی یا کپڑا سیاہ پہنی ساتہہ عذر کی یا بیماری کی بسبب ان
صورتون مین محرم پر لازم ہی کہ ایک چیز کری تین چیزون مین سی ذبح کری بکری یا چہہ مسکینون
کو تین صاع گیہون دی کہ ہر مسکین کو آدہ آدہ صاع یعنی دو دو سیر یا تین روزی رکہی متصل یا متفرق اور اگر

حرم میں شکار کری یا بتا دی شکار کو یا اشارہ کری اوسکی طرف پس اسپر بدلہ لازم آتا ہی قیمت شکار کی ساتھ تخمین
دو عادلون کی بحسب قیمت اوس جگہہ کے کہ شکار کیا ہی یا بحسب قیمت اوس موضع کی کہ قریب ہو اوسکی اگر تو تم
شکار بن ہو اوسکی قیمت پہر اگر چاہی خریدی ساتہہ قیمت اوسکی کی ہدی اگر آسکی اوسمین لیس ذبح کرے
حرم میں اور اگر چاہی خریدی اوسکا غلہ اور دیوی ہر فقیر کو دو دو سیر گیہون یا جو یا کہجور چار چار
سیر دیوے اگر چاہی روزہ رکہی بدلے ہر فقیر کی ایک روزہ اور ان سب جنایات میں قصد اگر ہوا
اور بہولکر کر ہوا اور عالم اور جاہل اور برغبت اور بجبر سب یکسان میں کذا فی المظاہر خداوندا اس عاجز
کو بہی مع اہل و عیال کی حج مبرور و زیارت روضہ منورہ کی اور سکونت مدینہ مشرفہ کی نصیب کر آمین یارب العالمین
الحمد للّٰہ اولاً و آخراً و ظاہراً و باطناً کہ یہہ رسالہ زاد غریبان تمام ہوا وصلی اللّٰہ تعالیٰ علیٰ خیر
خلقہ محمد و آلہ و اصحابہ اجمعین اب مناجات مختصر جناب باری تعالیٰ کیجانب سی ہی حق تعالیٰ قبول کرے
بحرمت نبی صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم

مناجات

خدایا تو غفار میں جرم کار
توستار اور میں ہون لیس عیب دار
تو ارحم ہی میں بخت حیران ہون

پہ کردہ نفس شیطان ہون

تو خلاق و رزاق تجکو ہی ہے

مری دل میں چاہی کہ اکو مدینہ
میری بکسی رہی جای مسیان
نبی پر سونا دل و روز دیر زبان

مقام اونکو محمود دیکھو عطا
کہ ہوا ون سی دہندی تو آلیا
چرن میں رہون اونکی بر قیم وقت

رہون جب تلک دارو دنیا میں یہان
ہو دین میں میری کچہہ نہ تبا ین
نہ محتاج ہون میں کسی شی کا بسر

نہ حیران ہون اتہ ہوا و ہوس
نہ مشکل اری ہوی کوی تیرے
نظر رحم کی مجہہ پہ رہوی ترے

نہ ممنون احسان کسی کا ہون یہان
تہ امر کے ہو نین غلبہ کار یان
مدد غیب سے نیت ہوتی رہے

لحاجت کسی کے نہ کرنی پڑے
نہ حاجت کوئی سے بند رہوی کبہی
روا کیجو تو میری حاجت سبہی

کہون کس سی تجہہ بن خدایا میں
سنے کون تجہہ بن میں بندہ ترا
وہی کو لنی میری حاجت کر تو

نہیں جانتا اوسکو بس ہو بہو
سبب جسکے جنتین دین تھا میرے
تبدکر رکھا ہی میری بادشاہ ه
تمام عمر مین میں جو جو طلب
اوسی دیکھہ یا دین ہدایت جہول
مجھی اوسکی بدلی مین دیتو یہ اجر
تو پہنچا کی تا حشر رکھیو وہان
نہو قبر مین مجکو یارب عذاب
رہون نعمتون مین وہان تا سرور
نہ نیک مجکو دکہا دی ثواب
نہو اوسمین عصیان کے کچھہ اوتیع حجر
رہون اشرک و بدعت سے مین دور دور
رہون شرک بدعت سے ہر دم بری
نہ تائید مین میری کر تو درنگ
جو ہی خواجہ عثمان میں نامور
صد و بست سال اوسکو دی عمر یہان
میرا نام اگلی حلی اپنی خوب
مقدر میری کرا و دہر کا سفر
رہا کر کی پہونچا یہ عالی جناب
سبب کوئی ایسا تو کر دی عطا
مدینی مین شہادا و ایمان کی ساتھہ

پہر اوسکو مین کہا تیری آگی ہون
روا کر دی تو پہر حضرت نے
چہوڑا دی مجہی اونی یکبارگی
کیا تجہسی وہ مجکو دیجو تو سب
یہہ زاد غریبان جو ہی اب سوا
رہون جا مدینی مین تا حشر
وہین ہو بسا ہو دفن اپنی زندگی
ہو آسان محشر مین میرا حساب
گنہ میری کر دی تو یارب معاف
کہ تا اوسپہ سیدہا چلون لی عجب
طریقت ہی پر رہون مین مدام
ہو توحید سنت کا مجہپر ظہور
ہدایت کا سر پر میرے تاج ہو
کہ مین سخت حیران ہون دور ہون تک
اونسی صحت و تندرستی سی یہان
حفاظت ہی اوسکو ہو حرز جان
میری ہی یہی تجہسی ہر دم دعا
کہ جیسے سحر مین ہی نبی کا مقتدر
ہین بے زر ہون اور ہون بے پریشان
کہ ہجرت کا مین جاوی سامان میرا
بہت اسپہ یارب مرا کب ہے یہ تنگ

کہ مین اکثر اونکو کیونکر لکہون
مجہی جو بسی فکر رہتون بے آه
روا کر کی حاجت تو پہر سے
نقصانی نفسیر میرے کو کچہو قبول
اسی سبب تو مقبول کیجو خدا
معہ اہل و اولاد مجکو میان
بقیعہ مین ہو قبر یارب میری
ہو فردوس مین میرا رہنا ضرور
کہ تا گرد عصیان سے ہو جاون صاف
اوسکی دوستی کا ہچون مین جب تک
انہی مرگ تک لب پہ تیرا ہی نام
موحد تو کر اور سنی مجہی
تیری ہی رضا کی رہی جستجو
میسر الہی دل اور بخت سکر
ہمیشہ ہی رکھنا تو اور در امان
میری نسل اگی بڑہی اپنی خوب
یہی تجہسی ہے میری بس التجا
معہ اہل و اولاد یہان سی شتاب
مجہی اپنی رحمت سے پہونچا دی وہان
ہمین پہان کی رہتی ہی دیکر نجات
نہین چلن کا اپنی کوئی بھی ڈہنگ

[illegible]

[illegible] محمد قطب الدین [illegible] قرآن مجید اور
حدیث شریف کی اور کتب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] رسول [illegible]

[illegible]